

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۳)

رشته علوم و معارف اسلامی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

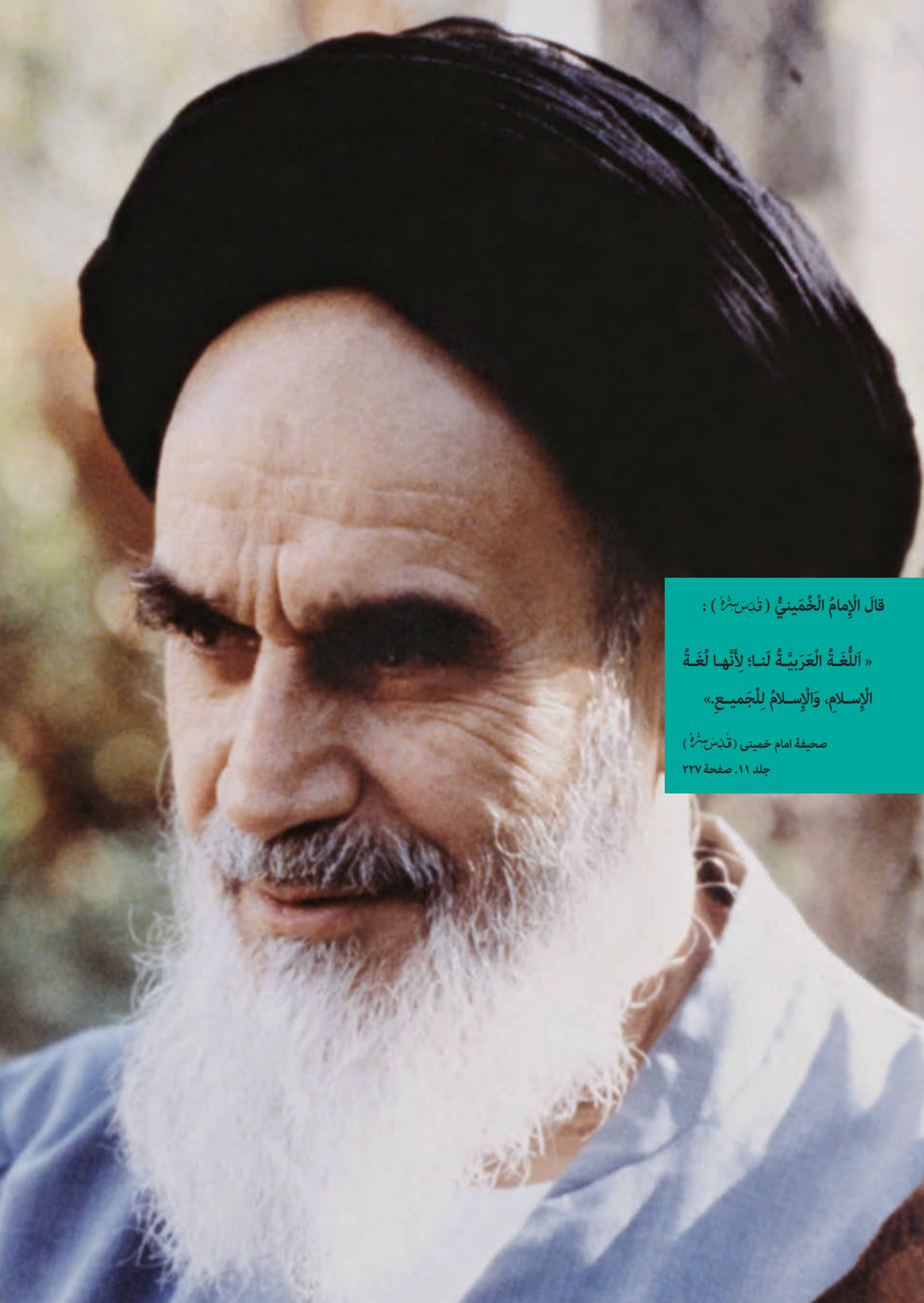


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۳) - پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۲۲۰۸
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی الدین بهرام محمدیان، علی جان بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلیری، محمد حسین رحیمی، سکینه فتاحی زاده، ابوطالب فراهانی، معصومه ملکی و فاطمه یوسف نژاد (اعضای شورای برنامه ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اباذر عباچی، علی چراغی، حبیب تقوایی و عادل اشکیوس (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکیوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - آزاده امینیان (طراح جلد، صفحه‌آرا و تصویرگر) - نوشین معصوم دوست، الهام جعفرآبادی، فاطمه پزشکی و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- سال انتشار و نوبت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
چاپ سوم ۱۳۹۹

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۱۵۳-۲

ISBN: 978.964.05.3153.2



قال الإمام الخميني (قدس سره) :

« أَلُغَةُ الْعَرَبِيَّةِ لَنَا؛ لِأَنَّهَا لُغَةُ

الإسلام، وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ. »

صحيفة امام خميني (قدس سره)

جلد ۱۱، صفحة ۲۲۷

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

الفهرس

| الصفحة | قواعد الدرس | نص الدرس | العنوان |
|--------|---|------------------------------|--------------|
| | | | المقدمة |
| ١ | وزن الفعل المجرد والمعتل المجهول والمصادر | لغة القرآن | الدرس الأول |
| ١٩ | اسم المزة والنوع والاسم المفعول والممدود والمنقوص والمذكر والمؤنث | مكة المكرمة والمدينة المنورة | الدرس الثاني |
| ٣٣ | الضمير والاسم الموصول | ثلاث قصص قصيرة | الدرس الثالث |
| ٤٩ | مرتبته المبتدأ والخبر وأنواع الخبر وضمير الفصل وأفعال المقاربة | نظام الطبيعة | الدرس الرابع |
| ٦٨ | المفعول المطلق وأفعال القلوب | الحرب المفروضة | الدرس الخامس |
| ٨٣ | المنادى والتعجب والمدح والذم والتحذير والإغراء | الفرزدق | الدرس السادس |
| ٩٥ | المفعول له والمفعول فيه والحال | من غرائب الطيور | الدرس السابع |
| ١٠٩ | التمييز والاستثناء والإضافة | أوجه النافع وأوجه المضر | الدرس الثامن |
| ١٢٥ | التوابع (التعطف والعطف والتوكيد والبذل) | أكتب طعام الفكر | الدرس التاسع |
| ١٤١ | تمارين عامة | غرائب البحر | الدرس العاشر |
| ١٥٦ | نماذج للتحليل الصرفي والإعراب | الملحقات | |
| ١٦٣ | جدول لتصرف الأفعال | | |



گفتاری با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است دبیر محترم عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی و قرآن پایه‌های هفتم تا یازدهم را تدریس یا مطالعه کرده باشد.
۲. مقدمه کتاب را با دقت بررسی کرده باشد.

خدای بخشنده را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش آخرین کتاب «عربی، زبان قرآن» رشته علوم و معارف اسلامی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. در پایان راه برنامه شش ساله آموزش «عربی، زبان قرآن» هستیم. اکنون دانش‌آموز کوشا به شایستگی قدرت فهم متون رسیده است. در این چند سال، مهم‌ترین قاعده، مربوط به شناخت فعل بود. دانش‌آموز باید انواع فعل ماضی، مضارع، مستقبل، امر، نهی و نفی را بشناسد. قواعد کتاب عربی رشته علوم و معارف اسلامی مطابق مصوبه تأسیس مدارس علوم و معارف اسلامی به زبان عربی است.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

هدف اصلی آموزش عربی در ایران، فهم متن به ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

هرچند شیوه تألیف کتاب‌های عربی متن‌محوری است؛ اما در رشته علوم و معارف اسلامی وضعیت متفاوت است. بخش قواعد در این رشته مفصل است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه دوازدهم رشته علوم و معارف اسلامی بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات قرآنی، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را با کمک فرهنگ لغت بفهمد و ترجمه کند.

کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف کتاب‌های عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

در واژه‌نامه انتهای کتاب درسی، معنای حدود هزار کلمه نوشته شده است. این کلمات شامل کلمه‌های جدید و واژگان دشوار سال‌های گذشته است که در این کتاب به کار رفته است. تعداد کلمات جدید نزدیک به ۴۰۰ کلمه است. اگر جمع‌های مکسر را نیز اضافه کنیم، شاید بتوان گفت در این شش سال، حدود ۲۰۰۰ کلمه آموزش داده شده است.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب: (رعایت این تأکیدات در کنکور، مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله ابلاغ رسمی است.)

۱ دانش آموز پایه دوازدهم پیش از این با این ساختارها آشنا شده است:

✓ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل عربی فعل‌های فارسی مانند ماضی استمراری، ماضی بعید، ماضی نقلی و ... ، مضارع مرفوع، مجزوم و منصوب (ثلاثی مجرد و مزید و رباعی، صحیح و سالم، معتل، مضاعف و مهموز، فعل مجهول)

✓ ویژگی‌های ترکیب اضافی و وصفی

✓ اسم اشاره، کلمات پرسشی، وزن و ریشه کلمات و نون وقایه

✓ عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم آموزش داده شده و به برخی ویژگی‌های معدود نیز اشاره شده است؛ مانند جمع و مضاف‌الیه بودن معدود سه تا ده؛ مفرد بودن معدود یازده تا نود و نه. در معرفی عدد معطوف، ویژگی معدود آن مد نظر نیست.

✓ تشخیص المحل الإعرابی و علامت اعرابی آنها (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف‌الیه، جار و مجرور، مجرور به حرف جر، اسم و خبر افعال ناقصه و حروف مشبّهه و لای نفی جنس، نائب فاعل) و تشخیص اعراب اسم‌های معرب هدف است.

✓ اسم معرفه و نکره و انواع معارف

✓ تشخیص معرب و مبنی در حدّ آموخته‌های کتاب (نه در حالت پیشرفته)

✓ تشخیص انواع هشتگانه اسم مشتق

✓ در کتاب رشته علوم و معارف اسلامی تشخیص نوع و صیغه فعل از اهداف آموزشی است و صیغه فعل به صورت «جمع مذکر مخاطب» آموزش داده شده است، نه به صورت «للمخاطبین»؛ لذا در طراحی هرگونه آزمونی به این تذکر توجه می‌شود.

✓ دانش آموز «تَمَّ» را در «فَعَلْتُمْ» می‌شناسد و به دنبال آن این فعل‌ها را درست ترجمه می‌کند: حَرَجْتُمْ، تَحَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ، اسْتَخْرَجْتُمْ.

✓ هرچند معانی ابواب ثلاثی مزید قطعی نیست؛ اما در رشته علوم و معارف اسلامی معانی معروف ابواب، با توجه به تخصصی بودن کتاب، آموزش داده شده است.

✓ اسلوب شرط و ادوات آن (با توجه به اعراب اصلی و فرعی جزم)

۲ این کتاب در ده درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در چهار جلسه آموزشی تدریس کرد. به همین منظور زمانبندی پیشنهادی، داخل کتاب ارائه شده است.

۳ متن درس اول «لُغَةُ الْقُرْآنِ» نام دارد. این متن تأثیر قرآن را در زبان و ادبیات فارسی بررسی می‌کند.

قواعد درس اول عبارت است از: وَزْنُ الْفِعْلِ الْمَجْرَدِ وَ الْمَعْتَلِّ الْمَجْهُولُ وَ الْمَصَادِرُ. وزن فعل مجرد بحثی زمانبر نیست. بخش معتل مجهول، جدید است. نظر به دشواری این مبحث، تدریس معتلات مزید اختیاری است.

موضوع متن درس دوم گفت‌وگو میان اعضای یک خانواده است. این گفت‌وگو درباره سفر معنوی به دیار وحی و زیارت عتبات عالیه است. متن درس به صورت غیر مستقیم دربردارنده آموزش مکالمه می‌باشد.

قواعد درس دوم عبارت است از: اسْمُ الْمَرَّةِ وَ النَّوعِ وَ الْاسْمُ الْمُقْصُورُ وَ الْمَمْدُودُ وَ الْمُنْقُوصُ وَ الْمَذْكُورُ وَ الْمُؤَنَّثُ.

۴ موضوع متنی درس سوم، سه داستان کوتاه و گوناگون تاریخی است. دانش‌آموزان اصولاً از خواندن داستان و متون تاریخی لذت می‌برند.

قواعد درس سوم عبارت است از: الضمير و الاسم الموصول.

موضوع متنی درس چهارم، درباره نظام طبیعت است. موضوعی بسیار مهم که هرچه آگاهی دانش‌آموز در این مورد بیشتر شود سودمند است و تذکر درباره حفاظت از محیط زیست همواره شایسته و بایسته است.

قواعد درس چهارم عبارت است از: المفعول المطلق و أفعال القلوب.

۵ موضوع متنی درس پنجم، درباره جنگ تحمیلی است. موضوعی مهم که شایسته است همواره از آن یاد شود.

قواعد درس پنجم عبارت است از: مرتبة المبتدأ والخبر وأنواع الخبر و ضمير الفصل و ضمير الشأن.

۶ موضوع متنی درس ششم، معرفی فرزادق شاعر نامدار و ستاینده اهل بیت علیهم السلام است.

قواعد درس ششم عبارت است از: المنادى والتعجب والمدح والذم والتخدير والإغراء.

۷ موضوع متنی درس هفتم، شگفتی‌های پرندگان است. در توصیه‌های بزرگان تأکید شده است که در پدیده‌های الهی تفکر کنیم.

قواعد درس هفتم عبارت است از: المفعول له و المفعول فيه و الحال.

۸ موضوع متنی درس هشتم، موضوعی تاریخی، اجتماعی و جالب برای دانش‌آموزان است. ماجرای اختراع دینامیت و اشاره به اینکه نوآوری‌ها، اختراعات، فناوری‌های نوین و اکتشافات می‌توانند دورویه داشته باشند. رویه سودمند و رویه زیان‌رسان. این موضوع می‌تواند در آموزش غیر مستقیم استفاده از یافته‌های نوین بشر تأثیرگذار باشد.

قواعد درس هشتم عبارت است از: التمييز والإستثناء والإضافة.

۹ موضوع متنی درس نهم، در مورد «کتاب» از «عباس محمود العقاد» نویسنده سرشناس مصری به نام «الكتُب طعام الفكر» است. متنی از ادبیات یکی از کشورهای بزرگ مسلمان که برای ایجاد دوستی میان ملت‌ها می‌تواند اثربخش باشد. دانش‌آموز با خواندن این متن می‌تواند با ادبیات معاصر عرب آشنا شود.

قواعد درس نهم عبارت است از: التوابع (التعطف والعطف والتوكيد والبذل).

۱۰ موضوع متنی درس دهم، درباره شگفتی‌های دریاست. چنین متنی در طول این چند سال آموزش عربی همواره با استقبال دانش‌آموزان روبه‌رو شده و در آنها نسبت به درس عربی ایجاد علاقه و انگیزه کرده است.

۱۱ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است.

۱۲ بخش‌هایی از قواعد و مطالب با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند. تدریس این بخش‌ها بستگی به وقت دبیر گرامی دارد و اختیاری است؛ لذا در هیچ آزمونی (نه امتحانات میان نوبت و پایانی و نه کنکور) از آن سؤالی طرح نخواهد شد.

همچنین بخش‌هایی از کتاب داخل کادر رنگی قرار گرفته است. این بخش‌ها تکراری است و به منظور فهم بهتر مطالب جدید آمده است. بدیهی است که در امتحان احتمال دارد از آن سؤال طرح شود.

۱۳ تحلیل صرفی و اعراب از اهداف کتاب درسی است؛ به همین منظور در بخش مُلَحَقَات نمونه‌هایی از تجزیه و ترکیب در انتهای کتاب تنظیم شده است.

۱۴ تعریب، تشکیل (حرکت‌گذاری کلمات جمله) و اعراب‌گذاری (نهادن علامت اعرابی) از اهداف کتاب درسی نیست. امسال و در طول پنج سال گذشته در این مورد هیچ تمرین و آموزشی وجود نداشته است. (تشخیص اعراب صحیح از اهداف کتاب است). کل کتاب درسی کاملاً اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در قرائت دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۱۵ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» یا «معلوم به مجهول و برعکس» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۶ معنای کلمات در هر آزمونی در جمله خواسته می‌شود. گاهی در برخی تمرین‌های کتاب معنای کلمه بیرون از جمله خواسته شده؛ در چنین مواردی شیوه طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی است.

۱۷ کلماتی که معنایشان در پاورقی نوشته شده، از اهداف کتاب است و در امتحانات از آن سؤال طرح می‌شود.

۱۸ روحوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت شفاهی او در طول سال نمره شفاهی‌اش را در نمره میان نوبت تشکیل می‌دهد.

۱۹ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۲۰ از همکاران گرامی خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی «عربی، زبان قرآن» مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌زند.

خوشحال خواهیم شد از نظریات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

نشانی وبگاه گروه عربی:

www.arabic-dept.talif.sch.ir

سخنی با دانش آموز

این کتاب ادامه و مکمل پنج کتاب پیشین است. آموخته‌های پیشین در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. در صورتی که پنج کتاب قبلی را به خوبی آموخته باشید، اکنون شما در مهارت فهم متن موفق هستید و می‌توانید با استفاده از فرهنگ لغت یک متن عربی را ترجمه کنید. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دیر نقش راهنما و مصحح دارد. کلمات جدید هر متن در انتهای آن ترجمه شده و کلمات دشوار و جدید هر عبارت نیز در همان صفحه نوشته شده است.

در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی نیست. بسیاری از پرسش‌ها جنبه معماگونه دارد، یا اینکه حجمش بسیار است به نحوی که دانش آموز در پاسخ‌دهی وقت کم می‌آورد؛ لذا اگر در چنین آزمون‌هایی شرکت می‌کنید شایسته است بدانید از نظر اصول آموزش زبان، نه تنها مورد تأیید نیستند؛ بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دلسردی می‌شوند. هدف طراحان چنین آزمون‌هایی تهیه سؤالاتی است که آن قدر پیچیده، گنگ و طولانی باشد تا داوطلب نتواند به سادگی پاسخ دهد. کتاب‌های راهنما به آموزش آسیب می‌زنند. هیچ کارشناسی استفاده از چنین کتاب‌هایی را تأیید نمی‌کند. این کتاب‌ها با ترجمه متون و حل تمرینات به یادگیری دانش آموز لطمه جبران‌ناپذیر وارد می‌کنند.

برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش‌مطالعه کنید. متن قواعد به زبان عربی است؛ لذا هنگام تدریس معلم کسی موفق‌تر است که قبلاً آنها را از پیش مطالعه کرده باشد.

هدف این کتاب، فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس می‌تواند به صورت گروهی باشد. تدریس بخش‌های ستاره‌دار کتاب در صورتی است که دیر زمان کافی داشته باشد. در غیر این صورت پیشنهاد می‌شود برای دانش‌افزایی خودتان این بخش‌ها را در منزل مطالعه کنید.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

درس عربی در رشته علوم و معارف اسلامی از دروس پایه و تخصصی است و دانش آموز برای یادگیری بهتر نیاز به زمان بیشتر دارد. توصیه می‌شود در تنظیم برنامه هفتگی به این امر مهم توجه شود. دانش آموز در پایه دوازدهم مطالب دو کتاب پیشین را نیز باید بداند؛ وگرنه در فهم کتاب حاضر دچار مشکل خواهد شد.

درس عربی در رشته علوم و معارف نسبت به سایر کتاب‌های عربی در رشته‌های دیگر دشوارتر است. با نگاهی گذرا به کتاب در می‌یابید که کتاب درسی نیازمند زمان کافی برای تدریس بهتر است. اغلب آزمون‌های مؤسسات آمادگی برای کنکور، استاندارد و مورد تأیید کارشناسان و اهل فن نیستند؛ سؤالات آنها تله آموزشی و فاقد ارزش علمی‌اند؛ لذا نمی‌توان میزان تلاش دبیر و دانش آموز را با توجه به این آزمون‌ها سنجید؛ زیرا که بسیار دیده شده است که این مؤسسات مطالبی خارج از کتاب و بی‌ربط به اهداف دروس طراحی می‌کنند.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

١



﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

یوسف: ۲

بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی فرو فرستادیم شاید (باشد که، امید است)
شما خردورزی کنید.

بَعْدَ نُزُولِ الْقُرْآنِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ خَرَجَتْ هَذِهِ اللُّغَةُ عَنْ حُدُودِ شِبْهِ الْجَزِيرَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ أَصْبَحَتْ لُغَةً الْإِسْلَامِ؛ وَ لِهَذَا نَرَى أَنَّ الْعُلَمَاءَ الْإِيرَانِيِّينَ بَدَّلُوا جُهْدًا كَبِيرًا لِتَدْوِينِ قَوَاعِدِهَا، وَ أَلَّفُوا كُتُبًا عَدِيدَةً فِي الصَّرْفِ وَ النَّحْوِ وَ الْبَلَاغَةِ وَ عِلْمِ اللُّغَةِ وَ التَّارِيخِ وَ الْجُغَرَفَايَا وَ الْفَلَسَفَةِ وَ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ عُلُومٍ أُخْرَى بِهَذِهِ اللُّغَةِ.

★ وَ مِنْ هَؤُلَاءِ: سَيَّوِيهِ الشَّيرَازِيُّ إِمَامُ مَذَهَبِ الْبَصْرِيِّينَ صَاحِبُ كِتَابٍ مَعْرُوفٍ بِاسْمِ «الْكِتَابِ» يَشْتَمِلُ عَلَى جَمِيعِ قَوَاعِدِ الصَّرْفِ وَ النَّحْوِ. وَ قَدْ وُلِدَ فِي الْقَرْنِ الثَّانِي الْهَجْرِيِّ، وَ تُوفِّيَ فِي شِيرَازَ. وَ الْكِسَائِيُّ إِمَامُ مَذَهَبِ الْكُوفِيِّينَ الَّذِي تُوفِّيَ فِي الرَّيِّ. وَ عَبْدُ الْقَاهِرِ الْجُرْجَانِيُّ مِنْ مَوَالِيدِ مَدِينَةِ جُرْجَانَ صَاحِبُ كِتَابِ «أَسْرَارِ الْبَلَاغَةِ» وَ لَقَدْ عَاشَ فِي الْقَرْنِ الْخَامِسِ الْهَجْرِيِّ. وَ التَّفْتَازَانِيُّ الْمَوْلُودُ فِي خُرَاسَانَ، مُؤَلِّفُ كِتَابِ «الْمُطَوَّلِ» فِي الْبَلَاغَةِ. وَ الزَّمَخْشَرِيُّ صَاحِبُ «الْكَشَافِ» فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ. وَ ابْنُ سِينَا مِنْ مَدِينَةِ بُخَارَى صَاحِبُ مَوْسُوعَةِ «الْقَانُونِ فِي الطَّبِّ». وَ أَبُو رِيحَانَ الْبَيْرُونِيُّ الْمَوْلُودُ فِي خُوارِزْمَ صَاحِبُ «الْآثَارِ الْبَاقِيَةِ» فِي التَّارِيخِ وَ الْجُغَرَفَايَا. وَ الْفَيْرُوزْآبَادِيُّ صَاحِبُ كِتَابِ «الْقَامُوسِ الْمُحِيطِ» وَ هُوَ مُعْجَمٌ عَظِيمٌ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. وَ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ صَاحِبُ كِتَابِ «تَارِيخِ الْأُمَمِ وَ الْمُلُوكِ» وَ «جَامِعِ الْبَيَانِ» فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ. ★

تُوفِّيَ: وَفَات يافت مِنْ مَوَالِيدِ ... : از متولّدین ... الْمَوْلُودُ : زاده شده «جمع: الْمَوَالِيدِ»

فَالْإِيرَانِيُّونَ رَأَوْا أَنَّ هَذِهِ اللُّغَةَ لَيْسَتْ أَجْنَبِيَّةً، بَلْ هِيَ لُغَةٌ دِينِهِمْ وَ ثِقَافَتِهِمْ، فَتَعَلَّمُوهَا وَ آلَّفُوا مُعْظَمَ آثَارِهِمُ الْعِلْمِيَّةِ وَ الْأَدَبِيَّةِ بِهَا. وَ هُنَاكَ شُعْرَاءُ أَنْشَدُوا أَشْعَاراً جَمِيلَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ هُمْ مِنْ أَصُولٍ إِيرَانِيَّةٍ، مِنْهُمْ أَبُو الْفَتْحِ الْبُسْتِيُّ مِنْ سِيستَانَ، وَ بَشَّارُ بْنُ بُرْدٍ مِنْ خُرَاسَانَ، وَ الصَّاحِبُ بْنُ عَبَّادٍ مِنْ أَصْفَهَانَ.



وَ هُكَذَا حَصَلَتْ عِلَاقَاتٌ وَثِيقَةٌ بَيْنَ اللُّغَتَيْنِ الْفَارِسِيَّةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ. فَاسْتَعْمَلَ الْإِيرَانِيُّونَ كَلِمَاتٍ عَرَبِيَّةً فِي لُغَتِهِمْ؛ لِأَنَّهَا أَصْبَحَتْ لُغَةُ الدِّينِ وَ الْعِلْمِ، وَ مِنْ الطَّرِيفِ أَنَّهُمْ اسْتَعْمَلُوا بَعْضَ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ فِي مَعَانٍ اسْتَعْمَلَ الْعَرَبُ لَهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى؛ وَ كَذَلِكَ أَضَافُوا إِلَى بَعْضِ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ مَعَانِي جَدِيدَةً تَخْتَلِفُ عَنِ الْمَعَانِي الْمُسْتَعْمَلَةِ لَهَا فِي الْعَرَبِيَّةِ؛ كَ «مُزْخَرَفٍ» بِمَعْنَى «مُزَيَّنٍ» فِي الْعَرَبِيَّةِ، وَ بِمَعْنَى «خُزْعَبَلٍ» فِي الْفَارِسِيَّةِ. وَ كَذَلِكَ حَوَّلُوا بَعْضَ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ إِلَى صِيغٍ فَارِسِيَّةٍ كَ «فَهْمِيدَن» مِنْ «الْفَهْم» [فَهْمٌ + يَدَن = فَهْمِيدَن]

✧ بَعْضُ الْكَلِمَاتِ وَ الْمُصْطَلَحَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الْمُسْتَعْمَلَةِ فِي الْفَارِسِيَّةِ

فِي مَعَانٍ اسْتَعْمَلَ الْعَرَبُ لَهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى: ✧

ابراز احساسات: اَلتَّعْبِيرُ عَنِ الْاَحَاسِيسِ

اتحاديه اصناف: نِقَابَةُ الْمِهْنِيِّينَ

اتصال برق: اَلْمَأْسُ الْكَهْرِبَائِيُّ

اجاره: اَلْاِيجَارُ

اجازه خروج: تَصْرِيحُ الْمُعَادَرَةِ

اختلافات مذهبي: اَلتَّعَرُّاتُ الطَّايفَةِ

ارباب رجوع: اَلْمُرَاجِعُونَ

ازدواج: اَلزَّوْاجُ

استثمار: اَلْاِسْتِغْلَالُ

استعمال دخانيات: اَلتَّدخين

استيضاح دولت: اِسْتِجْوَابُ الْحُكُومَةِ

اشباهات: اَلْاَخْطَاءُ، اَلْاَغْلَاطُ

اشغال: اَلْاِخْتِلَالُ

اصلاح صورت: جِلَاقَةُ الْوَجْهِ

خروج اضطرارى: مَخْرَجُ الطَّوَارِي

اطلاع ثانوى: اَلْاَشْعَارُ الْاُخْرَى

اعتصاب عمومى: اَلْاِضْرَابُ الْعَامُّ

اعمال قدرت: مُمَارَسَةُ السُّلْطَةِ

اقدامات امنيتى: اَلْاِجْرَاءَاتُ الْاَمْنِيَّةُ

اقلام وارداتى: اَلسَّلْعُ الْمُسْتَوْرَدَةُ

امنيت بين المللى: اَلْاَمْنُ الدَّوْلِيُّ

انزجار: اَلْاِسْتِنْكَارُ

انعام: اَلْاِكْرَامِيَّةُ

انقلاب صنعتى: اَلثَّوْرَةُ الصَّنَاعِيَّةُ

برقى: اَلْكَهْرِبَائِيُّ

تأسيسات حياتى: اَلْمُنْشَأَاتُ الْحَيَوِيَّةُ

تباعد: اَلنَّفْيُ

تجزيه طلب: اَلْاِنْفِصَالِيُّ

تحصيلات عالى: اَلدِّرَاسَاتُ الْعُلْيَا

تعمير: اَلتَّصْلِيحُ

تلمذ: اَلتَّتَلُّمُذُ

تكاليف درسى: اَلْاَوْجِبَاتُ الدَّرَاسِيَّةُ

توجه فوق العاده: عِنَايَةٌ بِالْعَهْدِ الْمَدِي

توسعه روابط: تَوْسِيعُ الْعَلَقَاتِ

توليدات داخلى: اَلْمُنْتَجَاتُ الْوُطَنِيَّةُ

ثبت املاك: تَسْجِيلُ الْعَقَارَاتِ

جديد التأسيس: اَلْمَوْسَسُ حَدِيثاً

جرثقىل: اَلْمِرْفَاعُ

جريمه نقدى: اَلْعَرَامَةُ النِّقْدِيَّةُ

حراج: اَلتَّنْزِيلَاتُ

حوزه نظام وظیفه: دائِرَةُ التَّجْنِيدِ

خاطرات: الذِّكْرِيَّاتُ

درجات نظامی: الرُّتَبُ العَسْكَرِيَّةُ

درك مطلب: اِلِسْتِيعَابُ

دوزنقه: اَلْمُرَبَّعُ الْمُنْحَرِفُ

روابط حسنه: اَلْعَلَاقَاتُ الطَّيِّبَةُ

زمام امور: مَقَالِيدُ الْحُكْمِ

سحری: اَلْسُحُورُ

سوء استفادہ: اِسَاءَةُ اِلِسْتِعْمَالِ

شورای عالی امنیت ملی: اَلْمَجْلِسُ اَلْاَعْلٰی

لِلْاَمْنِ الْقَوْمِيّ

صدا: اَلصَّوْتُ

ضبط صوت: اَلْمُسَجَّلُ

طراح لباس: مُصَمِّمُ الْمَلَابِيسِ

ظرف: وِعاء، اِناء

عرضه و تقاضا: اَلْعَرْضُ وَالطَّلْبُ

عکس العمل: رَدُّ الْفِعْلِ

عکاس: اَلْمُصَوِّرُ

غیر مسلح: اَلْاَعْزَلُ

فارغ التحصیل: اَلْخَرِيجُ

فرصت طلب: اِلِانْتِهَازِيٌّ

قانون اساسی: اَلدُّسْتُورُ

کثیف: اَلْقَدِرُ

لوازم التحریر: اَلْقِرَاسِيَّاتُ، اَدَوَاتُ الْكِتَابَةِ

مستقیم (در پخش): اَلْمُبَاشِرُ

مستقیم (در راه): عَلٰی طَوِيلٍ

نظامی: اَلْعَسْكَرِيّ

وکیل مدافع: اَلْمُحَامِي

✱ بَعْضُ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الْمُسْتَعْمَلَةِ فِي الْفَارْسِيَّةِ فِي مَعْنَى، وَ فِي الْعَرَبِيَّةِ فِي مَعْنَى آخَر:

| الْكَلِمَةُ الْفَارْسِيَّةُ الْعَرَبِيَّةُ الْأَصْلُ | مَعْنَاهَا فِي الْفَارْسِيَّةِ | مَعْنَاهَا فِي الْعَرَبِيَّةِ |
|--|--------------------------------|-------------------------------|
| اخت (الْأُخْتُ) | صمیمی | خواهر |
| انقلاب (الْإِنْقِلَابُ) | جنبش | کودتا |
| دغدغه (الدَّغْدَغَةُ) | مشغولیت ذهنی | قلقلک |
| فن (الْفَنُّ) | مهارت | هنر |
| روحانی (الرُّوحَانِيّ) | عالم دینی | منسوب به روح |
| برق (الْبَرْقُ) | الکتریسیته | آذرخش |
| بضاعت (الْبِضَاعَةُ) | توانایی | کالا |
| تسلیت (التَّسْلِيَةُ) | همدردی در سوگواری | سرگرمی |
| تعارف (التَّعَارُفُ) | بفرما زدن | آشنایی |
| تولید (التَّوْلِيدُ) | ساختن | زایاندن |
| جامعه (الْجَامِعَةُ) | مردمان | دانشگاه |
| جریمه (الْجَرِيمَةُ) | کیفر | جنایت |
| حوصله (الْحَوْصَلَةُ) | بردباری | چینه‌دان پرنده |
| روضه (الرَّوْضَةُ) | مجلس سوگواری | باغ |
| طویلہ (الطَّوِيلَةُ) | آغل | بلند |
| عنق (الْعُنُقُ) | آخمو | گردن |
| کثیف (الْكَثِيفُ) | ناپاک | انبوه |
| مزخرف (الْمُزَخَرَفُ) | چرند | آراسته به زر |
| ملت (الْمِلَّةُ) | مردمان | آیین |
| میمون (الْمَيْمُونُ) | بوزینه | فرخنده |
| موظف (الْمُوظَّفُ) | وظیفه‌مند | کارمند |
| نبات (النَّبَاتُ) | گونه‌ای شیرینی | گیاه |
| نصاب (النَّصَابُ) | نصب کننده | کلاهدار |

أَمْثَلُهُ لِلْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الَّتِي حَوَّلَهَا الْإِيرَانِيُّونَ إِلَى صِيغٍ فَارْسِيَّةٍ:

«طَلَبِيدَن» مِنْ «الطَّلَبِ» وَ «يَدَن» وَ «رَقَصِيدَن» مِنْ «الرَّقْصِ» وَ «يَدَن» وَ «كِتَابِدَار» مِنْ «الْكِتَابِ» وَ «دَار» وَ «قَبُولَانَدَن» مِنْ «الْقَبُولِ» وَ «أَنْدَن».

| | | |
|--------------------|-------------------------------------|---|
| «مفرد: الْمَعْنَى» | الْخَزْعَبَل : چرند | الْأَجْنَبِي : بیگانه «جمع: الْأَجَانِب» |
| الْمُعْظَم : بیشتر | الطَّرِيف : شگفت «جمع: الطَّرَائِف» | الْأَصُول : ریشه ها «مفرد: الْأَصْل» |
| الْوَثِيق : استوار | الْعَدِيد : متعدد | أَضَافَ : افزود (مضارع: يُضِيفُ) |
| | الْمُضْطَلَحَات : اصطلاحات | بَدَّلَ : بخشید |
| | مَعَانٍ (الْمَعَانِي) : معناها | بَدَّلَ جُهْدَهُ: همه تلاش خود را به کار گرفت |

حَوْلَ النَّصِّ

اُكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ أَضَافَ الْإِيرَانِيُّونَ مَعَانِيَّ جَدِيدَةً إِلَى بَعْضِ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۲- مَتَى خَرَجَتِ اللَّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ عَنْ حُدُودِ شِبْهِ الْجَزِيرَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۳- لَأَيِّ شَيْءٍ بَدَّلَ الْعُلَمَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ جُهْدًا كَبِيرًا؟

۴- مَنْ هُمْ الشُّعْرَاءُ الْعَرَبُ مِنَ أَصُولٍ إِيرَانِيَّةٍ؟

۵- لِمَاذَا اهْتَمَّ الْإِيرَانِيُّونَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

تَكْمِلَةُ عِلْمِ الصَّرْفِ الْجَلْسَةُ الثَّانِيَّةُ

ما هي أوزانُ الفِعْلِ الثَّلَاثِي الْمَجْرَدِ؟

| أَوْزَانُ الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ الْمَجْرَدِ ^١ | | | | | |
|--|--------|----------|---|-----------|----------|
| ١ | فَعَلَ | يَفْعُلُ | ↩ | فَتَحَ - | يَفْتَحُ |
| | | يَفْعُلُ | ↩ | جَلَسَ - | يَجْلِسُ |
| | | يَفْعُلُ | ↩ | نَصَرَ - | يَنْصُرُ |
| ٢ | فَعَلَ | يَفْعُلُ | ↩ | عَلِمَ - | يَعْلَمُ |
| | | يَفْعُلُ | ↩ | حَسَبَ - | يَحْسِبُ |
| ٣ | فَعَلَ | يَفْعُلُ | ↩ | كَرَّمَ - | يَكْرُمُ |

قَلِيلَةُ الْإِسْتِعْمَالِ

لَا تُعْرَفُ حَرَكَةُ عَيْنِ الْفِعْلِ فِي الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ إِلَّا مِنْ كُتُبِ اللُّغَةِ.

الْتَّمِرِينَ الْأَوَّلُ: اُكْتُبْ حَرَكَةَ عَيْنِ الْفِعْلِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ.

ذَهَبَ، يَذْهَبُ / صَبَرَ، يَصْبِرُ / كَتَبَ، يَكْتُبُ / عَمَلَ، يَعْمَلُ / بَعَدَ، يَبْعُدُ
نَجَحَ، يَنْجَحُ / عَقَلَ، يَعْقِلُ / دَخَلَ، يَدْخُلُ / فَرَحَ، يَفْرَحُ / قَرَبَ، يَقْرُبُ



١- فَتَحَ كَسِرَ، فَتَحَ صَمَّ، فَتَحَتَانِ

كَسَرُ فَتَحَ، كَسَرُ كَسِرَ، صَمَّتَانِ

«الْفِعْلُ الْمَعْلُومُ» وَ «الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ»^۱

مَا الْفَرْقُ بَيْنَ الْفِعْلِ الْمَعْلُومِ وَ الْفِعْلِ الْمَجْهُولِ؟

قَدْ تَعَلَّمْتُمْ كَيْفَ يُبْنَى الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ^۲.

| الْمُضَارِعُ الْمَجْهُولُ | الْمُضَارِعُ الْمَعْلُومُ | الْمَاضِي الْمَجْهُولُ | الْمَاضِي الْمَعْلُومُ |
|---------------------------|---------------------------|------------------------|------------------------|
| يُفْعَلُ | يُفْعَلُ | فُعِلَ | فَعَلَ |
| يُفْعَلُ | يُفْعَلُ | أُفْعِلَ | أَفْعَلَ |
| يُفْعَلُ | يُفْعَلُ | فُعِلَ | فَعَلَ |
| يُفْتَعَلُ | يُفْتَعَلُ | أُفْتَعِلَ | أَفْتَعَلَ |
| يُسْتَفْعَلُ | يُسْتَفْعَلُ | أُسْتُفْعِلَ | أَسْتَفْعَلَ |

وَ الْآنَ انْظُرْ إِلَى هَذِهِ الْأَفْعَالِ الْمَعْلُومَةِ وَ الْمَجْهُولَةِ فِي الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ الْمَجَرَّدِ الْمُعْتَلِ^۳:

| الْمُضَارِعُ الْمَجْهُولُ | الْمُضَارِعُ الْمَعْلُومُ | الْمَاضِي الْمَجْهُولُ | الْمَاضِي الْمَعْلُومُ |
|---------------------------|---------------------------|------------------------|------------------------|
| يُوجَدُ: يافته می شود | يَجِدُ: می یابد | وُجِدَ: یافتہ شد | وَجَدَ: یافت |
| يُقَالُ: گفته می شود | يَقُولُ: می گوید | قِيلَ: گفته شد | قَالَ: گفت |
| يُبَاعُ: فروخته می شود | يَبِيعُ: می فروشد | بِيعَ: فروخته شد | بَاعَ: فروخت |
| يُتْلَى: خوانده می شود | يَتْلُو: می خواند | تُلِيَ: خوانده شد | تَلَا: خواند |
| يُنْهَى: باز داشته می شود | يَنْهَى: باز می دارد | نُهِِيَ: باز داشته شد | نَهَى: باز داشت |

★ ۱- الْمُبْنَى لِلْمَعْلُومِ وَ الْمُبْنَى لِلْمَجْهُولِ

۲- بخش های داخل کادر خاکستری، یادآوری آموخته های پایه های دهم و یازدهم اند، لذا تدریس مجدد آنها ضرورتی ندارد

۳- لِلْمُطَالَعَةِ: انْظُرْ إِلَى هَذِهِ الْأَفْعَالِ الْمَعْلُومَةِ وَ الْمَجْهُولَةِ فِي الْمَزِيدِ الثَّلَاثِيِّ:

إِسْتَعَارَ: امانت گرفت ⇐ أُسْتَعِيرَ: امانت گرفته شد / يَسْتَعِيرُ: امانت می گیرد ⇐ يُسْتَعَارُ: امانت گرفته می شود

شاهد: دید ⇐ شُهِدَ: دیده شد ★

الْتَمْرِينِ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ وَتَرْجَمَتَهَا.

۱- ﴿وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي^۱ وَغِيضَ الْمَاءُ^۲ وَقُضِيَ

الْأَمْرُ^۳ وَاسْتَوَتْ^۴ عَلَى الْجُودَى^۵ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ هود: ۴۴

و گفته شد: ای زمین، آبت را فرو ببر و ای آسمان، باز ایست. و آب فرو نشانده شد و کار پایان یافت

و [کشتی] بر [کوه] جودی بر نشست و گفته شد: قوم ستمگر دور بادا!

۲- ﴿... يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ...﴾ آل عمران: ۲۳

به سوی کتاب خدا فراخوانده می شوند؛ تا میانشان داوری کند.

۳- ﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ المطففين: ۱۳

هرگاه آیاتمان بر وی خوانده شود می گوید: افسانه های پیشینیان است.

۴- ﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا

يُظْلَمُونَ﴾ الجاثية: ۲۲

و خدا آسمان ها و زمین را به حق آفرید تا به هرکسی برای آنچه انجام داده است پاداش داده شود و

آنها ستم دیده نمی شوند.

۵- ﴿... فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ...﴾ المائدة: ۲۷

پس [قربانی]، از یکی از آن دو (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد.

۳- اِسْتَوَتْ: بر نشست (سوار شد)

۲- غَاضَ الْمَاءُ: آب در زمین فرو نشست

۱- أَقْلَعَ: باز ایستاد

المصادرُ الْجَلْسَةُ الثَّالِثَةُ

ما هو المَصْدَرُ؟

المَصْدَرُ هو ما يَدُلُّ على حَالَةٍ أَوْ حَدَثٍ، دُونَ زَمَانٍ؛ نَحْوُ: «عِلْمٌ» وَ «جُلُوسٌ» وَ «تَعْلِيمٌ» وَ «إِجْلَاسٌ».

كَمْ نَوْعاً الْمَصْدَرُ؟

مَصْدَرُ الْفِعْلِ الْمُجَرَّدِ:
 ← الثَّلَاثِيُّ الْعِلْمُ، الرَّجُوعُ، الْكِتَابَةُ
 ← الرَّبَاعِيُّ الزَّلْزَلَةُ

مَصْدَرُ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي:
 ← التَّعْلِيمُ، الْإِرْجَاعُ، الْمُكَاتَبَةُ

الْمَصْدَرُ الْمُيمِي:
 ← الْمَغْفِرَةُ، الْمَذْهَبُ

مَصْدَرُ الْمَرَّةِ:
 ← الضَّرْبَةُ، الْإِنْتِسَامَةُ (فِي الدَّرْسِ الثَّانِي)

الْمَصْدَرُ الصَّنَاعِيُّ:
 ← الْإِنْسَانِيَّةُ، الْعَالَمِيَّةُ

لِلْمَصْدَرِ أَنْوَاعٌ

★ هَلِ الْمَصَادِرُ قِيَاسِيَّةٌ أَوْ سَمَاعِيَّةٌ؟

جَمِيعُ مَصَادِرِ الْأَفْعَالِ قِيَاسِيَّةٌ إِلَّا مَصَادِرَ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمُجَرَّدَةِ، فَهِيَ سَمَاعِيَّةٌ؛ وَإِلَيْكَ بَيَانُهَا.
 لِمَصْدَرِ الْفِعْلِ الْمُجَرَّدِ الثَّلَاثِي أَوْزَانٌ كَثِيرَةٌ غَيْرُ قِيَاسِيَّةٍ لَا تُعْرَفُ إِلَّا مِنَ الْمَعَاجِمِ؛ مِنْهَا:

۱. فَعْلانَ گ «دوران: چرخیدن»
۲. فَعْلانَ گ «نسیان: فراموش کردن»
۳. فَعْلانَ گ «غفران: آمرزیدن»
۴. فَعّالَ گ «صداع: سر درد»
۵. فِعالَ گ «إباء: ابا کردن»
۶. فَعالَ گ «ذهاب: رفتن»
۷. فَعِيلَ گ «رحیل: کوچ کردن»
۸. فُعوْلَة گ «سُهولة: آسانی، آسان بودن»
۹. فَعوْلَة گ «ضرورة: ضروری بودن»
۱۰. فِعالَة گ «زراعة: کشاورزی کردن»
۱۱. فَعالَة گ «فصاحة: شیوایی سخن»
۱۲. فَعَلَ گ «فرح: شادی کردن»
۱۳. فُعَلَ گ «هُدًى: هدایت کردن»
۱۴. فَعِلَ گ «كذب: دروغ گفتن»
۱۵. فُعولَ گ «قعود: نشستن»
۱۶. فَعولَ گ «قبول: پذیرفتن»
۱۷. فَعَلَ گ «حمد: ستودن»
۱۸. فَعَلَ گ «علم: دانش، دانستن»
۱۹. فُعَلَ گ «شكر: سپاسگزاری کردن»
۲۰. فُعْلَة گ «رحمة: مهربانی کردن»
۲۱. فُعْلَة گ «قدرة: توانستن»
۲۲. فَعْلَة گ «سرقه: دزدی کردن»
۲۳. فَعْلَة گ «غلبة: چیره شدن»
۲۴. فَعَلَ گ «صغر: کوچکی»
۲۵. فَعْلَى گ «ذكرى: یاد کردن»
۲۶. فُعْلَى گ «بُشرى: مژده دادن»
۲۷. فُعْلَى گ «دَعوى: دعوت کردن»
۲۸. و ... *

★ لِبَعْضِ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمَجْرَدَةِ عِدَّةُ مَصَادِرَ: نَحْوُ:
قَدَرَ - قَدَرًا، قَدَرًا، قُدْرَةً، مِقْدَارًا و ... *

ما هي مَصَادِرُ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمَزِيدَةِ؟
أهم مَصَادِرِ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمَزِيدَةِ هي:

| مَصَادِرُ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثِيَّةِ الْمَزِيدَةِ | إِفْتِعَال | إِسْتِعَال: کار کردن | إِبْتِعَاد: دور شدن |
|---|--------------|------------------------------|----------------------------|
| | إِنْفِعَال | إِنْكَسَار: شکسته شدن | إِنْقِطَاع: بریده شدن |
| | إِسْتِفْعَال | إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن | إِسْتِخْدَام: به کار گرفتن |
| | تَفَعَّل | تَأَدَّب: باادب شدن | تَنَبَّه: آگاه شدن |
| | تَفَاعَلَ | تَدَاوَع: یکدیگر را هُل دادن | تَضَارَب: یکدیگر را زدن |
| | مُفَاعَلَة | مُكَاتَبَة: نامه نگاری کردن | مُجَالَسَة: همنشینی کردن |
| | إِفْعَال | إِضْحَاك: خنداندن | إِخْرَاج: خارج کردن |
| | تَفْعِيل | تَعْلِيم: یاد دادن | تَفْرِيح: شاد کردن |

قَدْ دَرَسْتُمْ هَذِهِ الْمَصَادِرَ فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ.

الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ وَ الْمَصْدَرُ الصَّنَاعِيُّ

ما هو الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ؟

الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ هُوَ مَصْدَرٌ لَا يَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى عَنِ الْمَصْدَرِ الْأَصْلِيِّ؛ مِثْلُ:

«مَجْمَع : جمع شدن» وَ «مَشْرَب : نوشیدن» وَ «مَحْصَد : درو کردن»

وَ قَدْ تَلَحُّقَهُ تَاءُ التَّأْنِيثِ؛ مِثْلُ:

«مَرْحَمَةٌ : مهر ورزیدن» وَ «مَغْفِرَةٌ : آمرزیدن» وَ «مَوَدَّةٌ : دوستی کردن» وَ «مَحَبَّةٌ : دوستی کردن».

★ كَيْفَ يُبْنَى (ساخته می شود) الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ؟

الْمَصْدَرُ الْمِيمِيُّ قِيَاسِيٌّ يُبْنَى مِنَ الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ (غَيْرِ مُعْتَلِّ الْفَاءِ) عَلَى وَزْنِ «مَفْعَلٌ»؛ نَحْوُ:

«مَنْظَرٌ : نگاه کردن» وَ «مَقْتَلٌ : کُشتن» وَ «مَرْمَى : پرت کردن» وَ «مَقَالٌ : گفتار»

وَ يُبْنَى مِنَ الْمُعْتَلِّ الْفَاءِ (الْمِثَالِ) عَلَى وَزْنِ «مَفْعِلٌ» نَحْوُ: «مَوْعِدٌ» مِنْ «وَعَدَ، يَعِدُ» وَ «مَوْقِعٌ» مِنْ «وَقَعَ، يَقَعُ».

وَ يُبْنَى مِنَ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِيِّ عَلَى وَزْنِ مُضَارِعِهِ الْمَجْهُولِ بِإِدْالِ حَرْفِ الْمُضَارِعَةِ مِيمًا مَضْمُومَةً «مُ»؛ نَحْوُ:

«مُكْرَمٌ : گرامی داشتن» مِنْ «يُكْرِمُ» وَ «مُنْحَدَرٌ : سرازیر شدن» مِنْ «يُنْحَدِرُ». ★

ما هو الْمَصْدَرُ الصَّنَاعِيُّ؟

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنَ الْمَصَادِرِ يُقَالُ لَهُ «الْمَصْدَرُ الصَّنَاعِيُّ» وَ هُوَ عِبَارَةٌ عَنِ «اسْمٍ مَنْسُوبٍ»^١

مُلْحَقٍ بِـ «تَاءِ التَّأْنِيثِ» ، وَ لَهُ مَعْنَى الْمَصْدَرِ. وَ يُبْنَى قِيَاسًا إِمَّا (خَوَاهُ) مِنْ اسْمِ الْفَاعِلِ

مِثْلُ «عَالِمِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنْ اسْمِ الْمَفْعُولِ مِثْلُ «مَقْبُولِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنْ أَفْعَلِ التَّفْضِيلِ مِثْلُ

«أَعْلَمِيَّةٌ» وَ «أَرْجَحِيَّةٌ» وَ «أَكْثَرِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنْ الْاسْمِ الْجَامِدِ، مِثْلُ «إِنْسَانِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنْ

الْمَصْدَرِ مِثْلُ «تَعْلِيمِيَّةٌ» ؛ وَ إِمَّا مِنَ الْمَصْدَرِ الْمِيمِيِّ مِثْلُ «مَصْدَرِيَّةٌ» ؛ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا

(از آنچه) تَعْرِفُهُ.

وَ يُشْتَرَطُ فِيهِ أَنْ لَا يَقَعَ صِفَةٌ لِمُؤَنَّثٍ، وَ إِذَا وَقَعَ صِفَةٌ فَهُوَ اسْمٌ مَنْسُوبٌ إِلَيْهِ، لَا غَيْرُ، نَحْوُ:

«الْجَائِزَةُ الْعَالَمِيَّةُ». ﴿ (الْمَوْصُوفُ وَ الصِّفَةُ) ﴾

١- الْاسْمُ الْمَنْسُوبُ: اسْمٌ فِي آخِرِهِ يَاءٌ مُسَدَّدَةٌ لِلدَّلَالَةِ عَلَى اتِّسَابِ شَيْءٍ إِلَيْهِ؛ نَحْوُ: حَسْبِي.

عَيْنِ الْمَصْدَرِ الْمِيمِيِّ وَالْمَصْدَرِ الصَّنَاعِيِّ.

الْتَّمَرِينَ الثَّالِثُ:

أَسْبَقِيَّةٌ، مَطْلَعٌ، أَفْضَلِيَّةٌ، عَصَبِيَّةٌ، جِنْسِيَّةٌ، مَعِيشَةٌ، مُنْطَلَقٌ، وَطَنِيَّةٌ، مَنْزِلَةٌ، مَعْذُورِيَّةٌ، مَسْرَّةٌ

الْجَلْسَةُ الرَّابِعَةُ

الْتَّمَارِينَ

٤

الْتَّمَرِينَ الْأَوَّلُ: لِلتَّذْكَارِ^١: أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ الثَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ:



$$9 + 4 = 13$$

١- تِسْعَةٌ زَائِدُ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثَةَ عَشَرَ.

٢- سَبْعَةٌ فِي خَمْسَةٍ يُسَاوِي خَمْسَةً وَثَلَاثِينَ.

٣- أَرْبَعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي عَشْرَةً.

٤- سِتَّةٌ وَتِسْعُونَ نَاقِصٌ سِتَّةَ عَشَرَ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

٥- ثَمَانِيَةٌ وَسِتُّونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي سَبْعَةً وَخَمْسِينَ.

٦- وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ زَائِدُ اثْنَيْنِ وَسِتِّينَ يُسَاوِي ثَلَاثَةً وَثَمَانِينَ.

١- الْتَّذْكَارُ: يَادَّوْرِي

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، وَ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحَمَرَاءِ؛ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.

الْكِتَابُ الْوَاحِدُ وَالثَّلَاثُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

مِنْ وَصِيَّةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا بُنَيَّ، اجْعَلْ نَفْسَكَ **مِيزَانًا** فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَأَحِبِّ لْغَيْرِكَ مَا **تُحِبُّ** لِنَفْسِكَ؛

وَ **اُكْرَهُ** لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا؛ وَلَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ **تُظْلَمَ**؛ وَأَحْسِنْ كَمَا **تُحِبُّ** أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ؛ وَ **اسْتَفْبِحْ** مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ؛ ... وَلَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

نامه سی و یکم نهج البلاغه، از سفارش امام علی علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام

پسرِ دلبندهم، خودت را میان خویشتن و دیگری [همچو] ترازویی قرار بده؛ پس آنچه را برای خودت دوست می‌داری برای غیر خودت [نیز] دوست بدار؛ و برایش ناپسند بدار آنچه را برای خودت ناپسند می‌داری؛ و ستم مکن، چنانکه دوست نداری به تو ستم شود؛ و نیکی کن، چنانکه دوست می‌داری به تو نیکی شود؛ و آنچه را برای غیر خودت زشت می‌داری برای خودت [هم] زشت بدار؛ ... و چیزی را که دوست نداری برای تو گفته شود [در حق دیگران] مگو.

۱- ما هُوَ الْمَحَلُّ الْإِعْرَابِيُّ لـ «نَفْس» فِي «نَفْسِكَ» وَ «نَفْسِكَ»؟

۲- ما هُوَ نَوْعُ فِعْلٍ «تَكْرَهُ» وَ صِيغَتُهُ؟

۳- أَلَكَلِمَةُ «مِيزَانًا» مَعْرِفَةٌ أَمْ تَكْرَهُ؟

۴- أَلَا زِمٌ فِعْلٌ «لَا تَقُلْ» أَمْ مُتَعَدٌّ؟

۵- مِنْ أَيِّ بَابٍ فِعْلٌ «أَحْسِنْ»؟

۶- أَذْكَرُ فِعْلَيْنِ لِلْأَمْرِ، وَ مُضَارِعًا مَرْفُوعًا، وَ مُضَارِعًا مَنْصُوبًا، وَ مُضَارِعًا مَجْزُومًا:



التمرين الثالث: للذكارة: للترجمة.

- ١- هو قَدْ رَجَعَ: ٢- هو قَدْ يَرْجِعُ:
- ٣- هو لَا يَرْجِعُ: ٤- هو كَانَ قَدْ رَجَعَ:
- ٥- هو يُرِيدُ أَنْ يَرْجَعَ: ٦- رَجَاءً؛ إِرْجِعْ:
- ٧- مِنْ فَضْلِكَ؛ لَا تَرْجِعْ: ٨- هو سَيَرْجِعُ:
- ٩- هو سَوْفَ يَرْجِعُ: ١٠- هو لَنْ يَرْجِعَ:
- ١١- هو لَمْ يَرْجِعْ: ١٢- هو مَا رَجَعَ:
- ١٣- إِنْ تَرْجِعْ أَرْجِعْ: ١٤- هو كَانَ يَرْجِعُ:

التمرين الرابع:

أَعَرِبْ مَا تَحْتَهُ خَطًّا.

- ١- ﴿وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ آل عمران: ١٧٤
- ٢- ﴿وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾ الإنسان: ٢٢
- ٣- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هود: ١١٤
- ٤- ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا﴾ الشعراء: ٥١
- ٥- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ البقرة: ١٨٥
- ٦- ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الإسراء: ٣٤
- ٧- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشعراء: ٨٤

التمرين الخامس:

عَيِّنِ الْإِجَابَةَ الصَّحِيحَةَ.

- ١- مَنْ رَفَعَ حَجْرًا عَنِ الطَّرِيقِ، كُتِبَتْ لَهُ ... ☐ حَسَنَةٌ ☐ حَسَنَةٌ ☐ حَسَنَةٌ
- ٢- إِنَّكُمْ ... حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ. ☐ مَسْؤُولُونَ ☐ مَسْؤُولِينَ ☐ مَسْؤُولَاتٌ
- ٣- لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ ... ☐ تَظْلِمَ ☐ تُظْلَمَ ☐ تَظْلِمَ
- ٤- النَّاسُ عَلَى دِينٍ ... هُمْ. ☐ مُلُوكٌ ☐ مُلُوكَ ☐ مُلُوكِ
- ٥- عَاتِبٌ ... بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ. ☐ أَخُوكَ ☐ أَخَاكَ ☐ أَخِيكَ
- ٦- لَا ... أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. ☐ لِبَاسٌ ☐ لِبَاسَ ☐ لِبَاسِ
- ٧- الصَّبْرُ ... الْفَرَجِ. ☐ مِفْتَاحٌ ☐ مِفْتَاحَ ☐ الْمِفْتَاحُ

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِنِحَتْ عَنْ قَصِيدَةٍ مَنسُوبَةٍ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ثُمَّ اكْتُبُ ثَلَاثَةَ أَبْيَاتٍ مِنْهَا وَ تَرَجِمُهَا وَ زَيَّنُهَا بِصُورَةٍ مُنَاسِبَةٍ وَ صَعُهَا فِي **مُدَوَّنَتِكَ** أَوْ **مُدَوَّنَةِ** مَدْرَسَتِكَ أَوْ فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ.



۲

الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿... لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾

آلِ عِمْرَانَ: ٩٧

حجّ خانه [خدا] بر مردم بر کسانی که بتوانند به سوی آن راه یابند واجب الهی است.

الْجَلْسَةُ الْخَامِسَةُ

مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُتَوَرَّةُ

جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّلْفَازِ وَ هُمْ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ. نَظَرَ «عَارِفٌ»
إِلَى وَالِدَيْهِ، فَرَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا. فَسَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا: يَا
أَبِي، لِمَ تَبْكِي؟!



الْأَبُ: حِينَمَا أَرَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ، تَمُرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي؛ فَأَقُولُ فِي

نَفْسِي: يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى!

رُقِيَّةُ: وَلَكِنَّكَ أَدَيْتَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي!

الْأُمُّ: لَقَدْ اشْتَقَّ أَبُوكُمَا إِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ وَ الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ.

عَارِفُ: أَأَنْتِ مُشْتَاقَّةٌ أَيْضًا؛ يَا أُمَاهُ؟

الْأُمُّ: نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ يَا بَنِيَّ.



الْأَبُّ: كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ، يَشْتَأْقُ إِلَيْهِ.

عَارِفٌ: مَا هِيَ ذِكْرِيائُكُمَا عَنِ الْحَجِّ؟

الْأَبُّ: أَتَذْكُرُ خِيَامَ الْحُجَّاجِ فِي مِنَى وَ عَرَفَاتٍ، وَ رَمْيِ الْجَمَرَاتِ وَ الطَّوَافَ حَوْلَ
الْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ وَ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ، وَ زِيَارَةَ الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ.



الأم: وَأَنَا أَتَذَكِّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءٍ
الواقع في قِمَّتِهِ.

رُقيّة: أَنَا قَرَأْتُ فِي كِتَابِ التَّرْبِيَةِ الدِّينِيَّةِ أَنَّ أَوَّلَى آيَاتِ الْقُرْآنِ نَزَلَتْ عَلَى
النَّبِيِّ ﷺ فِي غَارِ حِرَاءٍ.
هَلْ رَأَيْتِ الْغَارَ؟ يَا أُمًّا؟

الأم: لَا، يَا بَنِيَّتِي. الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ، لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودَهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ،
وَأَنْتِ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تَوَلَّمَنِي.



رُقيّة: هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ ثَوْرٍ الَّذِي لَجَأَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ فِي طَرِيقِ هِجْرَتِهِ إِلَى
الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟

الأب: لَا، يَا عَزِيزَتِي؛ أَنَا أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَرَّفَ مَعَ جَمِيعِ أَعْضَاءِ الْأُسْرَةِ وَمَعَ الْأَقْرِبَاءِ
لِزِيَارَةِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ وَالْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ مَرَّةً أُخْرَى وَأَزُورَ هَذِهِ الْأَمَاكِنَ.



زَارَ : دیدار کرد (مضارع: يَزُورُ)

«زُرْتُ: دیدار کردم»

السَّعْيُ : دویدن ، تلاش

الْقِمَّةُ : قله «جمع: الْقِمَم»

لَجَأَ إِلَى : به ... پناه بُرد

مَرَّ : گذر کرد (مضارع: يَمُرُّ)

الْمَشْهَدُ : صحنه

تَعَبَّدَ : عبادت کرد

التَّلْفَازُ : تلویزیون

تَمَنَّى : آرزو داشت

(مضارع: يَتَمَنَّى)

الْخِطَامُ : چادرها «مفرد: الْخَيْمَة»

الرَّجُلُ : پا «جمع: الْأَرْجُل»

رَمَى الْجَمْرَاتِ : پرتابِ ریگ ها

(در مراسم حج)

أَلَمَ : به درد آورد

(مضارع: يُؤْلِمُ)

«رَجَلِي تُوْلِمَنِي: پایم درد می کند»

إِشْتَقَ : مشتاق شد

(مضارع: يَشْتَقُ)

أُمَاهُ : ای مادرم

بُنَيَّ : پسرکم

بُنَيْتِي : دخترکم

عَيِّنْ جَوَابَ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مِنَ الْعُمُودِ الثَّانِي. (اثنانِ زائدان)

يَكُونُ مُرْتَفِعًا.

إِشْتَقَ إِلَيْهِ.

وَالِدَا الْأُسْرَةِ.

أَمَامَ التَّلْفَازِ.

رَأْسِي يُؤْلِمُنِي.

الْحُجَّاجُ فِي الْمَطَارِ.

لَأَنَّ رَجُلَ الْأُمِّ كَانَتْ تُؤْلِمُهَا.

۱- لِماذا لَمْ تَصْعَدْ وَالِدَةُ عَارِفٍ وَ رَقِيَّةَ جَبَلِ النُّورِ؟

۲- ماذا كَانَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ يُشَاهِدُونَ؟

۳- أَيْنَ جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ؟

۴- كَيْفَ يَكُونُ جَبَلُ النُّورِ؟

۵- مَنْ كَانَ يَبْكِي؟



مَصَدْرَا الْمَرَّةِ وَ النَّوعِ الْجَلْسَةُ السَّادِسَةُ

ما هُوَ مَصَدْرُ الْمَرَّةِ؟

مَصَدْرُ الْمَرَّةِ يَدُلُّ عَلَى وَقُوعِ الْفِعْلِ مَرَّةً وَاحِدَةً؛ نَحْوُ:

«صَرَبْتُهُ **صَرْبَةً**» (به او یک ضربه زدم). وَ

«أَخَذْتُهُ **أَخْذَةً**». (او را یک بار گرفتم).

ما هُوَ مَصَدْرُ النَّوعِ؟

مَصَدْرُ النَّوعِ يَدُلُّ عَلَى هَيْئَةِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ:

«قَعَدَةُ الْوَقُورِ جَمِيلَةٌ.»

طرزِ نشستنِ شخصِ باوقار، زیباست.

«فِرْحَةُ الْعَاقِلِ يَزِينُهَا الْإِعْتِدَالُ.»

میانه‌روی، **طرزِ شادی** خردمند را زینت می‌دهد.

«إِخْذَةُ الذُّبِّ قَرِيسَتُهُ سَرِيعَةٌ.»

طرزِ شکار گرفتنِ گرگ، سریع است.

۱- «جَلَسْتُ بَيْنَ زُمَلَائِي **جِلْسَةً** الْمُعَلِّمِ.» وَ «وَتَبَّ عَلَى الْعَدُوِّ **وَتْبَةً** الْأَسَدِ.» وَ «خَبَرْتُ صَدِيقِي **خِبْرَةً** الْحَكِيمِ.»

كَيْفَ يُبْنَى مَصَدَرُ الْمَرَّةِ وَالنَّوْعِ؟

إذا كَانَ الْفِعْلُ ثَلَاثِيًّا مُجَرَّدًا، يُبْنَى مَصَدَرُ الْمَرَّةِ مِنْهُ عَلَى وَزْنِ «فَعْلَةٌ» كَ «جَلَسَتْ».

وَمَصَدَرُ النَّوْعِ عَلَى وَزْنِ «فَعْلَةٌ» كَ «جَلَسَتْ».

وَإِذَا كَانَ الْفِعْلُ غَيْرَ ثَلَاثِيٍّ مُجَرَّدٍ، يُبْنَى مَصَدَرُ الْمَرَّةِ مِنْهُ عَلَى وَزْنِ مَصَدَرِ فِعْلِهِ مَخْتَوماً

بِـ «تَاءِ الثَّانِيَةِ»؛ نَحْوُ: «إِنْتَسَمْتُ ابْتِسَامَةً» وَ «إِلْتَفْتُ الِتِفَاتَةً» وَ «إِنْطَلَقْتُ انْطِلَاقَةً».

أَمَّا مَصَدَرُ النَّوْعِ مِنْهُ فَيَبْقَى الْمَصَدَرُ عَلَى حَالِهِ «مَوْصُوفًا بِصِفَةٍ» أَوْ «مُضَافًا»؛ نَحْوُ:

«إِنْتَسَمْتُ ابْتِسَامًا جَمِيلًا» وَ «إِلْتَفْتُ الِتِفَاتَ الْغَزَالَ» وَ «إِنْطَلَقْتُ انْطِلَاقَ الصَّارُوخِ».

★ وَإِذَا كَانَ مَصَدَرُ الْفِعْلِ عَلَى وَزْنِ مَصَدَرِ الْمَرَّةِ أَوْ النَّوْعِ وَجَبَ تَقْيِيدُهُ فِي مَصَدَرِ الْمَرَّةِ

بِكَلِمَةٍ تَدُلُّ عَلَى الْوَحْدَةِ وَ فِي مَصَدَرِ النَّوْعِ بِكَلِمَةٍ تَدُلُّ عَلَى الصِّفَةِ وَالْحَالَةِ، لِئَلَّا يَلْتَبَسَ

بِالْمَصَدَرِ الْمَحْضِ؛ فَتَقُولُ:

«رَحِمْتُهُ رَحْمَةً وَاحِدَةً» أَوْ «مَا رَحِمْتُهُ غَيْرَ رَحْمَةٍ» وَ «دَحَرَجْتُهُ دَحْرَجَةً لَا غَيْرُ» وَ

«خَبَرْتُهُ خَبَرَةً حَكْمِيَّةً».

مَصَدَرُ النَّوْعِ يُسَمَّى مَصَدَرَ الْهَيْئَةِ أَيْضًا.★

■ أ. اِفْرَأِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ تَرَجِّمُهَا: ب. ثُمَّ عَيِّنِ مَصْدَرَ الْمَرَّةِ وَ مَصْدَرَ النَّوعِ فِيهَا.

١- اِنْتَقَضَ الْمَظْلُومُونَ ضِدَّ الظَّالِمِينَ انْتِفَاضَةً قَوِيَّةً.

٢- لَعِبْتُ كُرَّةَ الْمِنْصَدَةِ لِعِبَةِ الْفَائِزِ الْأَوَّلِ.

٣- لَبِسْنَا مَلَابِسَ شَتَوِيَّةٍ^٢ لِبَسَةِ الْإِسْكِيْمُو.

٤- اسْتَقَامُوا اسْتِقَامَةً وَاحِدَةً.

٥- اسْتَكْبَرَ الظَّالِمُ اسْتِكْبَارَةً.

٦- اِنْسَحَبَ الْجَيْشُ اِنْسِحَابَةً.

٧- قَعَدْنَا فِي الصِّيَافَةِ قَعْدَةً.

٨- اَمْشِي فِي الْبُسْتَانِ مَشْيَةً.

٩- جَلَسْنَا جِلْسَةً الصُّيُوفِ.

١٠- هَزَّ^٣ الزَّلْزَالُ الْأَرْضَ هَزَّةً.

١١- أَعَيْنُونَا إِعَانَةً وَاحِدَةً.

١٢- رَمَيْتُ الْخَشَبَ رَمِيَةً.

١٣- نَعِيشُ عِيشَةَ الرُّهَادِ.

١٤- وَقَفَ الْجُنُودُ وَقْفَةً.

١٥- نَظَرْتُمْ إِلَيْهِ نَظْرَةً.

الاسم المَقْصُورُ وَ الْمَمْدُودُ وَ الْمَنْقُوصُ

كَمْ نَوْعاً لِّلْإِسْمِ الْمُعْرَبِ بِاعْتِبَارِ آخِرِهِ؟

الاسمُ الْمُعْرَبُ بِاعْتِبَارِ حَرْفِهِ الْآخِرِ، ثَلَاثَةُ أَنْوَاعٍ: (قَدْ دَرَسْتُمْ هَذِهِ الْأَسْمَاءَ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ).

الاسمُ الْمَقْصُورُ وَ هُوَ مَا خُتِمَ بِـ «أَلِفٍ لَازِمَةٍ» كـ «الْفَتَى» وَ «الْمُجْتَبَى» وَ «الْعَصَا»

الاسمُ الْمَنْقُوصُ وَ هُوَ مَا خُتِمَ بِـ «يَاءٍ لَازِمَةٍ»، قَبْلُهَا «كَسْرَةٌ» كـ «الْمَاشِي» وَ «الْمُسَاوِي».

الاسمُ الْمَمْدُودُ وَ هُوَ مَا خُتِمَ بِـ «هَمْزَةٍ»، قَبْلُهَا «أَلِفٌ زَائِدَةٌ» كـ «السَّمَاءُ» وَ «الإِعْطَاءُ».

وَ مَا خُتِمَ بِغَيْرِ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ صَاحِبُ الْآخِرِ؛ نَحْوُ: «الرَّجُلُ» وَ «الْكِتَابُ».

الْتَّمِرِينَ الثَّانِي:

عَيِّنِ الْمَقْصُورَ وَ الْمَمْدُودَ وَ الْمَنْقُوصَ وَ صَاحِبَ الْآخِرِ مِنَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ.

الْمُرْتَضَى، الْعُظْمَى، الدَّاعِي، الْحَمْرَاءُ، الْحَسَنَاءُ، الْكَافِي، الْبُكْمَاءُ (لَال)، الْأَعْلَى، النَّدَاءُ،

الْمَرْمَى، الْقَمَحُ، الصُّغْرَى، الْإِبْتِدَاءُ، الْأَعْمَى (نَابِيْنَا)، الْأَعْلَى، الِئْتَعَدِّي، الِئْتَوَقَّى، الْإِسْتِعْلَاءُ،

الِئْرْتِقَاءُ، الْإِنْهَاءُ، الْإِرْتِضَاءُ، الْمُرَافِقُ



١- ملاحظة: لَيْسَتْ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ مَنْقُوصَةً: عَلِيٌّ وَ وَلِيٌّ وَ وَصِيٌّ؛ لِأَنَّهَا خُتِمَتْ بِـ «يَاءٍ مُّشَدَّدةٍ» (ع ل ي ي / ول ي ي / وص ي ي)

تَكْمِلَةُ الْمَذَكَّرِ وَالْمُؤَنَّثِ الْجَلْسَةُ السَّابِعَةُ

فِي كَمْ مَوْضِعٍ يَكُونُ الْمُؤَنَّثُ الْمَعْنَوِيُّ؟
يَكُونُ الْمُؤَنَّثُ الْمَعْنَوِيُّ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ:

- ١- أَعْلَامُ الْإِنَاثِ^١ كـ « مَرِيَمَ وَ زَيْنَبَ وَ شَهْرزَادَ وَ سَارَا وَ نَرْجِسَ ».
- ٢- الْأَسْمَاءُ الْمُخْتَصَّةُ بِالْإِنَاثِ كـ « أُمٌّ وَ أُخْتُ وَ حَامِلٌ^٢ ».
- ٣- أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْبُلْدَانِ وَ الْمُدُنِ وَ الْقَبَائِلِ كـ « إِيرَانَ وَ تَبْرِيزَ وَ قُرَيْشَ ».
- ٤- أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْأَعْضَاءِ الْمُرْدَوِجَةِ لِلْجِسْمِ كـ « يَدَ وَ رِجْلَ وَ عَيْنَ وَ كَتِفَ وَ كَفَّ وَ عَضُدٌ^٣ وَ فَخِذٌ^٤ ».

★ الْمُؤَنَّثَاتُ الْمَعْنَوِيَّةُ

هُنَاكَ كَثِيرٌ مِنَ الْمُؤَنَّثَاتِ الْمَعْنَوِيَّةِ لَا تَدْخُلُ تَحْتَ الصُّوَابِطِ الْأَرْبَعِ الَّتِي ذَكَرْنَاهَا سَابِقًا؛ مِنْهَا: أَرْضُ ،
أَرْزَبُ (خَرْگوش) ، إِصْبَعُ (أَفْعَى (أَفْعَى) ، يَنْثَرُ ، جَحِيمُ (دُوزَخ) ، جَهَنَّمُ ، حَرْبُ ، دَلُو ، دَارُ ، رَجَمُ ، رَحَى
(أَسْيَاب) ، رِيحُ ، سَقَرُ (دُوزَخ) ، سَنَنْ ، شَمْسُ ، شِمَالُ ، عَصَا ، فَأْسُ (تَبَر) ، فَلَكُ ، قَوْسُ (كِمَان) ، كَأْسُ ،
نَارُ ، نَعْلُ ، يَمِينُ وَ ... ★

★ وَ وَرَدَتْ أَسْمَاءٌ يَجُوزُ فِيهَا التَّذْكِيرُ وَ التَّأْنِيثُ؛ مِنْهَا:

إِبْطُ (زِير بَغْل) ، حَالُ ، حَانُوتُ ، خَمَرُ (بَادَه) ، دِرْعُ (زَرَه) ، ذَهَبُ ، سَكِينُ (چاقو) ، سُلَمُ (نَرْدَبَان) ،
سِلْمُ ، سَمَاءُ ، صُحَى (نُور خُورَشِيد) ، پِش از نِيمروز) ، طَرِيقُ ، عَجَزُ (پایان هر چیز، سَرین) ، عُقَابُ ،
عَقْرَبُ ، عُتْقُ (گَرْدن) ، عَنكَبُوتُ ، فِرْدَوْسُ ، قَرَسُ ، قِدْرُ (دِیگ) ، قَفَا (پِشت) ، كِيدُ ، لِسَانُ ، مِسْكُ ، مِلْحُ
(نَمَك) ، مَنْجَنیقُ ، نَفْسُ ، وَرَاءُ وَ ... ★

كَيْفَ تُؤَنِّثُ الصِّفَاتُ؟ أَنْتَ: مؤنَّث كَرَد

تُؤَنِّثُ الصِّفَاتُ بِإِلْحَاقِ التَّاءِ الْمَرْبُوطَةِ بِهَا؛ نَحْوُ: « مُسْلِمٌ = مُسْلِمَةٌ » وَلَكِنْ قَدْ خَرَجَتْ عَنْ هَذِهِ الْقَاعِدَةِ:

الْصِّفَةُ عَلَى وَزْنِ « فَعْلَان » ، فَتُؤَنِّثُ عَلَى وَزْنِ « فَعْلَى » غَالِبًا؛ نَحْوُ:

« كَسْلَان = كَسْلَى (تَبَل) » وَ « جَوْعَان = جَوْعَى (كَرْسَنَه) » وَ « غَضْبَان = غَضْبَى »

الْصِّفَةُ الْمُشَبَّهَةُ عَلَى وَزْنِ « أَفْعَل » ، فَتُؤَنِّثُ عَلَى وَزْنِ « فَعْلَاء » ؛ نَحْوُ:

« أَخْضَر = خَضْرَاء » وَ « أَبْكَم = بَكْمَاء : (لَال) »

أَفْعَلُ التَّفْضِيلِ يُؤَنِّثُ عَلَى وَزْنِ « فُعْلَى » ؛ نَحْوُ:

« أَعْظَم = عَظْمَى » وَ « أَكْبَر = كُبْرَى » وَ « أَحْسَن = حُسْنَى »

الْتَّمَرِينَ الثَّالِثُ:

عَيْنُ نَوْعِ الْمَذَكَّرِ وَالْمُؤَنَّثِ.

الْأَب: الْأُمُّ: الْمَشْمِش:

الْمِطْرَقَةُ: حَمْرَةٌ: مَرِيَمُ:

الْتَّمَرِينَ الرَّابِعُ:

تَرْجِمِ الصِّفَاتِ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنْ مَا هُوَ لِلْمَذَكَّرِ أَمْ لِلْمُؤَنَّثِ مِنْهَا.

الْبَيْضَاءُ : الْأَفْضَلُ :

الْعَطَشُ : الْفَرَحَانُ :

الْفُضْلَى : الْحُسْنَى :

الْأَغْلَى : الْمَلِيحَةُ :

الْكَسَلُ : الْمُحْسِنُ :

الْتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- ١- الْتَّلْفَاز ☐ الْمُسَجِّل ☐ الْمَكَيَّف ☐ الْمَشْهَد ☐
- ٢- الصَّارُوخ ☐ الْقِمَّة ☐ الطَّائِرَة ☐ السَّفِينَة ☐
- ٣- الْخَرِيفِي ☐ الصَّيْفِي ☐ الشَّتَوِي ☐ الرَّاجِي ☐
- ٤- الْأَجَنْبِي ☐ الْمُوَاطِن ☐ الْوَثِيق ☐ الْجَار ☐
- ٥- الْمَكْتَسَة ☐ الْمَكْتَبَة ☐ الْمَلْعَب ☐ الْمَطْعَم ☐
- ٦- النُّظَارَة ☐ الْغَسَالَة ☐ الْمِصْعَد ☐ الصَّدَاقَة ☐

الْتَّمَارِينُ الثَّانِي: اَكْتُبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ الثَّانِي.

١. ابْنِي الصَّغِيرُ.
٢. بِنْتِي الصَّغِيرَة.
٣. أَعْلَى الْجَبَلِ، وَرَأْسُهُ.
٤. مَنَسُوبٌ إِلَى فَصْلِ الشِّتَاءِ.
٥. مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ نَمَشِي بِهِ.
٦. بُيُوتٌ مَصْنُوعَةٌ مِنَ الْقُمَاشِ أَوْ الْأَغْصَانِ.
٧. جِهَازٌ لِلْحَرْبِ يُقَدَفُ إِلَى مَسَافَاتٍ بَعِيدَةٍ؛ ثُمَّ يَنْفَجِرُ.

الْتَمَرِينَ الثَّالِثُ: عَيَّنِ الْأَفْعَالَ الْمَعْتَلَّةَ وَنَوْعَهَا، وَالْأَفْعَالَ الْمُضَاعَفَةَ، وَالْمَهْمُوزَةَ؛ ثُمَّ اكْتُبْ صِيغَتَهَا.

١- ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ

يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ﴾ التَّوْبَةُ: ١٨

٢- ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٣١

٣- ﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ...﴾ الْبَقَرَةِ: ١١٠

٤- ﴿إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ النَّحْلِ: ١٨

٥- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ الشُّعْرَاءِ: ٨٣

٦- ﴿أَتَأْمُرُونَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ...﴾ الْبَقَرَةِ: ٤٤

٧- ﴿إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ الْمَائِدَةِ: ٢٨

التمرين الرابع: اِنتخبْ لِلْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

١. قَدْ أَلْفَتْ ... مَوْسُوعَةً عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ☐ أَكْبَرُ ☐ كَبِيرُ ☐ كُبْرَى ☐
٢. أَحَبُّ وَطَنِي إِيْرَانَ أَلْ ... كَثِيرًا. ☐ الْجَمِيلَةُ ☐ الْجَمِيلَ ☐ الْجَمِيلَةَ
٣. قُلْتُ لِلطَّيِّبِ: «رَجُلِي ...». ☐ يُؤْلِمُنِي ☐ تُؤْلِمُنِي ☐ يُؤْلِمُ
٤. تِلْكَ الطِّفْلَةُ الْبَاكِئَةُ ... جِدًّا. ☐ جَوَعَى ☐ جَوَعَانُ ☐ جَائِعٌ
٥. فِي هَذَا الْبَحْرِ جَزِيرَةٌ ☐ أَحْضَرُ ☐ خَضْرَاءُ ☐ خَضِرُ
٦. أَلِاسْمُ الْمَمْدُودُ نَحْوُ ☐ الْحَمْرَاءُ ☐ الْمَاشِي ☐ الْفَتَى
٧. أَلِاسْمُ الْمَقْصُورُ نَحْوُ ☐ الْقِمَّةُ ☐ الْخِيَامُ ☐ الْعُظْمَى

۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا
غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...﴾

آل عمران: ۱۵۹

پس به [برکت] رحمتی از سوی خدا با آنان نرمخو شدی، و اگر تندخو و
سنگدل بودی، بی‌گمان از اطرافت پراکنده می‌شدند.

٩ ثلاث قصص قصيرة (بتصرفي) الجلسة التاسعة

١. إِحْتِرَامُ الْأَطْفَالِ

ذَاتَ يَوْمٍ كَانَ رَجُلٌ جَالِساً عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. وَ بَعْدَ لَحْظَاتٍ جَاءَ ابْنُهُ وَ سَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، ثُمَّ رَاحَ نَحْوَ وَالِدِهِ، فَقَبَّلَهُ الْأَبُ وَ أَجْلَسَهُ عِنْدَهُ. فَرِحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ عَمَلِهِ. وَ بَعْدَ قَلِيلٍ جَاءَتْ بِنْتُهُ، وَ سَلَّمَتْ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ؛ ثُمَّ رَاحَتْ نَحْوَ وَالِدِهَا. أَمَّا الْوَالِدُ فَلَمْ يَقْبَلْهَا وَ لَمْ يُجْلِسْهَا عِنْدَهُ. فَانْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ قَالَ:

«لِمَ تَفَرِّقُ بَيْنَ أَطْفَالِكَ؟!»

نَدِمَ الرَّجُلُ وَ أَخَذَ يَدَ بِنْتِهِ وَ قَبَّلَهَا، وَ أَجْلَسَهَا عِنْدَهُ.



أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢. الشَّيْمَاءُ بِنْتُ حَلِيمَةَ

كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أُخْتُ مِنَ الرِّضَاعَةِ اسْمُهَا الشَّيْمَاءُ.

كَانَتْ الشَّيْمَاءُ تَحْضُنُ النَّبِيَّ ﷺ صَغِيرًا وَ تَلَاعِبُهُ وَ تَقُولُ:

يَا رَبَّنَا أَبْقِ لَنَا مُحَمَّدًا حَتَّى أَرَاهُ يافِعًا وَ أَمْرًا



وَكَانَ النَّبِيُّ ﷺ شَدِيدَ التَّعَلُّقِ بِهَا فِي الطُّفُولَةِ؛ فَمَرَّتِ الْأَيَّامُ وَفِي غَزْوَةِ حُنَيْنٍ فِي السَّنَةِ الثَّامِنَةِ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَقَعَتِ الشَّيْمَاءُ أُسِيرَةً بِيَدِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَقَالَتْ لَهُمْ: «إِنِّي لَأَخْتُ النَّبِيِّ ﷺ مِنَ الرِّضَاعَةِ...»؛ فَلَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَهَا، فَأَخَذُوهَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَعَرَفَهَا وَ أَكْرَمَهَا وَ بَسَطَ لَهَا رِدَاءَهُ؛ ثُمَّ أَجْلَسَهَا عَلَيْهِ، وَ حَيَّرَهَا بَيْنَ الْإِقَامَةِ مَعَهُ مُعَزَّزَةً أَوْ الْعَوْدَةِ إِلَى قَوْمِهَا سَالِمَةً رَاضِيَةً، فَاخْتَارَتِ الشَّيْمَاءُ قَوْمَهَا، فَأَعْتَقَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ أَرْسَلَهَا إِلَى قَوْمِهَا بِإِعْزَازٍ. فَاسْلَمْتُ وَ دَافَعْتُ عَنْ أَخِيهَا وَ دَعْتُ قَوْمَهَا إِلَى الْإِسْلَامِ وَ بَيَّنْتُ أَخْلَاقَ النَّبِيِّ ﷺ لَهُمْ فَاسْلَمُوا.

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾

آل عمران: ١٥٩

٣. الْعَجُوزُ الْمُحْسِنُ

شَاهَدَ «كَسْرَى أَنْوَشِرَاوُنْ» يَوْمًا فَلَحَا عَجُوزًا يَغْرِسُ **فَسِيلَةَ جُوزٍ**، فَتَعَجَّبَ وَ قَالَ: «أَيُّهَا الْفَلَّاحُ، أَ تَأْمُلُ أَنْ تَعِيشَ حَتَّى تَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهَا؟! لَا تَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تُثْمِرُ عَادَةً إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ؟! فَاقَالَ الْعَجُوزُ: **غَرَسَ** الْآخَرُونَ أَشْجَارًا، فَنَحْنُ أَكَلْنَا مِنْ ثِمَارِهَا، وَ نَحْنُ نَغْرِسُ أَشْجَارًا لِكَيْ يَأْكُلَ مِنْ ثِمَارِهَا الْآخَرُونَ.^١



فَقَالَ أَنْوَشِرَوَانُ: «أَحْسَنْتَ يَا شَيْخُ!» وَ أَمَرَ أَنْ يُعْطَى الْفَلَّاحُ أَلْفَ دِينَارٍ.
فَقَالَ الْفَلَّاحُ الْعَجُوزُ قَرِحًا: «مَا أَسْرَعَ إِثْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ!»
فَأَعْجَبَ أَنْوَشِرَوَانُ كَلَامَهُ وَ أَمَرَ مَرَّةً ثَانِيَةً أَنْ يُعْطَى الْفَلَّاحُ أَلْفَ دِينَارٍ آخَرَ.

مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ
قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - نَهَجُ الْفَصَاحَةِ: ٧٠٧

أَبَقَ : نگهدار (أَبَقِيَ ، يُبْقِي)

الْإِنْمَار : میوه دادن

أَثْمَرَ : میوه داد

اخْتَارَ : برگزید = اِنتَخَبَ

(مضارع: يَخْتَارُ)

أَعْتَقَ : آزاد کرد

الْإِعْزَازَ : گرامی داشتن

«بِإِعْزَازٍ : با عزّت»

أَكْرَمَ : گرامی داشت

الْإِقَامَةَ : ماندن

الْأَمْرَدَ : پسر نوجوانی که سبیلش

درآمده، ولی هنوز ریش در نیاورده است.

أَمَلَ : امید داشت

انْزَعَجَ : آزرده شد

انْقَضَ : پراکنده شد

(مضارع: يَنْقُضُ)

الْجَوْزُ : گردو

حَضَنَ : در آغوش گرفت

خَيَّرَ : اختیار داد

دَافَعَ : دفاع کرد

دَعَتْ : مؤنث «دَعَا» (دعوت کرد)

راحٌ : رفت = دَهَبَ

الرَّدَاءُ : روپوش بلند و گشاد روی

دیگر جامه‌ها

الرُّضَاعَةَ : شیرخوارگی

الشَّيْخَ : پیرمرد ، پیشوا

«جمع: الشُّيوخ»

العَجُوزَ : پیرمرد ، پیرزن

«جمع: العَجَاز»

الْعَوْدَةَ : برگشتن = اَلرَّجُوعَ

عَرَسَ : کاشت

الْعَرَسَ : نهال ، کاشتنِ نهال

غَلِيظُ الْقَلْبِ : سنگدل

الْفَسِيلَةَ : نهال

«جمع: الْفَسَائِلُ»

الْفُظَّ : تندخو

لَاعَبَ : با ... بازی کرد

لِئْتٌ : نرم شدی

(ماضی: لَانَ ، مضارع: يَلِينُ)

ما أَسْرَعَ : چه شتابان است!

مَرَّ : گذر کرد (مضارع: يَمُرُّ)

الْمَعَزَّزَ : گرامی

الْيَافِعَ : جوان کم‌سال



حَوْلَ النَّصِّ

أ. أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

١- مَا قَالَتِ الشَّيْمَاءُ لِلْمُسْلِمِينَ حِينَ وَقَعَتْ فِي الْأَسْرِ؟

٢- كَمْ دِينَارًا أَمَرَ أَنْوَشِرَوَانُ أَنْ يُعْطَى لِلْفَلَّاحِ؟

٣- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؟

٤- مَاذَا كَانَ يَغْرِسُ الْفَلَّاحُ الْعَجُوزُ؟

٥- مَنْ قَبَلَ الْوَالِدُ فِي الْبِدَايَةِ؟

٦- مَنْ هِيَ الشَّيْمَاءُ؟

✓ x

ب. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

١- دَعَتِ الشَّيْمَاءُ قَبِيلَتَهَا إِلَى الْإِسْلَامِ بَعْدَ أَنْ أَعْتَقَهَا النَّبِيُّ ﷺ.

٢- لَوْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ فَظًّا لَأَنْفَضَ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِ.

٣- اِلْاهْتِمَامُ بِغَرْسِ الْأَشْجَارِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ فَرْدٍ مِنَّا.

٤- كَانَ أَنْوَشِرَوَانُ أَحَدَ مُلُوكِ إِيْرَانِ قَبْلَ مِئَةِ سَنَةٍ.

٥- تُثْمِرُ شَجَرَةُ الْجَوْزِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ عَادَةً.

٦- كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُحِبُّ الْأَطْفَالَ.

الضميرُ الْجَلْسَةُ العَاشِرَةُ

مَا هُوَ الضَّمِيرُ؟ هُوَ مَا يَحُلُّ مَحَلَّ الإِسْمِ وَ يَتَوَبَّعُهُ (به جای اسم می آید و جانشینش می شود).
كَمْ قِسْمًا الضَّمِيرُ؟ الضَّمِيرُ قِسْمَانِ: مُنْفَصِلٌ وَ مُتَّصِلٌ.

كَمْ قِسْمًا الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ بِحَسَبِ مَحَلِّهِ الْإِعْرَابِيِّ؟

١- الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ بِحَسَبِ مَحَلِّهِ الْإِعْرَابِيِّ قِسْمَانِ:

الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ الْمَرْفُوعُ: (قَرَأْتُمُوهُ فِي الصَّفِّ الْعَشْرِ)

هُوَ ، هُمَا ، هُم ، هِيَ ، هُنَّ / أَنْتَ ، أَنْتُمَا ، أَنْتُمْ ، أَنْتِ ، أَنْتُمَا ، أَنْتُنَّ / أَنَا ، نَحْنُ
نَحْوُ: أَنْتَ ذَكِيٌّ. (أَنْتَ = مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا)

٢- الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ الْمَنْصُوبُ: (قَرَأْتُمُوهُ فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ)

إِيَّاهُ ، إِيَّاهُمَا ، إِيَّاهُمْ ، إِيَّاهَا ، إِيَّاهُمَا ، إِيَّاهُنَّ / إِيَّاكَ ، إِيَّاكُمَا ، إِيَّاكُم ، إِيَّاكِ ، إِيَّاكُمَا ، إِيَّاكُنَّ / إِيَّايَ ، إِيَّانَا
نَحْوُ: (إِيَّاكَ تَعْبُدُ ... الْفَاتِحَةُ: هـ) تَنْهَا تُو رَا مِی پَرَسْتِیْم. (إِيَّاكَ = مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا)

كَمْ قِسْمًا الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ بِحَسَبِ مَحَلِّهِ الْإِعْرَابِيِّ؟

الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ بِحَسَبِ مَحَلِّهِ الْإِعْرَابِيِّ قِسْمَانِ أَيْضًا:

١- الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ الْمَنْصُوبُ أَوْ الْمَجْرُورُ

هُ ، هُمَا ، هُم ، هَا ، هُمَا ، هُنَّ / لَكِ ، كُفْمَا ، كُمْ ، لِكِ ، كُفْمَا ، كُنَّ / نِي ، نَا

نَحْوُ: مِنْهُ ⇨ (« هُ » فِي « مِنْهُ » مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِحَرْفِ جَرٍّ « مِنْ »)

كِتَابُهُ ⇨ (« هُ » فِي « كِتَابُهُ » مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ مَحَلًّا)

شَاهَدَهُ ⇨ (« هُ » فِي « شَاهَدَهُ » مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا)

٢- الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ الْمَرْفُوعُ الَّذِي يَقَعُ فَاعِلًا أَوْ نَائِبًا لِلْفَاعِلِ غَالِبًا:

(الْخُرُوفُ الَّتِي كُتِبَتْ بِاللُّوْنِ الْأَخْمَرِ هِيَ ضَمَائِرُ لِلْفَاعِلِ إِذَا اتَّصَلَتْ بِالْفِعْلِ الْمَعْلُومِ كَمَا هِيَ فِي

الْجَدُولِ وَ تُعْرَبُ فَاعِلًا مَرْفُوعًا مَحَلًّا؛ وَ إِذَا اتَّصَلَتْ بِالْفِعْلِ الْمَجْهُولِ تُعْرَبُ نَائِبَ فَاعِلٍ مَرْفُوعًا مَحَلًّا)

أَمَّا الْأَفْعَالُ الَّتِي لَمْ تَتَّصِلْ بِهَا الضَّمَاوِرُ الْبَارِزَةُ، فَالْفَاعِلُ فِيهَا ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ جَوَازاً أَوْ وَجُوباً.
الْفَاعِلُ فِي ذَهَبَ وَ ذَهَبَتْ وَ يَذْهَبُ وَ تَذْهَبُ (هِيَ تَذْهَبُ) قَدْ يَسْتَتِرُ جَوَازاً؛
أَمَّا الْفَاعِلُ فِي أَذْهَبَ وَ تَذْهَبُ (أَنْتَ تَذْهَبُ) وَ إِذْهَبَ وَ نَذْهَبُ يَسْتَتِرُ وَجُوباً.

| الْمَاضِي | الْمُضَارِع | الْأَمْر |
|-------------|-------------|------------|
| ذَهَبَ | يَذْهَبُ | |
| ذَهَبَا | يَذْهَبَانِ | |
| ذَهَبُوا | يَذْهَبُونَ | |
| ذَهَبْتُ | تَذْهَبُ | |
| ذَهَبْتَا | تَذْهَبَانِ | |
| ذَهَبْنَ | يَذْهَبْنَ | |
| ذَهَبْتُ | تَذْهَبُ | إِذْهَبْ |
| ذَهَبْتُمَا | تَذْهَبَانِ | إِذْهَبَا |
| ذَهَبْتُمْ | تَذْهَبُونَ | إِذْهَبُوا |
| ذَهَبْتُ | تَذْهَبِينَ | إِذْهَبِي |
| ذَهَبْتُمَا | تَذْهَبَانِ | إِذْهَبَا |
| ذَهَبْتُنَّ | تَذْهَبْنَ | إِذْهَبْنَ |
| ذَهَبْتُ | أَذْهَبُ | |
| ذَهَبْنَا | نَذْهَبُ | |

الْتَّمَرِينَ الْأَوَّلُ:

■ دَلَّ عَلَى أَنْوَاعِ الضَّمَاوِرِ.

١- ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾ الْإِسْرَاءُ: ٢٣

٢- ﴿... لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ...﴾ الْأَنْعَامُ: ٣٨

۳- ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ الأنبياء: ۸۶

۴- ﴿... هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...﴾ هود: ۶۱

۵- ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ...﴾ الشورى: ۲۵

۶- ﴿... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ يوسف: ۲۴

الاسم الموصول الجلسة الحادية عشرة

ما هو الاسم الموصول؟

الاسم الموصول هو اسم لا يَتِمُّ^۱ معناه إلا بجُمْلَةٍ تُذَكِّرُ بَعْدَهُ تُسَمَّى «صِلَةً».

| | | | |
|-----------------------|---------------|--------------------|----------|
| ۱. نَجَحَ الطَّالِبُ | الَّذِي | كَلَّمْتُكَ عَنْهُ | أَمْسِ |
| | الاسم الموصول | جُمْلَةُ الصَّلَةِ | |
| ۲. نَجَحَ الطَّالِبُ | الَّذِي | دَرَسَ | جَيِّدًا |
| | الاسم الموصول | جُمْلَةُ الصَّلَةِ | |
| ۳. نَجَحَ الطُّلَّابُ | الَّذِينَ | دَرَسُوا | جَيِّدًا |
| | الاسم الموصول | جُمْلَةُ الصَّلَةِ | |

كَمْ نَوْعًا لِّلِاسْمِ الْمَوْصُولِ؟

الاسم الموصول نوعان: خَاصٌّ وَ مُشْتَرَكٌّ.

الْمَوْصُولُ الْخَاصُّ هُوَ لَفْظٌ خَاصٌّ لِكُلِّ مِّنَ الْمُفْرَدِ وَ الْمُتَنَّى وَ الْجَمْعِ، وَ الْمَذَكَّرِ وَ الْمُؤَنَّثِ.

۱- لا يَتِمُّ: كامل نمی شود

ما هي ألفاظ الموصول الخاص؟

| الْمُفْرَدُ | الْمُثَنَّى | الْجَمْعُ |
|-------------|-------------------------|-------------------------------------|
| الَّذِي | الَّذَانِ / اللَّذَيْنِ | الَّذِينَ |
| الَّتِي | الَّتَانِ / اللَّتَيْنِ | الَّلَّاتِي / اللَّاتِي / اللَّائِي |

هل الاسم الموصول مبني أو معرب؟

الاسم الموصول مبني إلا المثنى منه، فهو يعرب بالالف رفعاً؛ نحو: «الَّذَانِ» و «اللَّتَانِ»،
و بانياء نصباً و جرّاً؛ نحو: «اللَّذَيْنِ» و «اللَّتَيْنِ»؛ نحو:

جاء اللاعبان اللذان حصلا على الجائزة الذهبية.
رأيت اللاعبين اللذين حصلا على الجائزة الذهبية.

ما هو الموصول المشترك؟

الموصول المشترك هو اسم يكون يلفظ واحد مع المفرد و المثنى و الجمع، و المذكر و المؤنث؛ نحو:

أَحْتَرِمُ مَنْ يَعْلَمُنِي. أَحْتَرِمُ مَنْ يَعْلَمُونِي. أَحْتَرِمُ مَنْ يَعْلَمُنِي.
↑ ↑ ↑

ما هي ألفاظ الموصول المشترك؟

أشهر ألفاظ الموصول المشترك: «مَنْ» و «مَا».

١- «مَنْ» للعاقل؛ نحو: إقْبَلْ عُدْرَ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْكَ.

٢- «مَا» لغير العاقل؛ نحو: ﴿قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...﴾ البقرة: ٣٢

التَّامِرِينَ الثَّانِي:

■ عَيْنُ نَوْعِ الْأِسْمِ الْمَوْصُولِ.

١- أَتَعَجَّبُ مِنَ الشَّخْصِ الَّذِي يُزَيِّنُ^١ جِسْمَهُ وَ لَا يُزَيِّنُ نَفْسَهُ.

٢- إِنَّ الْأُمّهَاتِ اللَّاتِي يُرَبِّينَ الْأَطْفَالَ، يَصْنَعْنَ الْمُسْتَقْبَلَ.

٣- شَجَعَ الْمُتَفَرِّجُونَ الْبَطْلِينَ الَّذِينَ فَازَا فِي الْمُبَارَاةِ.

٤- إِنَّ الَّذِينَ يَنْفَعُونَ الْآخَرِينَ أَحْسَنُ النَّاسِ.

٥- اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي مَا تُحِبُّهُ لِي.

٦- لَا أَقْرَأُ مَا تَكْتُبُونَهُ.

٧- أَكْرَمُ مَنْ زَارَكَ.

التَّامِرِينَ الثَّالِثُ:

■ عَيْنُ «الِاسْمِ الْمَوْصُولِ» وَ «جُمْلَةِ الصَّلَةِ» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

١- أَنَا أَقْرَأُ دَرْسِي مَعَ الَّذِينَ يَجْتَهِدُونَ فِي دُرُوسِهِمْ.

٢- الْكَلِمَةُ الَّتِي تَنْطِقُ بِهَا، تَصِيرُ أَسِيرًا لَهَا.

٣- لَا تَفْرَحْ إِلَّا بِالَّذِي نِلْتَهُ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ.

٤- جَاءَ الَّذِي ضَاعَ جَوَازُهُ فِي الْفُنْدُقِ.

٥- شَاهَدْنَا الَّذِينَ سَاعَدَوْكُم أَمْسٍ.

٦- جَاءَ مَنْ يُعَلِّمُنَا الْحَاسِبَ.

٧- كُلُّ مَا تُحِبُّهُ مِنَ الطَّعَامِ.

١- زَيْن: زينت داد

الْتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ: لِلتَّذْكَارِ - لِلتَّرْجَمَةِ.

| | | | |
|----|----------------------------|-----------------------------|---------------------------|
| ١- | جَلَسَ: نشست | جَلَسْنَا: | لَا تَجْلِسُوا: |
| | الْجَالِسُ: | اجْلِسْ: | اجْلِسْنَ: |
| ٢- | أَجْلَسَ: نشانید | أَجْلِسْ: | لَا تُجْلِسِي: |
| | لَمْ يُجْلِسُوا: | سَيُجْلِسُ: | |
| ٣- | عَلِمَ: دانست | قَدْ عَلِمْتُ: | لَمْ أَعْلَمْ: |
| | اعْلَمْ: | لَا يَعْلَمُ: | |
| ٤- | عَلَّمَ: یاد داد | قَدْ يُعَلِّمُ: | لَنْ يُعَلِّمَ: |
| | أُعَلِّمُ: | لِيُعَلِّمَ: | |
| ٥- | قَطَعَ: بُرید | قُطِعَ: | كَانَا يَقْطَعَانِ: |
| | الْمَقْطُوعُ: | لَا تَقْطَعُ: | |
| ٦- | انْقَطَعَ: بُریده شد | مَا انْقَطَعَ: | سَيَنْقَطِعُ: |
| | الانْقِطَاعُ: | لَنْ يَنْقَطِعَ: | |
| ٧- | غَفَرَ: آمرزید | قَدْ غَفَرَ: | لَا يُغْفَرُ: |
| | الْمَغْفُورُ: | الْغَفَّارُ: | |
| ٨- | اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست | قَدْ اسْتَغْفَرْتُمْ: | الِاسْتِغْفَارُ: |
| | لَا يَسْتَغْفِرُونَ: | اسْتَغْفِرُ: | |

إِفْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ؛ ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحُمْرَاءِ، وَ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

الْخُطْبَةُ الْمِثَّتَانِ وَالرَّابِعَةُ وَالْعِشْرُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

... وَ اللَّهِ، **لَوْ أُعْطِيتُ** الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ **أَسْلُبُهَا** ^١ **جُلْبٌ** ^٢ **شَعِيرَةٌ** ^٣، مَا فَعَلْتُ. وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ ^٤ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ **جَرَادَةٍ** ^٥ **تَقْضُمُهَا** ^٦. مَا لِعَالِيٍّ وَلِنَعِيمٍ ^٧ يَفْنَى وَلَدَذَّةٍ لَا تَبْقَى؟! نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ **سُبَاتٍ** ^٨ **الْعَقْلِ** ^٩ وَ **فُجِحِ الزَّلَلِ** وَ بِهِ نَسْتَعِينُ ^{١٠}.

خطبة دویست و بیست و چهارمِ نهج البلاغه

به خدا، اگر سرزمین‌های هفتگانه با هرچه زیر آسمان‌هایشان هست به من داده می‌شد تا از خدا نافرمانی کنم و پوست جویی را از مورچه‌ای به‌زور بگیرم، انجام نمی‌دادم؛ و بی‌گمان دنیایان نزد من از برگی در دهان ملخی که آن را می‌جود، پست‌تر است. علی را چه کار با نعمتی که نابود می‌شود و لذتی که نمی‌ماند؟! از به خواب رفتنِ خرد و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

۱- إِعْرَابُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ.

نَمَلَةٍ: جُلْبٌ:

الْعَقْلِ: جَرَادَةٍ:

۲- نَوْعَ فِعْلٍ «فَعَلْتُ» وَ صِيغَتُهُ:

۳- نَوْعَ فِعْلٍ «تَقْضُمُ» وَ صِيغَتُهُ:

۴- جَمْعَيْنِ لِلتَّكْسِيرِ فِي النَّصِّ:

۵- أَلْفِعْلُ الْمَجْهُولِ فِي النَّصِّ:

۶- عَدَدَ الْأَفْعَالِ فِي النَّصِّ:

۱- سَلَبٌ: أَخَذَ مِنْهُ قَهْرًا ۲- الْجُلْبُ: قِشْرُ النَّبَاتِ وَ حَشَبُهُ ۳- الشَّعِيرَةُ: حَبَّةُ نَبَاتٍ

۴- الْأَهْوَنُ: الْأَخْفَرُ ۵- الْجَرَادُ: حَشَرَةٌ مُضِرَّةٌ تَأْكُلُ الْمَحَاصِلَ الزَّرَاعِيَّةَ وَ النَّبَاتَاتِ

۶- قَضَمَ: كَسَرَ بِأَطْرَافِ أَسْنَانِهِ ۷- النَّعِيمُ: أَلْمَالُ، الْجَنَّةُ ۸- السُّبَاتُ: النَّوْمُ الْخَفِيفُ

۹- اسْتَعَانَ: طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

لِلتَّنَدِكَارِ: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.
(هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ... ؟)

١- ... الْمُغُولَ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجُمُوا عَلَى الصِّينِ عَلَى رَعْمٍ بِنَاءِ سَوْرٍ عَظِيمٍ حَوْلَهَا؟
(الْفَاعِلُ وَالْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٢- ... تَلَفُّظَ «ك» وَ «ج» وَ «ز» مَوْجُودٌ فِي اللَّهْجَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الدَّارِجَةِ كَثِيرًا؟
(الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ + الصِّفَةُ)

٣- ... الْحَوْتَ يُصَادُ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ؟
(الْمُضَافُ إِلَيْهِ + مَجْرُورًا بِحَرْفِ الْجَرِّ)

٤- ... الْخُفَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ؟
(الاسْمُ الْمَوْصُولُ وَصِلَتُهُ)



٣- مَوَادُّ التَّجْمِيلِ: مَوَادُّ آرَائِشِي

٢- الدَّارِجَةُ: عَامِيَانِه

١- السَّوْرُ: دِيوَار

٤- الطَّيْرَانُ: پَرَوَز، پَرَوَز كَرْدَن

٥- ... عَدَدَ النَّمْلِ فِي الْعَالَمِ يَفُوقُ عَدَدَ الْبَشَرِ بِمِلْيُونِ مَرَّةٍ تَقْرِيبًا؟

(الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَ الْمَفْعُولُ)

٦- ... طيسفون الواقعة قُرْبَ بَغْدَادِ كَانَتْ عَاصِمَةً السَّاسَانِيِّينَ؟

(اسْمُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ حَبْرُهُ + حَبَرَ أَنَّ)

٧- ... دُبُّ الْبَانْدَا^٢ عِنْدَ الْوِلَادَةِ أَصْغَرُ حَجْمًا مِنَ الْفَارِ؟

(اسْمُ التَّفْضِيلِ + الْمَصْدَرُ)

٨- ... الزَّرَّافَةُ بِكَمَاءٍ لَيْسَتْ لَهَا أَحْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ^٣؟

(اسْمُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ حَبْرُهُ + جَمْعَ التَّكْسِيرِ وَ مُفْرَدُهُ)

٩- ... وَرَقَّةَ الزَّيْتُونِ رَمَزُ^٤ السَّلَامِ؟

(اسْمُ أَنَّ وَ حَبَرَهَا)



١- الْعَاصِمَةُ: بِاِبْتِخَاتٍ «جَمْعُ: الْأَعْوَامِ»

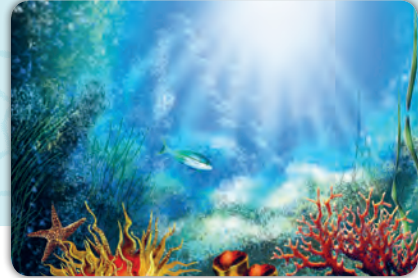
٢- دُبُّ الْبَانْدَا: خَرَسٌ بِانْدَا

٣- الْأَحْبَالُ الصَّوْتِيَّةُ: تَارِهَائِي صَوْتِي «الْأَحْبَالُ: جَمْعُ / الْحَبْلِ: مُفْرَدٌ»

٤- الرَّمْزُ: نَمَادٌ، سَمْبَلٌ «جَمْعُ: الرُّمُوزُ»

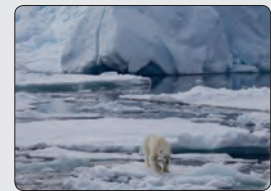
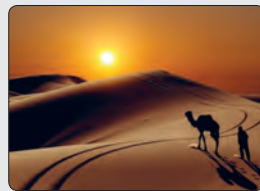
الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ عَجَائِبِ الْبَحْرِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنَتِ؛ ثُمَّ تَرَجِّمْهَا مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ
عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ، وَضَعْهَا فِي مَدُونَتِكَ أَوْ فِي مَدُونَةِ مَدْرَسَتِكَ، أَوْ فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ.



ع

الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ...﴾

لُقمان: ١١

این آفرینش خداست. پس به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند،
چه آفریده‌اند؟

تَوَازُنُ الطَّبِيعَةِ جَمِيلٌ. خَلَقَ اللَّهُ لَهَا نِظَامًا يَحْكُمُ جَمِيعَ الْمَوْجُودَاتِ مِنْ نَبَاتٍ وَحَيَوَانٍ وَكَائِنَاتٍ أُخْرَى يَعِيشُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ^١؛ فَيَتَحَقَّقُ التَّوَازُنُ وَالِاسْتِقْرَارُ فِيهَا. وَ أَيْ خَلَلٍ فِي نِظَامِهَا يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيْبِهَا وَ مَوْتِ مَنْ فِيهَا.



وَمِنْ مُهَدِّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ:

■ «تَلَوُّثُ الْهَوَاءِ الَّذِي يُسَبِّبُ أَمْطَارًا حَمَضِيَّةً.»

■ وَ «الْإِكْتِنَارُ فِي اسْتِخْدَامِ الْمُبِيدَاتِ الزَّرَاعِيَّةِ وَالْأَسْمَدَةِ الْكِيمَاوِيَّةِ.»

■ وَ «إِيجَادُ النُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ وَالْمَنْزِلِيَّةِ.»

فَيَتِمُّ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ وَ بَيْتَتِهَا وَلَكِنْ مَا أَظْلَمَ الْإِنْسَانَ لِلطَّبِيعَةِ فِي نَشَاطَاتِهِ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى اخْتِلَالِ هَذَا التَّوَازُنِ!

١- يَعِيشُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ: هَمْدِيْغَر رَا مِي خَوْرَنْد.



وَالآنَ لِنَقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ قِرَاءَةً دَقِيقَةً لِكَيْ نَطْلُعَ عَلَى أَفْعَالِ الْإِنْسَانِ الْمُخَرَّبَةِ لِلْبَيْئَةِ:
يُحْكِي أَنَّ مُزَارِعاً كَانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ كَبِيرَةٌ فِيهَا خَضِرَاوَاتٌ وَ أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. وَ كَانَ
يُرَبِّي فِي مَزْرَعَتِهِ أَنْوَاعَ الطُّيُورِ، ذَاتَ يَوْمٍ لَاحَظَ الْمُزَارِعُ أَنَّ عَدَدَ أَفْرَاحِ الطُّيُورِ
يَنْقُصُ تَدْرِيجِيًّا. بَدَأَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ فِي سَبَبِ ذَلِكَ وَ يُرَاقِبُ الْمَزْرَعَةَ لَيْلاً وَ نَهَاراً؛
فَلَاحَظَ أَنَّ عَدَدًا مِنَ الْبُومَاتِ تَسْكُنُ قُرْبَ الْمَزْرَعَةِ، فَتَهْجُمُ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ تَأْكُلُهَا.
فَقَرَّرَ الْمُزَارِعُ التَّخَلُّصَ مِنْهَا، وَ هَكَذَا فَعَلَ.



وَبَعْدَ شُهُورٍ شَاهَدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْخَضِرَاوَاتِ بِالْمَزْرَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلَفِ؛ وَ لَمَّا رَاقَبَ الْأَمْرَ مُرَاقَبَةً شَدِيدَةً، لَاحَظَ أَنَّ مَجْمُوعَةً كَبِيرَةً مِنْ فِئْرَانِ الْحَقْلِ تَهْجُمُ عَلَى الْخَضِرَاوَاتِ وَ تَأْكُلُهَا.

أَخَذَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ: «لِمَاذَا أَزْدَادَ عَدَدُ فِئْرَانِ الْحَقْلِ أَزْدِياداً كَبِيراً»؟!

فَذَهَبَ إِلَى حَبِيرِ الزَّرَاعَةِ وَ اسْتَشَارَهُ. فَقَالَ لَهُ الْخَبِيرُ:

«كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ، وَ هُنَاكَ بُمَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي مِنتَقَتِكُمْ»؟!

قَالَ لَهُ الْمُزَارِعُ: «إِنِّي تَخَلَّصْتُ مِنَ الْبُمَاتِ بِقَتْلِ الْكَثِيرِ مِنْهَا».

قَالَ الْخَبِيرُ: «يَا لَهُ مِنْ عَمَلٍ مُخَرَّبٍ لِلطَّبِيعَةِ! إِنَّكَ تَعْدَيْتَ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ

تَعْدِي الظَّالِمِينَ، فَالْبُمَاتُ كَانَتْ تَتَعَدَّى عَلَى فِئْرَانِ الْحَقْلِ إِضَافَةً إِلَى الْأَفْرَاحِ.

وَبَعْدَ التَّخَلُّصِ مِنْ أَكْثَرِ الْبُمَاتِ أَزْدَادَ عَدَدُ فِئْرَانِ الْحَقْلِ. كَانَ الْوَاجِبُ عَلَيْكَ

تَصْحِيحَ هَذَا الْخَطَأِ بِالْحِفَاطِ عَلَى طُيُورِكَ لَا بِقَتْلِ الْبُمَاتِ؛ فَإِنْ اسْتَمَرَّتِ الْحَالَةُ

هَكَذَا، فَسَتُشَاهِدُ مَشَاكِلَ جَدِيدَةً فِي الْبَيْئَةِ الَّتِي تَعِيشُ فِيهَا مُشَاهَدَةً مُؤَلِمَةً».

وَ هَكَذَا قَرَّرَ الْمُزَارِعُ الْحِفَاطَ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ السَّمَاحِ لِلْبُمَاتِ

بِدُخُولِ مَزْرَعَتِهِ. فَازْدَادَ عَدَدُهَا مَرَّةً أُخْرَى، وَ أَكَلَتْ فِئْرَانِ الْحَقْلِ،

وَ عَادَتِ الْبَيْئَةُ إِلَى حَالَتِهَا الطَّبِيعِيَّةِ.



أروني : نشانم دهید

«أروا + نون وقاية + ي»

الاستقرار : آرامش و ثبات

الأسمدة : کودها «مفرد: السماد»

إطلع : آگاهی یافت

«مضارع: يطلع»

الأفراخ : جوجه‌ها

«مفرد: الفرخ» = الأفراخ

الإكثار : بسیار گردانیدن ،

زیاده‌روی

البيئة : محیط زیست

تحقق : تحقق یافت

تعدى : دست‌درازی کرد

(مضارع: يتعدى)

تعرض : در معرض قرار گرفت

تعدى : تغذیه کرد

(مضارع: يتعدى)

التلوث : آلودگی

الحقل : کشتزار «جمع: الحقول»

الحمضية : اسیدی

الخبير : کارشناس «جمع: الخبراء»

الخضراوات : سبزیجات

راقب : مراقبت کرد

ربى : پرورش داد (مضارع: يربى)

السماح : اجازه دادن به (سمح -)

الفئران : موش‌ها

«واحد آن: الفأرة»

قرر : تصمیم گرفت

الكائنات : موجودات

المزارع : کشاورز = الفلاح

المهدد : تهدید کننده

ما اظلم : چه ستمگر است!

مؤلم : دردآور

هناك : آنجا ، وجود دارد

يا له من عملٍ مخربٍ! : چه کار

ویرانگری!



حَوْلَ النَّصِّ

✓ x

أ. عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- الرُّوَاطُ الْمُتَدَاخِلَةُ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ وَ بَيْتِهَا تُؤَدِّي إِلَى اخْتِلَالِ التَّوَازُنِ فِي الطَّبِيعَةِ.
- ٢- كَانَ الْفَلَّاحُ يَمْلِكُ مَزْرَعَةً فِي شَمَالِ إِيْرَانٍ يَزْرَعُ فِيهَا الرُّزَّ.
- ٣- ظَنَّ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْبُومَاتِ هِيَ الَّتِي تَأْكُلُ أَفْرَاخَ الطُّيُورِ.
- ٤- الْزَارِعُ لَمْ يَسْمَحْ لِلثَّعَالِبِ بِالْدُّخُولِ إِلَى مَزْرَعَتِهِ.
- ٥- كَانَ الْمُزَارِعُ يُرَبِّي الطُّيُورَ وَ الْبُومَاتِ فِي مَزْرَعَتِهِ.
- ٦- فِي النِّهَايَةِ حَافِظُ الْمُزَارِعِ عَلَى الطُّيُورِ وَ أَفْرَاخِهَا.
- ٧- تُعَدُّ النُّفَايَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ تَهْدِيداً لِنِظَامِ الطَّبِيعَةِ.

ب. اِنتَخِبِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْفَرَاغِ.

- ١- بَعْدَ (سِنِينَ □ شُهُور □) شَاهَدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْخَضِرَاتِ بِالْمَزْرَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلَفِ.
- ٢- كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنْ (الثَّعَالِبِ □ الْفِئْرَانِ □) تَهْجُمُ عَلَى الْخَضِرَاتِ وَ تَأْكُلُهَا.
- ٣- عَيْشُ الْحَيَوَانَاتِ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ يُحَقِّقُ إِيجَادَ (النُّفَايَةِ □ التَّوَازُنِ □) فِي الطَّبِيعَةِ.
- ٤- أَيُّ خَلَلٍ فِي نِظَامِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيْبِهَا وَ (مَوْتِ □ حَيَاةِ □) مَنْ فِيهَا.
- ٥- إِيجَادُ النُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ وَ الْمَنْزِلِيَّةِ (يُهْدَدُ □ لَا يُهْدَدُ □) نِظَامَ الطَّبِيعَةِ.
- ٦- تَدَخُّلُ الْإِنْسَانِ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى (تَنْظِيمِ □ اخْتِلَالِ □) تَوَازُنِهَا.
- ٧- هَدَدَ الْمُزَارِعُ الطَّبِيعَةَ فِي مَزْرَعَتِهِ بِـ (حِفْظِ □ قَتْلِ □) بُومَاتِهَا.

١٤ عِلْمُ النَّحْوِ الْجَلْسَةُ الرَّابِعَةُ عَشْرَةَ

ما هِيَ مَرْتَبَةُ الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ؟

الأَصْلُ فِي الْمُبْتَدَأِ التَّقْدِيمُ؛ لِأَنَّهُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ، وَ فِي الْخَبَرِ التَّأْخِيرُ؛ لِأَنَّهُ حُكْمٌ عَلَى الْمُبْتَدَأِ؛ نَحْوُ:

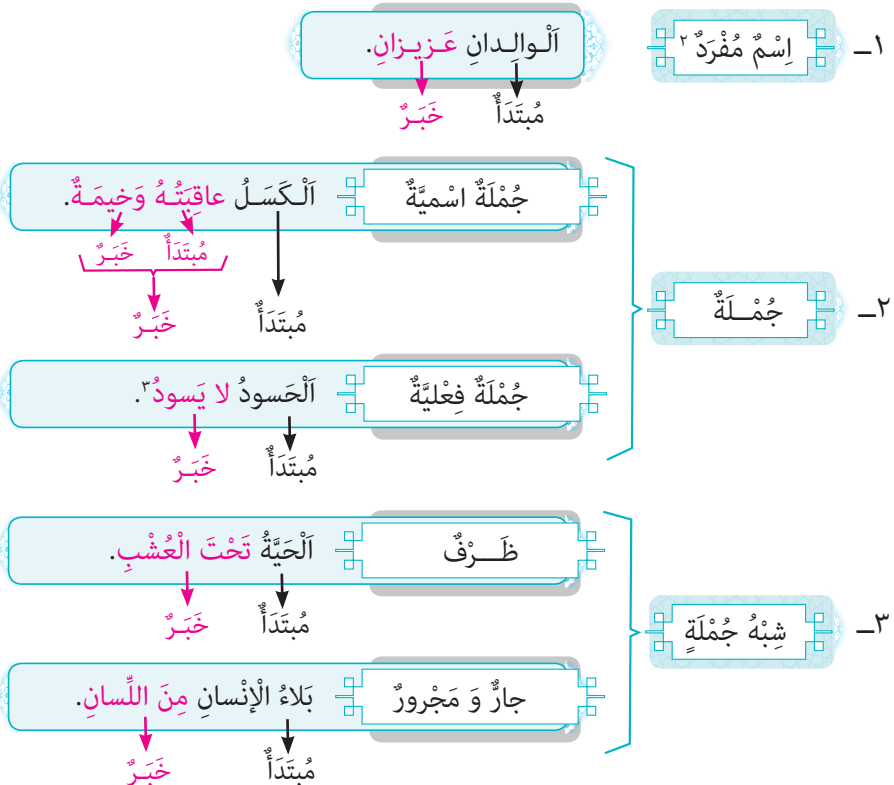
الْعِلْمُ مُفِيدٌ. الشَّجَرَةُ مُثْمِرَةٌ.

وَ يَجُوزُ تَقْدِيمُ الْخَبَرِ عَلَى الْمُبْتَدَأِ؛ نَحْوُ:

﴿... لِلَّهِ الْحَمْدُ ...﴾ الْجَائِثَةُ: ٣٦ وَ ﴿... لَهُ الْكِبْرِيَاءُ ...﴾ الْجَائِثَةُ: ٣٧

أَنْوَاعُ الْخَبَرِ

كَمْ هِيَ أَنْوَاعُ الْخَبَرِ؟ أَنْوَاعُ الْخَبَرِ ثَلَاثَةٌ:



١- مَحْكُومٌ عَلَيْهِ: حَكْمِي بِرِ او صَادِرٌ شَدِيدٌ اسْت. ٢- لَيْسَ الْمَقْصُودُ مِنَ الْإِسْمِ الْمَفْرَدِ مُقَابِلُ الْمُتَنَّى وَ الْجَمْعِ؛ بَلْ مُقَابِلُ الْجُمْلَةِ.

٣- لَا يَسُودُ: بِهِ بَزْرُغِي نَمِي رَسَد (سَادَ، يَسُودُ، سِيَادَةً)

الظَرْفُ اسْمٌ يَدُلُّ عَلَى مَكَانٍ أَوْ زَمَانٍ.

بَعْضُ ظُرُوفِ الْمَكَانِ الَّتِي تَقَعُ خَبَرًا ﴿ كَدَى ، هُنَا ، أَيْنَ ، تَحْتَ ، فَوْقَ ، جَنْبَ ، بَيْنَ ،

أَمَامَ ، خَلْفَ ، وَرَاءَ وَ ...

بَعْضُ ظُرُوفِ الزَّمَانِ الَّتِي تَقَعُ خَبَرًا ﴿ أَمْسَ ، مَتَى

الْتَّمَرِينَ الْأَوَّلُ:

■ مَيِّزْ نَوْعَ الْخَبَرِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ.

١- سِيرَةُ الْمَرْءِ تُنَبِّئُ عَنْ سَرِيرَتِهِ.

٢- رَأْسُ الْبَطَّالِ دُكَّانُ الشَّيْطَانِ.

٣- جُودَةُ الْكَلَامِ فِي الْإِخْتِصَارِ.

٤- كُلُّ طَيْرٍ يَأْوِي إِلَى جِنْسِهِ.

٥- لَيْنُ الْكَلَامِ قَيْدُ الْقُلُوبِ.

٦- الظُّلْمُ مَرْتَعُهُ وَخِيمٌ.

أَنْبَأَ: خَبَرَ دَادَ السَّرِيرَةَ: رَازَ بَنَاهُ الْبَطَّالُ: بَيَّكَارَ الْجُودَةِ: نَكْوِي أَوَى -: جَاىَ گَرَفَتِ، پَنَاهَ گَرَفَتِ الْمَرْتَعُ: چَرَاكَاهَ

فِي كَمْ مَوْضِعٍ يَجِبُ تَقْدِيمُ الْخَبَرِ عَلَى الْمُبْتَدَأِ؟

يَجِبُ تَقْدِيمُ الْخَبَرِ عَلَى الْمُبْتَدَأِ فِي مَوَاضِعَ: أَهْمُهَا:

١- إِذَا كَانَ الْخَبَرُ شَبَهَ جُمْلَةٍ (أَيُّ ظَرْفًا أَوْ جَارًا وَ مَجْرُورًا) وَ الْمُبْتَدَأُ نَكْرَةً: نَحْوُ:

«عِنْدِي حَقِيقَةٌ.» وَ «لِحَمِيدٍ حَقِيقَةٌ.»

٢- إِذَا كَانَ الْخَبَرُ اسْمَ اسْتِفْهَامٍ: نَحْوُ:

«أَيْنَ مَرْكَزُ الشُّرْطَةِ؟» وَ «كَيْفَ حَالُكَ؟» وَ «مَنْ أَنْتَ؟»



يَجِبُ تَقْدِيمُ الْمُبْتَدَأِ عَلَى الْخَبَرِ فِي مَوَاضِعَ مِنْهَا:
إِذَا كَانَ الْمُبْتَدَأُ مِمَّا لَهُ الصَّدَارَةُ فِي الْكَلَامِ؛ مِثْلُ «مَا» التَّعْجِيبِيَّةِ؛ نَحْوُ:

«مَا أَحْسَنَ الصَّدَقَ»! راستگویی چه نیکوست!

وَ مِثْلُ «كَمْ» الْخَبَرِيَّةِ؛ نَحْوُ: «كَمْ ضَيْفٍ فِي بَيْتِنَا.» چه بسیار مهمان در خانه ماست.

وَ مِثْلُ «أَسْمَاءِ الشَّرْطِ»؛ نَحْوُ: «مَنْ يَكْسَلُ يَخْسِرُ.» هر کس تنبلی کند زیان می بیند.

وَ مِثْلُ «أَسْمَاءِ الْإِسْتِفْهَامِ»؛ نَحْوُ: «مَنْ فِي الْعُرْفَةِ؟» چه کسی در اتاق است؟

التَّمَرِينُ الثَّانِي:

■ بَيِّنْ سَبَبَ تَقْدِيمِ الْخَبَرِ أَوْ الْمُبْتَدَأِ وَجُوبًا.

۱- مَنْ يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ.

۲- فِي الْحَقِيقَةِ كُتِبَ.

۳- مَا أَجْمَلَ الْعَيْنَ!



عَيْنُ رَامِيَانِ بِمُحَافَظَةِ جِلِسْتَانِ

۴- أَمَامَكَ صَيْدَلِيَّةٌ.

۵- أَيُّ كِتَابٍ تَقْرَأُ؟

۶- لِلْمُحْسِنِ ثَوَابٌ.

۷- مَا اسْمُكَ؟

۸- مَنْ أَنْتَ؟

ما هُوَ صَمِيرُ الْفَضْلِ أَوْ الْعِمَادِ؟

- ✓ صَمِيرُ الْفَضْلِ أَوْ الْعِمَادِ هُوَ صَمِيرٌ رَفَعَ مُنْفَصِلٌ يُؤْتَى بِهِ (أورده می شود) بَيْنَ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ الْمَعْرِفَتَيْنِ لَتَمْيِيزِ الْخَبَرِ عَنِ الصِّفَةِ غَالِباً؛ نَحْوُ: «أَخَوْكَ هُوَ الْفَائِزُ». (برادرت همو برنده است).
- ✓ وَ إِذَا حَذَفْنَا مِنْ هَذِهِ الْجُمْلَةِ صَمِيرَ الْفَضْلِ، نَظُنُّ أَنَّ «الْفَائِزَ» صِفَةً لِـ «أَخٍ». (برادر برنده است).
- ✓ يَأْتِي صَمِيرُ الْفَضْلِ لِلتَّأَكِيدِ؛ نَحْوُ: ﴿... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ الْقَصَصُ: ١٦
- ✓ حُكْمُ صَمِيرِ الْفَضْلِ أَنَّ يُطَابِقُ الْمُبْتَدَأَ فِي الْعَدَدِ وَالْجِنْسِ، وَ أَنَّ يَكُونَ بَيْنَ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ الْمَعْرِفَتَيْنِ؛ نَحْوُ: «الْصَّادِقُونَ هُمْ الْفَائِزُونَ».
- ✓ لَيْسَ لِصَمِيرِ الْفَضْلِ مَحَلٌّ مِنَ الْإِعْرَابِ؛ لِأَنَّهُ إِنَّمَا يُؤْتَى بِهِ لِمُجَرَّدِ الْفَضْلِ.

الْتَّمَرِينَ الثَّالِثُ:

■ تَرْجِمِ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ صَمِيرَ الْفَضْلِ فِيهَا.

۱- ﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۵

۲- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۲۹

۳- ﴿وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ﴾ الصَّافَّاتِ: ۱۱۶

۴- الْأَبْطَالُ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ الْحَقَّ أَمَامَ السُّلْطَانِ الْجَائِرِ.

۵- أَلْعَمَلُ الصَّالِحِ هُوَ أَفْضَلُ مَا يُخَلِّفُهُ الْمَرْءُ تَخْلِيداً لِذِكْرِهِ.

النَّوَاسِخُ (كَادَ وَ أَخَوَاتُهَا أَوْ أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ)

ما هي «أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ»؟

✓ أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ تَشْمَلُ أَفْعَالَ الْقُرْبِ وَ الرَّجَاءِ وَ الشُّرُوعِ، وَ هِيَ كَمَا يَلِي:

أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ

أَفْعَالُ الشُّرُوعِ

تَدُلُّ عَلَى شُرُوعِ فِعْلٍ خَبَرِهَا
وَ أَهْمُهَا:
بَدَأَ وَ أَخَذَ: أَغَازَ كَرَدَ

أَفْعَالُ الرَّجَاءِ

تَدُلُّ عَلَى رَجَاءِ وَقُوعِ فِعْلٍ خَبَرِهَا
وَ أَهْمُهَا:
عَسَى: شَايِدَ

أَفْعَالُ الْقُرْبِ

تَدُلُّ عَلَى قُرْبِ وَقُوعِ فِعْلٍ خَبَرِهَا
وَ أَهْمُهَا:
كَادَ وَ أَوْشَكَ: نَزْدِيكَ بُودَ

أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ تَشْمَلُ أَفْعَالَ الْقُرْبِ وَ الرَّجَاءِ وَ الشُّرُوعِ، وَ هِيَ كَمَا يَلِي:

✓ أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ بِأَنْوَاعِهَا الثَّلَاثَةِ تَدْخُلُ عَلَى الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ، فَتَعْمَلُ عَمَلَ «كَانَ» أَيْ تَرْفَعُ الْمُبْتَدَأَ وَ يُسَمَّى اسْمَهَا، وَ تَنْصِبُ الْخَبَرَ وَ يُسَمَّى خَبَرُهَا، وَ لَا يَكُونُ خَبَرُهَا إِلَّا فِعْلًا مُضَارِعًا؛ نَحْوُ:

كَادَ اللَّاعِبُ **يَفُوزُ**.

فِعْلُ الْمُقَارَبَةِ اسْمُ كَادَ جُمْلَةً فِعْلِيَّةً خَبَرُ كَادَ

﴿... عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِالْفَتْحِ...﴾ (المائدة: ٥٢) (اميد است كه خدا گشايش بياورد).

بَدَأَ الْفَلَاحُونَ يَخْصُدُونَ زَرْعَهُمْ. (كشاورزان شروع كردند به درو كشتشان).

★ ✓ قَدْ تَدْخُلُ «أَنْ» النَّاصِبَةُ عَلَى خَبَرِ أَفْعَالِ الْقُرْبِ وَ الرَّجَاءِ، وَ لَا تَدْخُلُ عَلَى خَبَرِ أَفْعَالِ الشُّرُوعِ

أَبَدًا؛ نَحْوُ: ﴿... عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ...﴾ (الأعراف: ١٢٩)

(اميد است پروردگارتان دشمنانتان را هلاك سازد.)

﴿... عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ...﴾ (التوبة: ١٠٢)

(اميد است خدا توبه آنها را بپذيرد.)

«كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(نزديك بود فقر [تبدیل به] كفر شود.) ★

★ ١- لِلْمُطَابَعَةِ: أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ كَثِيرَةٌ، وَ هِيَ: كَرَبَ (نزدیک شد) وَ حَرَى (شاید) وَ إِخْلَوْلَى (نزدیک شد) وَ سَرَعَ (شروع

کرد) وَ أَنْشَأَ (آغاز کرد) وَ طَفِقَ (آغاز کرد). وَ قَدْ ذَكَرَ لَكُمْ أَهْمُهَا. ★

★ ✓ أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ كُلُّهَا أَفْعَالٌ مَاضِيَةٌ جَامِدَةٌ، إِلَّا «كَادَ» وَ «أَوْشَكَ» فَيَأْتِي مِنْهُمَا الْمُضَارِعُ؛

نَحْوُ: ﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٠ (نزدیک است برق، چشمانشان را برباید).

✓ وَ «يُوشِكُ اللَّاعِبُ أَنْ يَفُوزَ فِي الْمُبَارَاةِ». (نزدیک است که بازیکن در مسابقه پیروز شود). ★

✓ قَدْ تَأْتِي بَعْضُ أَفْعَالِ الشُّرُوعِ (بَدَأَ وَ أَخَذَ) تَامَّةً لَا تَحْتَاجُ إِلَى اسْمٍ وَ خَبَرٍ؛ نَحْوُ:

أَخَذَ الرَّجُلُ يَضْحَكُ. (آن مرد شروع به خندیدن کرد). أَخَذَ الرَّجُلُ جَائِزَةً. (آن مرد جایزه‌ای گرفت).

فَعْلٌ تَامٌ

فَعْلُ الشُّرُوعِ

✓ يُقَالُ لِمَجْمُوعِ هَذِهِ الْأَفْعَالِ «أَفْعَالُ الْمُقَارَبَةِ» مِنْ بَابِ تَسْمِيَةِ (نامیدن) الْكُلِّ بِاسْمِ الْجُزْءِ.

الْتَّمَرِينَ الرَّابِعُ:

■ تَرْجِمَ مَا يَلِي؛ ثُمَّ عَيَّنَ اسْمَ أَفْعَالِ الْمُقَارَبَةِ وَ خَبَرَهَا.

۱- ﴿... إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعَفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي...﴾ الْأَعْرَافُ: ١٥٠

۲- ﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم...﴾ الْإِسْرَاءُ: ٨

۳- أَخَذْتُ اعْتَذِرُ إِلَى صَدِيقِي مِنْ عَمَلِي.

۴- أَوْشَكَ الْإِعْصَارُ أَنْ يُهْدِمَ بُيُوتَ النَّاسِ.

۵- أَلَوْلَدُ كَادَ يَهْرُبُ مِنْ شِدَّةِ الْخَوْفِ.

۶- كَادَ الطُّفْلُ يَبْكِي مِنْ تَأَخُّرِ الطَّعَامِ.

۷- بَدَأَ الْجَوُّ يَبْرُدُ فِي مَدِينَتِنَا كَثِيرًا. بَرَدٌ: سرد شد

لِلْتَمَارِينِ الْأَوَّلِ: لِلتَّذْكَارِ

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحِطِّ.
 {الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ يَشْتَغِلُونَ فِي الْمَصْنَعِ} {نَجَحَتِ الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ}

| | | |
|----|------------------|---|
| ١- | الْعَمَالُ | أ. اِسْمٌ مُشْتَقٌّ، جَمْعُ تَكْسِيرٍ، اِسْمٌ فَاعِلٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ، مُعَرَّبٌ، مُنْصَرَفٌ مُبْتَدَأٌ ب. اِسْمٌ مُبَالَغَةٌ، جَمْعُ مَكْسَرٍ وَ مُفْرَدُهُ «الْعَامِلُ»، مَعْرِفَةٌ، مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ فاعِلٌ |
| ٢- | الْمُجْتَهِدُونَ | أ. اِسْمٌ فاعِلٌ، جَمْعُ مُذَكَّرٍ سَالِمٍ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ، مُعَرَّبٌ، مُنْصَرَفٌ ب. اِسْمٌ مُشْتَقٌّ (اِسْمٌ مَفْعُولٌ)، مُنْتَى، مُذَكَّرٌ، نَكْرَةٌ، مَبْنِيٌّ مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ بِ «و» فِي «وَن» |
| ٣- | يَشْتَغِلُونَ | أ. فِعْلٌ، جَمْعُ مُذَكَّرٍ غَائِبٍ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ اِفْتِعَالٍ، مَعْلُومٌ، خَبَرٌ (جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ) لَازِمٌ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ب. فِعْلٌ مُضَارِعٌ مَرْفُوعٌ، جَمْعُ مُذَكَّرٍ مُخَاطَبٍ، مَجْهُولٌ، خَبَرٌ (شِبْهُ جُمْلَةٍ) ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُتَعَدٍّ، مُعْتَلٌّ |
| ٤- | الْمَصْنَعِ | أ. اِسْمٌ مُشْتَقٌّ، مُفْرَدٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ ب. اِسْمٌ مَكَانٍ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ، مُعَرَّبٌ، مُنْصَرَفٌ مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْمَصْنَعِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) |
| ٥- | نَجَحَتِ | أ. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ اِفْعَالٍ، فِعْلٌ وَ فاعِلُهُ ضَمِيرٌ هِيَ الْمُسْتَتِرُ مَجْهُولٌ ب. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مَعْلُومٌ، لَازِمٌ، فِعْلٌ وَ فاعِلُهُ اِسْمٌ ظَاهِرٌ صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ |
| ٦- | الطَّالِبَاتُ | أ. اِسْمٌ جَامِدٌ، مُصَدَّرٌ، جَمْعُ مُذَكَّرٍ سَالِمٍ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ فاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا ب. اِسْمٌ فاعِلٌ، جَمْعُ مُؤَنَّثٍ سَالِمٍ، مَعْرِفَةٌ، مُنْصَرَفٌ فاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ (اِسْمٌ ظَاهِرٌ) |
| ٧- | فِي | أ. حَرْفُ الْجَرِّ، غَيْرُ عَامِلٍ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ ب. حَرْفٌ، عَامِلٌ جَرٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ |
| ٨- | الْإِمْتِحَانِ | أ. مَصَدَّرٌ مِنْ بَابِ اِفْتِعَالٍ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْإِمْتِحَانِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) ب. اِسْمٌ تَفْضِيلٍ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ بِالْعِلْمِيَّةِ صِفَةٌ وَ مَجْرُورَةٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا |

لِلتَّذَكَارِ، إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحُمْرَاءِ؛ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

الْخُطْبَةُ الْمِئَةُ وَالتَّاسِعَةُ وَالتَّسْعُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

✓ **تَعَاهَدُوا** أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَحَافِظُوا عَلَيْهَا، وَاسْتَكْثِرُوا مِنْهَا، وَتَقَرَّبُوا بِهَا، فَإِنَّهَا

﴿...كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ النساء: ١٠٣

خطبه صد و نود و نهم نهج البلاغه

به دستور نماز پایبند باشید و آن را پاس دارید و بسیار به جای آورید و با آن [به خدای] نزدیکی جوید؛

زیرا نماز بر مؤمنان، واجبی وقت دار است.

أَعْرِبْ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ: أَمْرٌ الصَّلَاةِ الْمُؤْمِنِينَ



✓ أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا؟

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ الممتد: ٤٢ و ٤٣

آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرا نمی دهید، آنگاه که پرسیده شدند؟

چه چیز شما را داخل دوزخ کرد؟ گفتند: ما از نمازگزاران نبودیم. ...

اَكْتُبْ نَوْعَ هَذِهِ الْأَفْعَالِ وَصَيِّغَتَهَا:

تَسْمَعُونَ: سُئِلُوا: سَلَكَ:

✓ وَشَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْحَمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ

فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ. فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ؟!

فرستاده خدا ﷺ نماز را به چشمه آبگرم کنار در [سرای] آن کس همانند کرده است

که او هر روز و شب پنج بار تنش را در آن می شوید. پس چه چرکی ممکن است بر [تن] او بماند؟!

أَعْرِبْ هَاتَيْنِ الْكَلِمَتَيْنِ: رَسُولٌ الْحَمَةُ

عَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مُتَضَادَّتَيْنِ: عَيْنَ بَابِ «يَغْتَسِلُ»

أَلَا زِمَ فِعْلُ «يَبْقَى» أَمْ مُتَعَدٌّ؟

✓ وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رِجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ وَلَا فُرَّةٌ عَيْنٍ مِنْ وَلَدٍ وَلَا مَالٍ.

حقّ نماز را افراد مؤمنی شناخته‌اند

که آنان را نه زیور کالایی و نه نور چشمی از فرزندی و نه دارایی‌ای، از نماز به کار دیگر مشغول نمی‌دارد.

أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

حَقٌّ: رِجَالٌ: زِينَةُ: مَتَاعٍ: وَلَدٍ:

✓ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ:

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ...﴾ [النور: ۳۷]

خدا که او را پاک می‌دانم، می‌فرماید:

«[ایشان] کسانی‌اند که نه داد و ستدی و نه خرید و فروشی، آنان را از یاد خدا و نماز گزاردن و

دادن زکات باز نمی‌دارد».

عَيْنِ الْجَارِ وَالْمَجْرُورِ فِي الْآيَةِ السَّابِقَةِ:

لَمْ نَكُنْ: مَا كُنَّا (نَمْ نَكُنْ)

الْدَّرَن: الْأَوْسَخ (چرک)

قُرَّةُ عَيْنٍ: نُور عَيْنٍ

الْإِيتَاء: الْإِعْطَاء

سَلَكَ: أَدْخَلَ

إِغْتَسَلَ: غَسَلَ بَدَنَهُ

الْمَتَاع: الْبِضَاعَةُ «جمع: الْأَمْتِعة»

الْإِقَام: الْإِقَامَةُ

تَعَاهَدَ: اِلْتَزَمَ عَهْدًا

الْحَمَّة: عَيْنٌ حَارَّةٌ

شَغَلَهُ: جَعَلَهُ مَشْغُولًا

أَلْهَى عَنْ: مَنَعَ عَنْ (از ... باز داشت)

التَّحَرُّمُ الثَّالِثُ: لِلتَّذْكَارِ

عَيَّنَ أَنْوَاعَ الْمُشْتَقَّاتِ «اسْمُ الْفَاعِلِ، وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمُ الْمُبَالِغَةِ، وَ اسْمُ الْمَكَانِ وَ الزَّمَانِ، وَ الصِّفَةِ الْمُشَبَّهَةِ وَ اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْآلَةِ» فِي هَذِهِ الْآيَاتِ؛ ثُمَّ عَيَّنَ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحَمْرَاءِ.

۱- ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...﴾ [الإِسْرَاءُ: ۱]

پاک است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.

۲- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ [النَّحْلُ: ۱۲۵]

و با آنان به آنچه [به شیوه‌ای] که نکوتر است بحث کن. قطعاً پروردگارت به [حال] کسی که راهش را گم کرده داناتر است.

۳- ﴿... يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ [آلِ عِمْرَانَ: ۱۶۷]

با دهان‌هایشان (زبان‌هایشان) چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناتر است.

۴- ﴿وَ مَا أُبْرِيْ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...﴾ [يُوسُفُ: ۵۳]

و نفسم را بی‌گناه نمی‌شمارم؛ زیرا نفس، بسیار دستور دهنده به بدی است؛ مگر اینکه پروردگارم رحم کند.

۵- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ [الْمُؤْمِنُونَ: ۱ و ۲]

به راستی که مؤمنان رستگار شده‌اند؛ همانان که در نمازشان فروتن‌اند.

۶- ﴿... قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ [الْمَائِدَةُ: ۱۰۹]

گفتند: هیچ دانشی نداریم؛ قطعاً تو بسیار دانای نهایان هستی.

۷- ﴿... وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البَقَرَةُ: ۱۹۵]

و نیکی کنید؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

۸- ﴿وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ...﴾ [الْمُلْكُ: ۵] الدُّنْيَا: نزدیک تر ← دُنَا: نزدیک شد

و قطعاً آسمان نزدیک‌تر را با چراغ‌هایی بیاراستیم.

۹- ﴿وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا...﴾ [الْأَنْبِيَاءُ: ۳۲]

و آسمان را سقفی نگه‌داشته شده قرار دادیم.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِبْحَثْ عَنْ مَقَالَةٍ مُخْتَصَرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ الْآثَارِ الدِّيْنِيَّةِ فِي بِلَادِ اِيْرَانِ اَوْ الْحِجَازِ اَوْ
الْعِرَاقِ اَوْ الشَّامِ، وَ تَرْجِمْ سَطْرَيْنِ مِنْهَا.





۵

الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾

الْحَجَّ: ٣٩

اجازه [جنگ] داده شده به کسانی که [با آنان] پیکار می‌شود؛ زیرا به ایشان

ستم شده و بی‌گمان خدا بر یاری آنها تواناست.



الابن: يَا أَبِي، أَيْمُنُ أَنْ تَتَكَلَّمَ عَنِ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ؟

الأب: حَسَنًا، مِنْ أَيْنَ أَبَدُ؟

الابن: لِمَاذَا ابْتَدَأْتَ الْحَرْبَ؟

الأب: الْحَرْبُ اشْتَعَلَتْ بَعْدَ سَنَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ انْتِصَارِ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ، هَجَمَ الْجَيْشُ
الْبَعْثِيُّ عَلَى إِيْرَانِ هُجُومًا وَاسِعًا، وَ قَتَلُوا النَّاسَ الْأَبْرِيَاءَ الْعُزْلَ. كَانُوا يَطْنُونَ أَنَّ إِيْرَانَ
تَسْتَسْلِمُ خِلَالَ الْأَيَّامِ الْأُولَى مِنَ الْحَرْبِ لِعَدَمِ وُجُودِ جَيْشٍ أَمَامَهُمْ. فَقَدْ احْتَلَّوْا
عَشْرَاتِ الْمُدُنِ وَالْقُرَى؛ وَ دَمَّرُوا آلَافَ الْبُيُوتِ تَدْمِيرًا، وَ شَرَّدُوا أَهْلَهَا مِنْ مَنَازِلِهِمْ.
الابن: بَعْدَ ذَلِكَ مَاذَا حَدَثَ؟



الْأَبُ: **انْطَلَقَ الْمُقَاتِلُونَ** الْإِيرَانِيِّونَ نَحْوَ سَاحَتِ الْقِتَالِ انْطِلَاقًا سَرِيعًا.

الْإِبْنُ: وَ كَيْفَ كَانَ دَوْرُ الْمُقَاتِلِينَ آنَذَاكَ؟

الْأَبُ: سَاحَاتُ الْقِتَالِ لَا تَنْسَى **بُطُولَاتِ** هَؤُلَاءِ **الْأَبْطَالِ الشُّجْعَانِ**.

كَانُوا يُهَاجِمُونَ الْعَدُوَّ مُهَاجِمَةً **الْأَسْوَدَ**.

الْإِبْنُ: رَجَاءً، اِشْرَحْ لِي شَرْحًا كَامِلًا مَاذَا فَعَلَ الْمُشَرَّدُونَ؟!

الْأَبُ: **رَحَلُوا** إِلَى الْمَنَاطِقِ الْأَمْنَةِ، وَلَكِنْ بَقِيَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَطِيعُ الْقِتَالَ لِيُدَافِعَ عَنِ الْوَطَنِ.

وَمِنْ هَؤُلَاءِ السَّيِّدَةُ «فَرَنْكيس حيدر بور» الْمَرْأَةُ الشُّجَاعَةُ الَّتِي **قَاتَلَتْ** الْأَعْدَاءَ مُقَاتَلَةً عَاجِبَةً. فَقَدْ أَلَفَتْ إِحْدَى الْكَاتِبَاتِ كِتَابًا عَنْ حَيَاتِهَا.



الْإِبْنُ: كَيْفَ قَاتَلَتْ جُنُودَ الْعَدُوِّ؟

الْأَبُ: عِنْدَمَا هَرَبَ النَّاسُ الْعَزْلُ مِنْ إِحْدَى الْقُرَى قُرْبَ «كِلَانْغَرَب» إِلَى مَنَاطِقِ أَمْنَةٍ حَوْلَ الْقَرْيَةِ رَجَعَتْ هَذِهِ السَّيِّدَةُ لِيَلَا مَعَ أَبِيهَا وَأَخِيهَا لِإِعْدَادِ الطَّعَامِ. وَ فِي الطَّرِيقِ وَاجَهُوا الْأَعْدَاءَ وَ قَاتَلُوهُمْ؛ إِنَّهَا بَقِيَتْ **صَامِدَةً** فِي الْمَعْرَكَةِ، وَ هَاجَمَتْ جُنْدِيَيْنِ مِنَ الْعَدُوِّ **عَلَى حِينَ غَفْلَةٍ**، فَقَتَلَتْ أَحَدَهُمَا بِفَأْسِ أَبِيهَا، وَ أَسْرَتِ الْآخَرَ،

وَسَلَّمْتُهُ إِلَى مَقَرِّ الْقُوَاتِ الْإِيرَانِيَّةِ.

الْإِبْنُ: **مَا أَشْجَعَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ! يَا لَهَا مِنْ** امْرَأَةٍ بَطَلَةٍ! وَالْآنَ قُلْ لِي مَا هُوَ سَبَبُ الْحَرْبِ بَيْنَ إِيرَانَ وَالْعِرَاقِ، وَشَعْبَاهُمَا جَارَانِ صَدِيقَانِ وَبَيْنَهُمَا **عَلَقَاتٌ** ثَقَافِيَّةٌ مُنْذُ قَدِيمِ الزَّمَانِ؟!

الْأَبُ: كَانَ النِّظَامُ الْبُعْثِيُّ قَدْ **طَمَعَ** فِي اخْتِلَالِ قِسْمٍ مِنَ الْأَرْضِ الْإِيرَانِيَّةِ، فَاسْتَفَادَ مِنَ الْأَوْضَاعِ الْحَرِجَةِ الَّتِي **خَلَفْنَاهَا** الثَّوْرَةُ. الْإِبْنُ: وَكَيْفَ انْتَهَتْ الْحَرْبُ؟

الْأَبُ: اِنْسَحَبَ الْعَدُوُّ فِي النِّهَايَةِ **خَاسِرًا**. نَحْنُ قَدَّمْنَا شَبَابًا **أَعَزَّاءَ** فِي الْحَرْبِ، حَتَّى اسْتَطَعْنَا أَنْ **نَهْزِمَ** الْعَدُوَّ. وَمُقَاوَمَتُنَا فِي هَذِهِ الْحَرْبِ **أَثَبَتْ** لِلْعَالَمِ أَنَّنا لَا نَسْتَسَلِمُ لِلْأَعْدَاءِ.



الْإِبْنُ: يَا أَبِي، شُكْرًا عَلَى هَذِهِ الْمَعْلُومَاتِ الْقِيَمَةِ.

أَنْذَاكَ : در آن هنگام

الْأَبْرِيَاءُ : بی گناهان «مفرد: الْبَرِيءُ»

الْأَبْطَالُ : قهرمانان «مفرد: الْبَطْلُ»

أَثْبَتَ : ثابت کرد

إِحْتَلَّ : اشغال کرد

(مضارع: يَحْتَلُّ / مصدر: إِحْتِلَالٌ)

الْأَسُودُ : شیرها «مفرد: الْأَسَدُ»

اسْتُسْلِمَ : تسلیم شد

اسْتُشْهِدَ : شهید شد

الْإِعْدَادُ : تهیه کردن

الْأَعْزَاءُ : گرامیان «مفرد: الْعَزِيزُ»

الْإِنْتِصَارُ : پیروزی

إِطْلُقَ : روانه شد

الْبَطُولَاتُ : قهرمانی ها ، دلوری ها

«مفرد: الْبُطُولَةُ»

الْثَّوْرَةُ : انقلاب

الْخَاسِرُ : بازنده ≠ الْفَائِزُ

خَلَّفَ : به جا نهاد

دَفَعَ عَنْ : از ... دفاع کرد

دَمَرَ : نابود کرد

رَحَلَ - : کوچ کرد

الشُّجْعَانُ : دلوران «مفرد: الشُّجَاعُ»

شَرَدَ : آواره کرد

الضَّامِدُ : پایدار

طَمَعَ - : چشم داشت ، طمع ورزید

الْعَزْلُ : بی سلاحان «مفرد: الْأَعْزَلُ»

الْعَلَاَقَاتُ : پیوندها ، روابط

«مفرد: الْعَلَاَقَةُ»

عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ : غافلگیرانه

قَاتَلَ : جنگید

الْفِتَالُ : جنگ ، جنگیدن

= الْحَرْبُ ≠ السُّلْمُ وَالصُّلْحُ

ما أَشْجَعَ : چقدر دلور است!

الْمَعْرَكَةُ : جنگ = الْحَرْبُ ، الْفِتَالُ

الْمَقْرُوضُ : تحمیلی ، تحمیل شده

الْمُقَاتِلُونَ : رزمندگان ، جنگجویان

هاجَمَ : حمله کرد

هَرَمَ - : شکست داد

يا لَهَا مِنْ امْرَأَةٍ بَطْلَةٍ : چه بانوی

قهرمانی!



حَوْلَ النَّصِّ

أ. ما هو الصَّحِيحُ أَوْ الْخَطَأُ عَنِ الْحَرْبِ بِرَأْيِكَ؟

- ١- لا نَعْرِفُ السِّلَاحَ الَّذِي سَيَسْتَخْدِمُهُ الْإِنْسَانُ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّالِثَةِ، لَكِنَّهُ سَيَسْتَخْدِمُ الْعَصَا وَ الْحَجَرَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الرَّابِعَةِ.
- ٢- لَيْسَ **عَاراً** أَنْ يَحْتَلَّ الْعَدُوُّ أَرْضَيْنَا وَ نُسَلِّمَهُ الْأَرْضِيَّ خَوْفاً مِنْ قَتْلِ الْأَبْرِيَاءِ الْعَزْلِ.
- ٣- الْحَرْبُ **مَجْرَرَةٌ** تَدُورُ بَيْنَ شُعُوبٍ لَا يَعْرِفُ بَعْضُهُمُ الْبَعْضَ.
- ٤- لَا تَشْتَعِلُ نَارُ الْحَرْبِ بِالسِّلَاحَةِ فَقَطْ، بَلْ بِأَفْكَارِ النَّاسِ.
- ٥- لَا يَسْتَطِيعُ الْمَرْءُ أَنْ يَكُونَ بَطَلاً دُونَ أَنْ يَدْمَرَ الْأَرْضَ.
- ٦- الْمَعْرَكَةُ كَلَوْحَةٌ رَسْمٌ، جَمَالُهَا مِنْ بَعِيدٍ.

ب. أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إِجَابَةً قَصِيرَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- ماذا كَانَ يَطُنُّ الْعَدُوُّ الْبُعْثِيُّ خِلَالَ الْأَيَّامِ الْأُولَى مِنَ الْحَرْبِ؟
- ٢- بَعْدَ كَمْ سَنَةٍ مِنْ انتِصَارِ الثَّوْرَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ اشْتَعَلَتِ الْحَرْبُ؟
- ٣- لِمَاذَا رَجَعَتْ أَسْرَةُ السَّيِّدَةِ فَرْنَكِيْسَ إِلَى قَرِيْنَتِهَا **الْمُحْتَلَّةِ**؟
- ٤- كَيْفَ كَانَ دَوْرُ الْمُقَاتِلِينَ أَيَّامَ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ؟
- ٥- كَيْفَ انْسَحَبَ الْعَدُوُّ فِي نِهَآيَةِ الْحَرْبِ؟

الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ الْجَلْسَةُ الثَّامِنَةُ عَشْرَةَ

ما هو الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ؟^۱

الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ مَصْدَرٌ مَنْصُوبٌ يُذَكَّرُ بَعْدَ فِعْلِ مَنْ لَفِظِهِ، نَحْوُ:

«سَعَى الرَّجُلُ لِلْحُصُولِ عَلَى آمَالِهِ سَعْيًا». أَلْأَمَالُ: آرزوها

وَ «صَبَرْتُ لِلنَّجَاحِ صَبْرًا جَمِيلًا».

وَ «دَقَّى الصَّيْفُ الْبَابَ دَقَّتَيْنِ».

الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ يَأْتِي لِثَلَاثَةِ أَغْرَاضٍ:

۱- لِتَأْكِيدِ مَعْنَى الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: أَعْلَقَ الْحَارِسُ بَابَ الْمَصْنَعِ فِي اللَّيْلِ إِغْلَاقًا.

وَ يُسَمَّى «مَفْعُولًا مُطْلَقًا مُؤَكِّدًا».

وَ قَدْ يَأْتِي «مَحْذُوفَ الْعَامِلِ». نَحْوُ:

«اجْتِهَادًا لَا تَكَاسُلًا» وَ «حَمْدًا لِلَّهِ» وَ «شُكْرًا لَكُمْ» وَ «سُبْحَانَ اللَّهِ».

وَ «حَقًّا» وَ «أَيْضًا» وَ «جِدًّا» «سَمْعًا وَ طَاعَةً» وَ «مَعَاذَ اللَّهِ».

۱. ✓ به ترجمه چهار جمله زیر دقت کنید.

۱. اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ. از خدا آمرزش خواستم.

۲. اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا. از خدا بی گمان آمرزش خواستم.

۳. اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا صَادِقًا. از خدا صادقانه آمرزش خواستم.

۴. اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ. از خدا مانند درستکاران آمرزش خواستم.

✓ به مصدر «اسْتِغْفَار» در جمله دوم «مفعول مطلق تأکیدی» گفته می شود و در ترجمه فارسی آن از قیدهای تأکیدی مانند «بی گمان»، «حتمًا» و «قطعاً» استفاده می کنیم.

✓ گاهی «مفعول مطلق» به کمک کلمه بعد از خودش که صفت یا مضاف الیه است، نوع انجام گرفتن فعل را بیان می کند؛ مانند «اسْتِغْفَار» در جمله سوم و چهارم، که به آن «مفعول مطلق نوعی» گفته می شود.

اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا صَادِقًا. اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا صَادِقًا.

مفعول مطلق نوعی صفت

مفعول مطلق نوعی مضاف الیه

٢- أَوْ لِبَيَانِ نَوْعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ:

يَا أَخِي، اجْتَهِدْ فِي حَيَاتِكَ **اجْتِهَادًا بِالْغَا**. وَ كَانَ الزَّاهِدُ يَعْبُدُ اللَّهَ **عِبَادَةً الْأَحْرَارِ**.
و يُسَمَّى الْمَصْدَرُ فِي هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ «**مَفْعُولًا مُطْلَقًا مُبَيَّنًا لِلنَّوْعِ**».
الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ الْمُبَيَّنُ لِلنَّوْعِ يَأْتِي إمَّا مَوْصُوفًا وَ إمَّا مُضَافًا.
٣- أَوْ لِبَيَانِ عَدَدِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: دَقَّتِ السَّاعَةُ **دَقَّتَيْنِ**.
و يُسَمَّى «**مَفْعُولًا مُطْلَقًا مُبَيَّنًا لِلْعَدَدِ**».

★ إذا كَانَ الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ مُؤَكَّدًا، يَنْوِبُ عَنْهُ شَيْئَانِ:

١- «مُرَادِفُهُ»؛ نَحْوُ: «قُمْتُ وَقُوفًا» وَ «جَلَسْتُ قُعُودًا».

٢- وَ مَا شَارَكَهُ فِي مَادَّتِهِ لَهُ؛ نَحْوُ:

«إِعْتَسَلْتُ غُسْلًا» وَ «أَعْطَيْتُكَ عَطَاءً» وَ «تَبَتَّلَ الزَّاهِدُ إِلَى اللَّهِ تَبَتُّلًا».

بَدَلَ «إِعْتَسَلْتُ اغْتِسَالًا» وَ «أَعْطَيْتُكَ إِعْطَاءً» وَ «تَبَتَّلَ الزَّاهِدُ إِلَى اللَّهِ تَبَتُّلًا» ★

إذا كَانَ الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ مُبَيَّنًا لِلنَّوْعِ، يَنْوِبُ عَنْهُ:

١- الصِّفَةُ؛ نَحْوُ: اذْكُرُوا اللَّهَ **كَثِيرًا**.

★ ٢- اِسْمُ الْإِشَارَةِ؛ نَحْوُ: قُلْتُ **ذَلِكَ** الْقَوْلَ.

٣- لَفْظُ كُلِّ أَوْ بَعْضٍ؛ نَحْوُ: مَالُوا إِلَى الْحَقِّ **كُلِّ** الْمَيْلِ. وَ تَأَثَّرْنَا بِأَخْلَاقِكَ **بَعْضَ** التَّأَثُّرِ. ★

✓ وَ إذا كَانَ الْمَفْعُولُ الْمُطْلَقُ مُبَيَّنًا لِلْعَدَدِ، يَنْوِبُ عَنْهُ الْعَدَدُ؛ نَحْوُ:

يَدُورُ الرِّيَاضِيُّونَ حَوْلَ السَّاحَةِ **عَشْرَ** دَوْرَاتٍ.

■ تَرْجِمُ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيْنِ الْمَفْعُولِ الْمُطْلَقِ وَنَوْعُهُ.

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب: ۵۶)

۲- ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ (آل عمران: ۵۶)

۳- ﴿إِنْ تُقْرِضُوا^۱ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعفه^۲ لَكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ...﴾ (التَّغَابُن: ۱۷)

۴- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الأحزاب: ۷۰)

۵- ﴿... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ (الأحزاب: ۷۱)

۶- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (الأحزاب: ۴۱)

۷- ﴿... وَرَتَّلِ^۳ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (المزمل: ۴)

۸- ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ (الفتح: ۱)

۹- رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ حَيَاءٍ. الدُّعَاءُ بَعْدَ صَلَاةِ زِيَارَةِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْتَمَرِينُ الثَّانِي:

■ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ الْمَفْعُولِ الْمُطْلَقِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَهُ.

١- هَجَمَ الْأَبْطَالُ عَلَى الْعَدُوِّ هَجْمَتَيْنِ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ.

٢- وَصَفَ دَلِيلُ السَّفَرِ الْمَكَانَ التَّارِيخِيَّ وَصْفًا رَائِعًا.

٣- أَكْتُبْ وَاجِبَاتِكَ الدَّرَاسِيَّةَ كِتَابَةً مُنَظَّمَةً.

٤- نَظَرْتُ إِلَى الشَّجَرَةِ نَظْرَةً وَاحِدَةً.

٥- دَرَسْتُ زَمِيلِي تَدْرِيسَ الْمُعَلِّمِ.

٦- قَرَأْتُ النَّصَّ الْعِلْمِيَّ قِرَاءَتَيْنِ.

٧- أَلَمَنِي الْجُرْحُ أَلَمًا شَدِيدًا.

٨- مَعَاذَ اللَّهِ^١ مِنْ هَذِهِ الْمَشَاكِلِ.

٩- قُبْحًا لَوَجْهِكَ، يَا رَجُلُ.

١- مَعَاذَ اللَّهِ: پناه بر خدا

✱ أَفْعَالُ الْقُلُوبِ

ما هي أَفْعَالُ الْقُلُوبِ؟

أَفْعَالُ الْقُلُوبِ ثَلَاثَةُ أَقْسَامٍ:

قِسْمٌ يُفِيدُ الرُّجْحَانَ، وَ أَهْمُهَا: «ظَنَّ وَ حَسِبَ وَ زَعَمَ».

وَ قِسْمٌ يُفِيدُ الْيَقِينَ، وَ أَهْمُهَا: «رَأَى وَ عَلِمَ وَ وَجَدَ».

وَ قِسْمٌ يُفِيدُ التَّصْيِيرَ، وَ أَهْمُهَا: «جَعَلَ وَ صَيَّرَ وَ اتَّخَذَ».

أَفْعَالُ الْقُلُوبِ تَدْخُلُ عَلَى الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ بَعْدَ ذِكْرِ فَاعِلِهَا، فَتَنْصِبُهُمَا مَفْعُولَيْنِ لَهَا؛ نَحْوُ:
الْمَدِينَةُ جَمِيلَةٌ. الْفُنْدُقُ قَرِيبٌ.

«وَجَدَ السَّائِحُ الْمَدِينَةَ جَمِيلَةً.» وَ «ظَنَنْتُ الْفُنْدُقَ قَرِيباً.»

فَعِلٌ فَاعِلٌ مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ مَفْعُولٌ بِهِ ثَانٍ فَعِلٌ وَ فَاعِلٌ مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ مَفْعُولٌ بِهِ ثَانٍ

قَدْ تَدْخُلُ أَفْعَالُ الْقُلُوبِ بَعْدَ ذِكْرِ فَاعِلِهَا عَلَى «أَنَّ» وَ «أَسْمِهَا» وَ «خَبَرِهَا»؛ نَحْوُ:

أَ تَزْعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ؟!

جُمْلَةٌ نَائِبَةٌ عَنِ الْمَفْعُولَيْنِ

تَخْرُجُ أَفْعَالُ الْقُلُوبِ عَنْ مَعْنَى الْيَقِينِ وَ الرُّجْحَانِ وَ تَأْتِي لِمَعَانٍ أُخْرَى وَ تَنْصِبُ مَفْعُولًا وَاحِدًا. فَتَقُولُ:

«رَأَيْتُ جَوَادًا.» أَيُّ: «أَبْصَرْتُهُ.»

«عَلِمْتُ الْمَوْضِعَ.» أَيُّ: «عَرَفْتُهُ.»

وَ «وَجَدْتُ الْمَفْقُودَ.» أَيُّ: «حَصَلْتُ عَلَيْهِ.» ✱

التَّمَرُّنُ:

★ عَيْنِ الْمَفْعُولِ بِهِ فِي الْآيَاتِ الْكَرِيمَةِ وَالْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

۱- ﴿أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ^۱ وَمَا يُعْلِنُونَ^۲﴾ الْبَقَرَةُ: ۷

۲- ﴿... تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى^۳﴾ الْحَشَر: ۱۴

۳- ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً^۴ لِلظَّالِمِينَ﴾ الصَّافَّات: ۶۳

۴- ﴿قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ﴾ الْأَنْبِيَاء: ۵۳

۵- ﴿... ظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ﴾ الْقَصَص: ۳۹

۶- ﴿... وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ النَّسَاء: ۱۲۵

۷- ﴿... أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى^۵﴾ الضُّحَى: ۶

۸- وَ صَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْتِرَارِ خَضِرَةَ.

۹- زَعَمَ الطَّبِيبُ الْمَرَضَ بَسِيطًا.

۱۰- عَلِمْتُ الْأُسْتَاذَ عَالِمًا.

۱۱- رَأَيْتُ الْعِلْمَ قُوَّةً. ★

و فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ عَرَفْتُمْ أَفْعَالًا تَنْصِبُ مَفْعُولِينَ لَيْسَ أَصْلُهُمَا مُبْتَدَأً وَ خَبَرًا؛ أَهْمُهَا:

كَسَا وَ رَزَقَ وَ أَطْعَمَ وَ أَسْكَنَ وَ أَعْطَى وَ أَلْبَسَ وَ أَتَى وَ سَمَّى وَ وَعَدَ وَ بَلَّغَ.

نَحْوُ: وَ أَعْطَيْتُ الْمُحْتَاجَ قَرْضًا.

مَفْعُولٌ بِهِ ثَانٍ

مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ

۳- أَلَشَّتِي: گوناگون و پراکنده «جَمْعُ الشَّتِيَّتِ»

۲- أَعْلَنَ: آشکار کرد

۵- آوَى: پناه داد

۱- أَسَرَ: پوشیده و پنهان کرد

۴- الْفِتْنَةُ: آزمایش

للتدّارِ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ.

| الماضي | المضارع وَ الْمُستقبل | الأمر وَ النهي | المضدّر | إِسْمُ الْفَاعِلِ |
|---------------------|-----------------------|-----------------------|------------|--------------------|
| ١. قَدْ أَرْسَلَ: | سَوْفَ يُرْسَلُ: | أَرْسِلُوا: | الإرسال: | المُرسلون: |
| ٢. انْتَبَهَ: | سَتَنْتَبِهُونَ: | انْتَبِهُوا: | الانتباه: | الْمُنْتَبِهِينَ: |
| ٣. انْسَحَبْتُمْ: | لَا يَنْسَحِبُ: | لَا تَنْسَحِبُ: | الانسحاب: | الْمُنْسَحِب: |
| ٤. مَا اسْتَرْجَعَ: | يَسْتَرْجِعُ: | لَا تَسْتَرْجِعِي: | الاسترجاع: | الْمُسْتَرْجِع: |
| ٥. مَا جَادَلَ: | لَمْ يُجَادِلْ: | لَا تُجَادِلُوا: | المجادلة: | الْمُجَادِلَانِ: |
| ٦. تَذَكَّرَ: | يَتَذَكَّرَانِ: | تَذَكَّرْ: | التذكّر: | الْمُتَذَكِّرَاتُ: |
| ٧. تَنَاصَرُوا: | تَتَنَاصَرُونَ: | رَجَاءً، تَنَاصَرُوا: | التناصر: | الْمُتَنَاصِرِينَ: |
| ٨. قَدْ سَجَّلَ: | تُسَجَّلِينَ: | سَجِّلْ: | التسجيل: | الْمُسَجِّلَةُ: |

التَّامِرِينَ الثَّانِي: صَعُ خَطًّا تَحْتَ الْمُفْرَدِ مَعَ جَمْعِهِ.

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| ١- صِنَاعَة ، مَصَانِع | ١١- شَبَاب ، شَبَاب |
| ٢- شُجَاع ، شُجْعَان | ١٢- فَأْس ، أَفْرَاس |
| ٣- مَطَر ، مَطَارَات | ١٣- قُوَّة ، أَقْوِيَاء |
| ٤- طَعَام ، مَطَاعِم | ١٤- رِجْل ، رِجَال |
| ٥- بَطْل ، بَطُولَات | ١٥- أَخ ، أَخَوَات |
| ٦- سَيِّدَة ، سَادَات | ١٦- ثَمَر ، ثِمَار |
| ٧- مَزْرَعَة ، مُزَارِع | ١٧- فَار ، فِئْرَان |
| ٨- حَرْب ، حُرُوب | ١٨- بِنْت ، أَبْنَاء |
| ٩- شَعْب ، شُعَب | ١٩- قِمَّة ، قِمَم |
| ١٠- بَرِيء ، أَبْرِيَاء | ٢٠- أَب ، أَبَار |

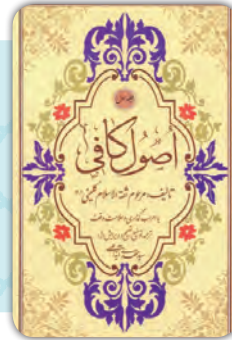
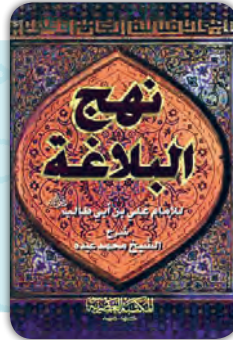
التمرين الثالث: عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ. (= ، ≠)

- | | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| ١- إِيْتَارَ إِنْتَخَبَ | ٩- يَافِيعَ عَجُوزَ |
| ٢- مَتَاعَ بِضَاعَةَ | ١٠- حَرْبَ قِتَالَ |
| ٣- بَطَّالَ شَاغِلَ | ١١- خَاسِرَ فَائِزَ |
| ٤- عَوْدَةَ رُجُوعَ | ١٢- نَائِمَ رَاقِدَ |
| ٥- إِيْتَاءَ إعْطَاءَ | ١٣- أَنْبَأَ أَخْبَرَ |
| ٦- جُودَةَ حُسْنَ | ١٤- دَرَنَ وَسَخَ |
| ٧- أَبْكَمَ نَاطِقَ | ١٥- رَاحَ ذَهَبَ |
| ٨- جَمَالَ قُبَّحَ | ١٦- عَاشَ مَاتَ |



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اُكْتُبَ خَمْسَةَ أَحَادِيثَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْ أَقْوَالِ الْحُكَمَاءِ وَ الْأَدَبَاءِ حَوْلَ قِيَمَةِ الْعِلْمِ، وَ تَرْجُمَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.



6

الدَّرْسُ السَّادِسُ



هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأْتَهُ
هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ
وَلَيْسَ قَوْلُكَ: مَنْ هَذَا؟ بِضَائِرِهِ
وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ
هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ
الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرْتَ وَالْعَجَمُ

این کسی است که سرزمین مکه قدمگاهش را می‌شناسد. و خانه [خدا] و بیرون و محدودهٔ احرام، او را می‌شناسند.
این فرزندی بهترین همهٔ بندگان خداست. این پرهیزگار پاکِ پاکیزهٔ بزرگ قوم است.
و این گفتهٔ تو که «این کیست؟» زیان‌رسانندهٔ بدو نیست. عرب و غیر عرب کسی را که تو انکارکردی می‌شناسند.

الْفَرَزْدَقُ مِنْ شُعْرَاءِ الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ. وُلِدَ فِي مَنطَقَةِ بَالْكُوتِ عَامَ ثَلَاثَةِ وَ عِشْرِينَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ، وَ عَاشَ بِالبَصْرَةِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ بِهِ أَبُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَأَلَهُ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وَلَدِهِ؛ فَقَالَ: «هَذَا ابْنِي يَكَادُ يَكُونُ شَاعِرًا عَظِيمًا».

فَقَالَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِوَالِدِهِ: «يَا صَاحِبَ الْوَلَدِ، عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ». فَعَلَّمَهُ الْقُرْآنَ؛ ثُمَّ رَحَلَ إِلَى خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ بِالشَّامِ، وَ مَدَحَهُمْ وَ نَالَ جَوَائِزَهُمْ. كَانَ الْفَرَزْدَقُ مُحِبًّا لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ وَ كَانَ يَسْتُرُ حُبَّهُ عِنْدَ خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ؛ وَلَكِنَّهُ جَهَرَ بِهِ لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ.

فَطَافَ هِشَامُ وَ لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَسْتَلِمَهُ لِكَثْرَةِ الْإِزْدِحَامِ، فَنُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ وَ جَلَسَ عَلَيْهِ يَنْظُرُ إِلَى النَّاسِ وَ مَعَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ كِبَارِ أَهْلِ الشَّامِ.

فَبَيْنَمَا يَنْظُرُ إِلَى الْحُجَّاجِ، إِذْ جَاءَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَطَافَ بِالْبَيْتِ، فَلَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ، ذَهَبَ النَّاسُ جَانِبًا، فَاسْتَلَمَهُ بِسُهُولَةٍ.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ:

«يَا هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ، مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ سَمَحَ النَّاسُ لَهُ بِاسْتِلَامِ الْحَجَرِ؟! خَافَ هِشَامٌ مِنْ أَنْ يَعْرِفَهُ أَهْلُ الشَّامِ وَ يَرْغَبُوا فِيهِ؛ فَقَالَ: «لَا أَعْرِفُهُ، يَا رَجُلٌ». وَ كَانَ الْفَرَزْدَقُ حَاضِرًا.

فَقَالَ الْفَرَزْدَقُ: «أَيُّهَا الرَّجُلُ، أَنَا أَعْرِفُهُ».

ثُمَّ أَنْشَدَ هَذِهِ الْقَصِيدَةَ.



هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأَّتُهُ
وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ

هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ
هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ

وَلَيْسَ قَوْلُكَ: مَنْ هَذَا؟ بِضَائِرِهِ
الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَالْعَجَمُ



إِذْ جَاءَ : ناگهان آمد
 اسْتَلَمَ الْحَجَرَ : سنگ را مسح کرد
 أَنْكَرَ : ناشناخته شمرد
 أَبْطَحَاءَ : دشت مگه
 بَيْتَمَا : در حالی که
 التَّقِيَّ : پرهیزگار
 جَهْرٍ بـ : آشکار کرد

الْحِلَّ : بیرون احرام
 رَغِبَ فِيهِ : به آن علاقه‌مند شد
 الضَّائِرَ : زیان‌رساننده
 طَافَ : طواف کرد
 (مضارع: يَطُوفُ)
 الْعَرَبُ : عرب
 الْعَلَمَ : بزرگ‌تر قوم، پرچم

الْكِبَارَ : بزرگان
 «مفرد: الْكَبِير» ≠ الصَّغَار
 مَدَحَ : ستود
 نَصَبَ : برپا کرد، نصب کرد
 التَّقِيَّ : پاک و خالص
 الْوُطَاةَ : جای پا، گام

حَوْلَ النَّصِّ

اُكْتُبْ جَوَابًا قَصِيرًا، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- مَنْ جَاءَ بِالْفَرَزْدَقِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ؟

۲- مَتَى جَهَرَ الْفَرَزْدَقُ بِحُبِّهِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

۳- أَيْنَ وُلِدَ الْفَرَزْدَقُ؟ وَ أَيْنَ عَاشَ؟

۴- فِي أَيِّ عَصْرِ كَانَ الْفَرَزْدَقُ يَعْيشُ؟

۵- إِلَى مَنْ رَحَلَ الْفَرَزْدَقُ بِالشَّامِ؟

الْمُنَادَى الْجَلْسَةُ الْإِدَائِيَّةُ وَالْعَشْرُونَ

ما هُوَ الْمُنَادَى؟

الْمُنَادَى هُوَ اسْمٌ يُنَادَى بِأَحَدِ أَحْرَفِ النَّدَاءِ النَّائِبَةِ عَنْ فِعْلِ «أُنَادِي» أَوْ «أَدْعُو» وَهِيَ: «يَا»
نَحْوُ: «يَا سَائِقَ الْحَافِلَةِ.» وَ «يَا سَوَاقَ الْحَافِلَاتِ».

يَجُوزُ أَنْ يُحْدَفَ حَرْفُ النَّدَاءِ، نَحْوُ: ﴿... رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ طه: ١١٤ أَيَّ «يَا رَبِّي زِدْنِي عِلْمًا».
كَمْ نَوْعًا الْمُنَادَى؟

| | |
|---|---|
| عَلَّمَ (مَنْبِي عَلَى الضَّمِّ، مَعْرِفَةً) | يَا مُحَمَّدُ/ يَا عَلِيُّ |
| نَكَرَةً مَقْصُودَةً (مَنْبِي عَلَى الضَّمِّ) | يَا رَجُلُ، خُذْ يَدَيَّ/ يَا طَالِبُ، أَسْكُتْ. |
| نَكَرَةً غَيْرَ مَقْصُودَةٍ (مَنْصُوبٌ) | يَا غَافِلًا/ يَا عَابِرًا/ يَا مَاشِيًا/ يَا مُؤْمِنِينَ |
| مَنْصُوبٌ | يَا رَسُولَ اللَّهِ/ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ. |
| مَنْصُوبٌ | يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ/ يَا سَاعِيًا فِي الْخَيْرِ. |
| ١. مفرد | |
| ٢. مضاف | |
| ٣. شبيهة بالمضاف | |

الْوَجِيهَةُ: أَبْرُومَنْد

كَيْفَ يُنَادَى الْإِسْمُ الْمُقْتَرِنُ بِأَل؟

يُنَادَى الْإِسْمُ الْمُقْتَرِنُ بِأَل، (مَذْكَرًا بِـ «أَيُّهَا» وَ مُؤَنَّثًا بِـ «أَيَّتُهَا»); نَحْوُ: يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ وَ يَا أَيَّتُهَا الْمَرْأَةُ.
وَ يَجُوزُ حَذْفُ «يَا» وَ يَكُونُ الْإِسْمُ الْوَاقِعُ بَعْدَ «أَيُّهَا» وَ «أَيَّتُهَا»:

١- عَطَفَ بَيَانٍ إِنْ كَانَ جَامِدًا؛ نَحْوُ: يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ.
حَرْفُ النَّدَاءِ مُنَادَى أَيُّهَا هَا الرَّجُلُ
حَرْفُ التَّنْبِيهِ عَطَفَ بَيَانٍ

٢- نَعَتًا إِنْ كَانَ مُشْتَقًّا؛ نَحْوُ: يَا أَيُّهَا الْعَالِمُ.
حَرْفُ النَّدَاءِ مُنَادَى أَيُّهَا هَا الْعَالِمُ
حَرْفُ التَّنْبِيهِ صِفَةً

مُلاحَظَةٌ: «أَيُّ» فِي «يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ» مُنَادَى نَكَرَةً مَقْصُودَةً.

كَيْفَ يُنَادَى اسْمُ الْجَلَالَةِ «الله»؟

✓ إِنَّ اسْمَ الْجَلَالَةِ «الله» يُنَادَى هَكَذَا: يَا إِلَهَ أَوْ اَللَّهُمَّ.

✓ يَجُوزُ أَنْ يُحْدَفَ صَمِيرٌ «ي» الْمُتَكَلِّمُ مِنَ الْمُنَادَى الْمُضَافِ إِلَيْهِ نَحْوُ: (يَا رَبِّي = يَا رَبِّ) وَ (يَا قَوْمِي = يَا قَوْم)

| الْتِرَآكِيْبُ | اَلْمُنَادَى | حَالَتُهُ | حُكْمُهُ اَلْإِعْرَابِيُّ |
|---|--------------|-----------------------------|---|
| يَا عَبْدَ اللهِ، اُحْكَمْ بِالْعَدْلِ. | عَبْدَ اللهِ | مُضَافٌ | مُنَادَى مَنْصُوبٌ بِفِعْلِ مَحْذُوفٍ وُجُوبًا مَعَ فَاعِلِهِ. تَقْدِيرُهُ: اَدْعُوْ اَوْ اُنَادِي. |
| يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللهِ. | وَجِيهًا | شَبِيهٌ بِالْمُضَافِ | |
| يَا تَلْمِيذًا، كُنْ مُجِدًّا. | تَلْمِيذًا | نَكِرَةً غَيْرَ مَقْصُودَةٍ | |
| يَا صَادِقُ، كُنْ مُعِينَ الضَّعْفَاءِ. | صَادِقُ | عَلَمٌ مُفْرَدٌ | مُنَادَى مَبْنِيٌّ عَلَى الصَّمِّ فِي مَحَلِّ نَصْبٍ، مَفْعُولٌ بِهِ لِفِعْلِ مَحْذُوفٍ. تَقْدِيرُهُ: اَدْعُوْ اَوْ اُنَادِي. |
| يَا نَائِمُ، قُمْ. | نَائِمُ | نَكِرَةً مَقْصُودَةً | |
| يَا أَيُّهَا الْعَامِلُ، كُنْ حَذِرًا. | أَيُّ | نَكِرَةً مَقْصُودَةً | |

اَلتَّمَرِيْنُ اَلْأَوَّلُ:

تَرْجِمِ اَلْآيَاتِ وَ اَلْعِبَارَاتِ اَلتَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ اَلْمُنَادَى وَ اذْكُرْ نَوْعَهُ فِيهَا.

١- ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ ط: ٢٥

٢- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ...﴾ اَلْبَقَرَة: ٢١

٣- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا...﴾ آلِ عِمْرَان: ١٩٣

٤- يَا ذَا الْجُودِ وَ اَلْإِحْسَانِ، يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ. (مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ)

٥- يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

التَّعَجُّبُ: الْجَلْسَةُ الثَّانِيَّةُ وَالْعِشْرُونَ

كَمْ صِغَةً لِلتَّعَجُّبِ؟

لِلتَّعَجُّبِ صِغَتَانِ: « مَا أَفْعَل » وَ « أَفْعَلِ بِ » وَ كِلْتَاهُمَا جَامِدَتَانِ؛ نَحْوُ:

مَا أَحْسَنَ أَخْلَاقِ أُسْتَاذِي! أَحْسَنَ بِأَخْلَاقِ أُسْتَاذِي!

وَ هُنَاكَ طَرِيقُ أُخْرَى لِلتَّعَجُّبِ؛ نَحْوُ: يَا لَهَا مِنْ أُمِّ حَنُونٍ! يَا لَهُ مَقَامًا! لِلَّهِ دَرُهُ! كَمْ هَذَا جَمِيلٌ!

| مَا | أَجْمَلَ | الرَّبَّيْعَ! |
|--|--|--|
| «ما» التَّعَجُّبِيَّةُ، مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا | فِعْلٌ لِلتَّعَجُّبِ، فَاعِلُهُ هُوَ الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ خَبَرٌ | مُتَعَجِّبٌ مِنْهُ، مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ |

يَجِبُ تَقْدِيمُ الْمُبْتَدَأِ («ما» التَّعَجُّبِيَّةِ) عَلَى الْخَبَرِ؛ نَحْوُ: «ما أَحْسَنَ الصَّدَقَ!» رَاسْتِغَوِيي چِه

نيكوست!

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

أ. تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ الثَّالِيَةَ.

- ١- مَا أَجْمَلَ الرَّبَّيْعَ!
- ٢- يَا لَكَ مِنْ بَطَلٍ!
- ٣- لِلَّهِ دَرُهُ فَارِسًا!
- ٤- كَمْ أَنْتَ عَظِيمٌ!

ب. أَكْمِلِ التَّحْلِيلَ الصَّرْفِيَّ وَالْإِعْرَابَ.

| مَا | أَجْمَلَ | الرَّبَّيْعَ |
|---|---|--|
| «ما» التَّعَجُّبِيَّةُ، وَمَرْفُوعٌ مَحَلًّا | فِعْلٌ لِلتَّعَجُّبِ، فَاعِلُهُ هُوَ الْمُسْتَتِرُ وَالْجُمْلَةُ | مُتَعَجِّبٌ مِنْهُ، وَمَنْصُوبٌ |

الْمَدْحُ وَ الدَّمُّ:

أَفْعَالُ الْمَدْحِ وَ الدَّمِّ هِيَ أَفْعَالٌ وَضِعَتْ لِإِنْشَاءِ الْمَدْحِ وَ الدَّمِّ عَلَى سَبِيلِ الْمُبَالَغَةِ؛ نَحْوُ:

نِعَمَ الْخُلُقِ الصُّدُقِ. (راستگویی نیکو خویی است.)

| | |
|------------------|----------------------|
| نِعَمَ الْخُلُقِ | الصُّدُقِ |
| خَبَرٌ مُقَدَّمٌ | مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ |

| | | |
|------------------|---------------------------------|--------------------------|
| نِعَمَ | الْخُلُقِ | الصُّدُقِ |
| فِعْلُ الْمَدْحِ | فَاعِلُ الْمَدْحِ (الْمَمْدُوح) | الْمَخْصُوصُ بِالْمَدْحِ |

بِئْسَ الشَّيْمَةُ الْكَذِبُ. (دروغگویی بد سرشتی است.)

| | |
|--------------------|----------------------|
| بِئْسَ الشَّيْمَةُ | الْكَذِبُ |
| خَبَرٌ مُقَدَّمٌ | مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ |

| | | |
|-----------------|--------------------------------|-------------------------|
| بِئْسَ | الشَّيْمَةُ | الْكَذِبُ |
| فِعْلُ الدَّمِّ | فَاعِلُ الدَّمِّ (الْمَذْمُوم) | الْمَخْصُوصُ بِالدَّمِّ |

قَدْ يُحْدَفُ الْمَخْصُوصُ بِالْمَدْحِ أَوْ الدَّمِّ، إِذَا دَلَّتْ عَلَيْهِ قَرِينَتُهُ؛ نَحْوُ:

﴿... وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعَمَ الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرُ﴾ الْحَجَّ: ٧٨

أَيُّ: « وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ؛ فَنِعَمَ الْمَوْلَى [اللَّهُ]؛ وَنِعَمَ النَّصِيرُ [اللَّهُ]. »

الْمَشْهُورُ مِنْ أَفْعَالِ الْمَدْحِ «نِعَمٌ» وَ «حَبْدًا». وَ الْمَشْهُورُ مِنْ أَفْعَالِ الدَّمِّ «بِئْسَ» وَ «لَا حَبْدًا».

الْفَاعِلُ فِي «حَبْدًا» وَ «لَا حَبْدًا» هُوَ اسْمُ الْإِشَارَةِ «ذَا».

وَ الْمَخْصُوصُ بِالْمَدْحِ وَ الدَّمِّ بَعْدَهُمَا؛ نَحْوُ:

حَبْدًا الصُّدُقِ. راستگویی نیکوست. لَا حَبْدًا الْكَذِبِ. دروغگویی نیکو نیست.

| | |
|------------------|----------------------|
| حَبْدًا | الصُّدُقِ |
| خَبَرٌ مُقَدَّمٌ | مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ |

| | | |
|------------------|---------------------------------|--------------------------|
| حَبْ | ذَا | الصُّدُقِ |
| فِعْلُ الْمَدْحِ | فَاعِلُ الْمَدْحِ (الْمَمْدُوح) | الْمَخْصُوصُ بِالْمَدْحِ |

| | |
|------------------|----------------------|
| لَا حَبْدًا | الْكَذِبِ |
| خَبَرٌ مُقَدَّمٌ | مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ |

| | | |
|-----------------|--------------------------------|-------------------------|
| لَا حَبْ | ذَا | الْكَذِبِ |
| فِعْلُ الدَّمِّ | فَاعِلُ الدَّمِّ (الْمَذْمُوم) | الْمَخْصُوصُ بِالدَّمِّ |

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ:

■ تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ وَالْعِبَارَتَيْنِ؛ ثُمَّ أَعْرِبْ مَا تَحْتَهُ خَطًّا.

۱- ﴿... مَا أَوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ الأنفال: ۱۶

۲- ﴿... نِعَمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ ص: ۳۰

۳- بِئْسَ الْعَمَلُ الرَّئَاءُ!

۴- نِعَمَ الْفِعْلُ الْإِبْتِسَامُ!

الْمَأْوَى: پناهگاه الْمَصِير: بازگشت الْأَوَّاب: بسیار بازگشت کننده، بسیار توبه کننده

التَّحْذِيرُ وَ الْإِغْرَاءُ:

التَّحْذِيرُ: هُوَ تَنْبِيهُ (آگاه کردن) الْمُخَاطَبِ عَلَى أَمْرٍ مَكْرُوهٍ، لِيَجْتَنِبَهُ؛ نَحْوُ: «إِيَّاكَ وَ الشَّرَّ»

| الشَّرَّ | وَ | إِيَّاكَ |
|--|---------------|---|
| مَفْعُولٌ بِهِ لِفِعْلِ مَحْذُوفٍ تَقْدِيرُهُ «إِحْذَرُ» | حَرْفُ عَطْفٍ | مَفْعُولٌ بِهِ لِفِعْلِ مَحْذُوفٍ بَعْدَهُ تَقْدِيرُهُ «أَحْذَرُ» |

نَمَازِجُ لِلتَّحْذِيرِ:

الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ! الْكَذِبُ!

إِيَّاكَ أَنْ تَكْذِبَ!

وَ الْإِغْرَاءُ: هُوَ تَنْبِيهُ الْمُخَاطَبِ عَلَى أَمْرٍ مَحْمُودٍ، لِيَفْعَلَهُ؛ نَحْوُ: «الْوَفَاءُ!»

مَفْعُولٌ بِهِ لِفِعْلِ مَحْذُوفٍ «الْوَفَاءُ»

نَمَازِجُ لِلْإِغْرَاءِ:

الْإِخْلَاصُ! الْإِخْلَاصُ، الْإِخْلَاصُ! الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ!

الْتَّمَارِينَ الْأَوَّلُ:

تَرْجِمِ الْأَبْيَاتَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ أَعْرِبْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

١- يَا رَبِّ إِنَّ عَظُمْتُ ذُنُوبِي كَثْرَةً فَلَقَدْ عَلِمْتُ بِأَنَّ عَفْوَكَ أَعْظَمُ

٢- لَا تَنْهَ عَن خُلُقٍ وَتَأْتِي مِثْلَهُ عَارٌ عَلَيْكَ إِذَا فَعَلْتَ عَظِيمُ

٣- وَمَنْ يَحْتَفِرْ فِي الشَّرِّ بُرًّا لِّلْغَيْرِ يَبْتَ وَهُوَ فِيهَا لَا مَحَالَةَ وَاقِعُ

٤- لَوْ كَانَ لِلْمَرْءِ فِكْرٌ فِي عَوَاقِبِهِ مَا شَانَ أَخْلَاقَهُ حِرْصٌ وَلَا طَمَعُ

٥- يَا خَادِمَ الْجِسْمِ كَمْ تَسْعَى لِخِدْمَتِهِ أَتَطْلُبُ الرِّبْحَ مِمَّا فِيهِ خُسْرَانُ

٦- أَقْبِلْ عَلَى النَّفْسِ وَاسْتَكْمِلْ فَضَائِلَهَا فَأَنْتَ بِالنَّفْسِ لَا بِالْجِسْمِ إِنْسَانُ

عَظُمْتُ: بزرگ شد. احْتَفَرَ: حفر کرد. شَانَ -: عیب دار کرد. الرِّبْحُ: سود. أَقْبَلَ: روی آورد. اسْتَكْمَلَهُ: کامل کرد. آن را خواست

- ١- جَلَسَ: نشست قَدْ جَلَسَ:
- ٢- فَتَحَ: باز کرد إِنَّ تَجَلَّسَ أَجْلَسَ:
- ٣- قَالَ: گفت لَا تَفْتَحِ الْبَابَ:
- ٤- عِنْدِي: دارم كَانَ قَدْ قَالَ:
- ٥- شَاهَدَ: دید مَا عِنْدِي:
- ٦- ذَهَبَ: رفت كَانَ عِنْدِي:
- ٧- رَجَعَ: برگشت مَا شَاهَدَ:
- ٨- شَرَبَ: نوشید لَا يُشَاهِدُ:
- ٩- حَمَدَ: ستود لَمْ يَذْهَبَ:
- ١٠- طَبَخَ: پخت لَمَّا يَذْهَبَ:
- سَيَرْجِعُ:
- لَنْ يَرْجِعَ:
- لِيَشْرَبَ:
- لِيَشْرَبَ:
- الْحَامِدُ:
- الْمَحْمُودُ:
- الطَّبَّاخُ:
- الْمَطْبَخُ:

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ: مَيِّزُ بَيْنَ التَّحْذِيرِ وَ الْإِغْرَاءِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

١- إِنْ أَرَدْتَ مِنْ أَحَدٍ حِفْظَ الْمَوَاقِفِ، تَقُولُ لَهُ: الْعَهْدُ، الْعَهْدُ!

٢- دَخَلَ عَلَيْنَا رَجُلٌ طَوِيلُ الْقَامَةِ، فَقُلْنَا لَهُ: رَأْسُكَ وَ الْبَابُ!

٣- إِيَّاكَ أَنْ تَقْتَرِبَ مَوَاضِعَ التُّهْمِ يَا صَدِيقِي!

٤- الْوَفَاءُ وَ الْأَمَانَةُ! فَإِنَّهُمَا حِلْيَتَانِ لِلْإِنْسَانِ.

٥- الْإِنْصَافُ، الْإِنْصَافُ! يَا جَمَاعَةَ التُّجَّارِ.

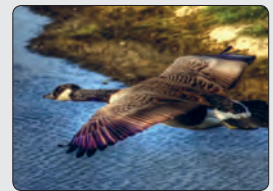
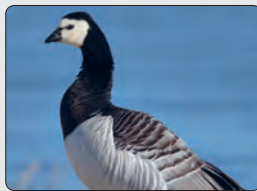
٦- إِيَّاكَ وَ السَّيَّارَةَ الْمُسْرِعَةَ!

٧- الصَّلَوَاتِ فِي أَوْقَاتِهَا!

الْحِلْيَةُ: زِيور الْمُسْرَعَةُ: شَتَابَان (بُرْ سُرْعَت) الصَّلَوَاتُ: نَمَازَهَا «مَفْرَد: الصَّلَاة»

V

الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ...﴾

النَّحْل: ٧٩

آیا به پرندگان ننگریسته‌اند که در فضای آسمان رام شده‌اند؟

٢٤ مِنْ غَرَائِبِ الطُّيُورِ الْجَلْسَةُ الرَّابِعَةُ وَالْعِشْرُونَ

«الطَّائِرُ الذَّكِيُّ»

قَدْ تَلَجَّأَ بَعْضُ الطُّيُورِ إِلَى حِيلٍ لِيَطْرُدَ مُفْتَرِسَهَا بَعِيداً عَنْ عُشِّهَا، مِنْ هَذِهِ الْحِيلِ أَنَّ أَحَدَ الطُّيُورِ حِينَ يَرَى حَيَوَاناً مُفْتَرِساً قَرِيباً مِنْ عُشِّهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ، فَيَتَبَجُّعُ الْحَيَوَانُ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ، وَ يَتَتَعَدُّ عَنِ الْعُشِّ كَثِيراً. وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ مِنْ عُشِّهِ وَ إِنْقِاذِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ مِنَ الْمَوْتِ يَطِيرُ بَغْتَةً. فَهَذَا الطَّائِرُ أَكْثَرُ مِنْ سَائِرِ الطُّيُورِ ذِكَاةً لِإِنْقِاذِ فِرَاحِهِ.



«الْكُوكُو»

هُوَ طَائِرٌ لَا يَبْنِي عُشّاً؛ وَ عِنْدَمَا تُرِيدُ أَنْتَاهُ أَنْ تَبْيَضَ، تَذْهَبُ إِلَى عُشِّ طَائِرٍ آخَرَ لَيْسَ فِيهِ صَاحِبُهُ؛ وَ تَقْذِفُ بَيْضَةً وَاحِدَةً مِنْهُ خَارِجَ الْعُشِّ، ثُمَّ تَبْيَضُ مَكَانَهَا، وَ تَخْرُجُ بِسُرْعَةٍ. تُكَرِّرُ هَذَا الْعَمَلَ عِدَّةَ مَرَّاتٍ فِي كُلِّ مَوْسِمٍ.

يَأْتِي الطَّائِرُ الْمَسْكِينُ صَاحِبَ الْعُشِّ، فَلَا يُلَاحِظُ وُجُودَ بَيْضَةٍ كَبِيرَةٍ مُخْتَلِفَةِ اللَّوْنِ بَيْنَ بَيُوضِهِ. فَيَرْقُدُ عَلَيْهَا إِلَى أَنْ تَخْرُجَ الْفِرَاحُ. أَوَّلُ مَا يَفْعَلُهُ فِرْحُ الْكُوكُو هُوَ دَفْعُ سَائِرِ الْفِرَاحِ وَ الْبَيُوضِ بِجَنَاحَيْهِ وَ رِجْلَيْهِ الْقَوِيَّتَيْنِ خَارِجَ الْعُشِّ فَتَسْقُطُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَمُوتُ حَتَّى يَبْقَى وَحْدَهُ لِيَتَلَقَّى كُلَّ الْغِذَاءِ. صَاحِبَا هَذَا الْعُشِّ يَظُنَّانِ أَنَّهُ ابْنُهُمَا. فَيُطْعِمَانِهِ حَتَّى يَكْبُرَ وَ يُغَادِرَ الْعُشَّ. وَ لَا يَلْتَفِتَانِ إِلَى فِرَاحِهِمَا الْمَوْتَى أَسْفَلَ الْعُشِّ.





باضَ - تخم گذاشت

(مضارع: يَبِضُّ)

الْبَيْضُ : تخم «واحد آن: الْبَيْضَةُ /

جمع: الْبُيُوضُ»

تَأَكَّدَ مِنْ : از ... مطمئن شد

تَبَعَ - تعقیب کرد

تَلَقَّى : دریافت کرد

(مضارع: يَتَلَقَّى)

الْحَيْلُ : چاره اندیشی ها

«مفرد: حيلة»

الْخَدَاعُ : نیرنگ

الذَّكَاةُ : تیزهوشی «أَكْثَرُ ذَكَاءً:

تیزهوش تر»

رَجُلِيهِ : پاهایش (رَجُلَيْنِ + هُ

= رَجُلِيهِ) (مفرد: الرَّجُلُ / جمع:

الرَّجُلُ)

غَادَرَ : ترک کرد

الْغَرَائِبُ : شگفتی ها

«مفرد: الْغَرِيبَةُ»

الْمُفْتَرِسُ : درنده ، جانور

شکارچی درنده

الْمَكْسُورُ : شکسته

الْمَوْتَى : مردگان

«مفرد: الْمَيِّتُ» = الْأَمْوَاتُ

حَوْلَ النَّصِّ

✓ x

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- يُشَاهِدُ الطَّائِرُ - صَاحِبُ الْعُشِّ - بَيَضَةً مُخْتَلِفَةً بَيْنَ بَيُوضِهِ، فَيَقْذِفُهَا خَارِجًا.

۲- لَا تَبِضُ أَنْثَى الْكُوكُو فِي عُشِّهَا؛ بَلْ تَبِضُ فِي عُشِّ طَائِرٍ آخَرَ!

۳- لِبَعْضِ الطُّيُورِ حَيْلٌ لِيَطْرُدَ مُفْتَرِسَهَا بَعِيداً عَنْ عُشِّهَا.

۴- فَرَّخَ الْكُوكُو كَفِرَاخٍ صَاحِبِ الْعُشِّ حَجْماً!

۵- أَنْثَى الْكُوكُو تُغْذِّي فَرَخَهَا فِي عُشِّهَا.

الْمَفْعُولُ لَهُ أَوْ الْمَفْعُولُ لِأَجْلِهِ الْجَلْسَةُ الْخَامِسَةُ وَالْعِشْرُونَ

ما هو الْمَفْعُولُ لَهُ؟

الْمَفْعُولُ لَهُ مَصْدَرٌ يُذَكِّرُ لِبَيَانِ سَبَبِ وَقُوعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: اجْتَهَدْتُ رَغْبَةً فِي الْعِلْمِ.
وَقَدْ يَأْتِي الْمَفْعُولُ لَهُ مُضَافًا؛ نَحْوُ: أَنَا أَتَصَدَّقُ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ.

الْتَّمَرِينَ الْأَوَّلَ:

■ تَرْجِمِ آيَاتِ الْكَرِيمَةِ وَالْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَفْعُولَ لَهُ.

١- ﴿... لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٦٤

٢- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٠٧

٣- ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ ...﴾ الْأَنْفَالُ: ٤٧

٤- اَطْلُبِ الْفَهِيمَ لَا يَتَكَلَّمْ دُونَ إِذْنِ الْمُعَلِّمِ اخْتِراماً لَهُ.

٥- خَيْرُ الْعِبَادَةِ هِيَ الَّتِي نَفَعَلَهَا حُبًّا لِلَّهِ تَعَالَى.

٦- أَصْلِي صَلَاةَ الظُّهْرِ قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ.

الْمَنُّ: مَنَّتْ نِهَادَن الْأَذَى: آزار الرُّئَاءَ: رِيا الرُّؤُوفُ: مهربان الدِّيارُ: خانةها «مفرد: الدَّار» الْبَطَرُ: گردنکشی در نعمت الإِذْنُ: اجازه

الْمَفْعُولُ فِيهِ

ما هُوَ الْمَفْعُولُ فِيهِ؟

الْمَفْعُولُ فِيهِ (وَ يُسَمَّى ظَرْفًا) اسْمٌ يُذَكِّرُ لِبَيَانِ زَمَانٍ وَقَوَعِ الْفِعْلِ أَوْ مَكَانِهِ، وَ يُنْصَبُ مُتَضَمِّنًا مَعْنَى «فِي»؛ نَحْوُ:

سَافَرْتُ **يَوْمَ** الْجُمُعَةِ. (أَي: سَافَرْتُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.)
مَفْعُولٌ فِيهِ

✓ فَإِنْ لَمْ يَتَضَمَّنِ الْإِسْمُ مَعْنَى «فِي»، يُعَرَّبُ كَباقِي الْأَسْمَاءِ؛ نَحْوُ:

«**يَوْمَ** الْجُمُعَةِ مُبَارَكٌ.» وَ «جَاءَ **يَوْمَ** الْعِيدِ.»
مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ فاعِلٌ، مَرْفُوعٌ

«يَوْمٌ» فِي الْإِثْنَيْنِ السَّابِقَيْنِ اسْمٌ يَدُلُّ عَلَى الزَّمَانِ وَلَكِنَّهُ لَيْسَ مَفْعُولًا فِيهِ؛ لِأَنَّهُ لَيْسَ مُتَضَمِّنًا مَعْنَى «فِي».

✓ الْمَفْعُولُ فِيهِ قِسْمَانِ: «ظَرْفُ زَمَانٍ» وَ «ظَرْفُ مَكَانٍ».

فَظَرْفُ الزَّمَانِ مَا يَدُلُّ عَلَى وَقْتٍ وَقَوَعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: لَيْلٌ وَ يَوْمٌ وَ سَنَةٌ وَ لَحْظَةٌ وَ ...
وَ ظَرْفُ الْمَكَانِ مَا يَدُلُّ عَلَى مَكَانٍ وَقَوَعِ الْفِعْلِ؛ نَحْوُ: خَلْفٌ وَ أَمَامٌ وَ تَحْتَ وَ فَوْقَ وَ ...

وَ قَدْ يَأْتِي بَعْضُ الظُّرُوفِ لِلزَّمَانِ أَوْ الْمَكَانِ؛ نَحْوُ «عِنْدَ» فِي:

«جَلَسْتُ **عِنْدَ** الْغُرُوبِ.» وَ «جَلَسْتُ **عِنْدَكَ**»
لِلزَّمَانِ لِلْمَكَانِ

■ تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ؛ ثُمَّ مَيِّزِ «الْمَفْعُولَ فِيهِ» فِيهَا.

۱- ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ...﴾ طه: ۱۳۰

۲- ﴿... أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾ المائدة: ۳

۳- ﴿... وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ...﴾ لقمان: ۳۴

۴- ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ﴾ طه: ۶

۵- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا﴾ نوح: ۵

آنَاءُ اللَّيْلِ: ساعت‌های شب «مفرد: اللَّائِي» أَتَمَّ: به پایان رساند الثَّرَى: زمین

الْحَالُ الْجَلْسَةُ السَّادِسَةُ وَالْعِشْرُونَ

ما هي الحال؟

الْحَالُ هِيَ اسْمٌ مَنْصُوبٌ يُذَكَّرُ بَعْدَ تَمَامِ الْكَلَامِ لِبَيَانِ هَيْئَةِ الْفَاعِلِ أَوْ الْمَفْعُولِ أَوْ ...
حِينَ وَقُوعِ الْفِعْلِ، نَحْوُ:

شَرِبْتُ الْمَاءَ زُلَالًا.

مَفْعُولٌ بِهِ حَالٌ

آب را در حالی که زلال بود نوشیدم.

جَاءَ اللَّاعِبُ ضَاحِكًا.

فَاعِلٌ حَالٌ

بازیکن، خندان آمد.

يُسَمَّى الْفَاعِلُ أَوْ الْمَفْعُولُ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ «صَاحِبَ الْحَالِ».

كَمْ نَوْعًا الْحَالُ؟

نَحْوُ: عَادَ الْفَرِيقُ قَرَحًا. / تيم با خوشحالی بازگشت.

(مُفْرَدَةٌ)

جُمْلَةٌ اِسْمِيَّةٌ نَحْوُ: عَادَ الْفَرِيقُ وَهُوَ قَرِحٌ. / عَادَ الْفَرِيقُ وَ الْكَاسُ فِي أَيْدِيهِمْ.

تيم، در حالی که شاد بود برگشت. تيم برگشت؛ در حالی که جام در دستانشان بود.

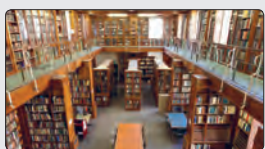
جُمْلَةٌ

جُمْلَةٌ فِعْلِيَّةٌ نَحْوُ: عَادَ الْفَرِيقُ يَضْحَكُ. / تيم در حالی که می‌خندید بازگشت.

الْحَالُ

★ مَا هُوَ الْأَصْلُ فِي الْحَالِ وَصَاحِبُهَا؟

الْأَصْلُ فِي صَاحِبِ الْحَالِ أَنْ يَكُونَ «مَعْرِفَةً» وَ شَرْطُ الْحَالِ إِذَا كَانَتْ مُفْرَدَةً أَنْ تَكُونَ «نَكِرَةً مُشْتَقَّةً»؛ نَحْوُ:



شَاهَدْتُ الْمَكْتَبَةَ مَلِيَّةً بِالْكَتَبِ التَّارِيخِيَّةِ.

صَاحِبُ الْحَالِ الْحَالُ

★ کتابخانه را دیدم؛ در حالی که پر از کتاب‌های تاریخی بود.

الْوَاوُ الْحَالِيَّةُ

وَقَفَّ الْمُدِيرُ أَمَامَ الطُّلَابِ وَ سَاحَةُ الْمَدْرَسَةِ مُزْدَحِمَةٌ.

مدير در حالی که مدرسه، شلوغ بود روبه روی دانش آموزان ایستاد.

نُسَمِّي حَرْفَ « وَ » هُنَا الْوَاوُ الْحَالِيَّةَ.

★متى تأتي الحال المفردة معرفة؟

تأتي الحال المفردة معرفة إذا كانت في تأويل النكرة؛ نحو:

«جاء الطالب وحده.» أي: «جاء الطالب منفرداً.»

الغالب في الحال أن تكون مشتقة، وقد تكون جامدة؛ وذلك في مواضع، منها:

إذا دلت على تشبيه؛ نحو: هجم الجندي الإيراني أسداً.

وإذا دلت على ترتيب أو تفصيل؛ نحو: دخلوا رجلاً رجلاً. وقرأت الكتاب باباً باباً.

وإذا دلت على تسعير (قيمت گذاری)؛ نحو: اشتريت القماش متراً بدينار. ★

تطابقُ الحالِ وَ صَاحِبِ الحالِ:

تطابقُ الحالِ صاحبه من ناحية العددِ وَ الجنسِ؛ أنظرُ إلى هذه الأمثلة:

١- وَصَلَ الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَ رَكِبَ الطَّائِرَةَ.

٢- تَجْتَهِدُ الطَّالِبَةُ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً وَ تُسَاعِدُ أُمَّهَا.

٣- يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ الْيَوْمَ.

الْجُمْلُ بَعْدَ النَّكَرَاتِ، صِفَاتٌ. الْجُمْلُ بَعْدَ الْمَعَارِفِ، أَحْوَالٌ.

التمرين الثالث:

■ عَيْنُ الْحَالِ وَصَاحِبُ الْحَالِ فِي مَا يَلِي.

١- رَأَيْتُ رِجَالَ الشُّرْطَةِ وَاقْفِينَ جَنْبَ الشَّارِعِ.

٢- رَجَعَ الْعَامِلُ مِنَ الْمَصْنَعِ تَعَبًا.

٣- شَاهَدْتُ الْفَرِيقَ مُجْتَهِدًا.

التمرين الرابع:

■ عَيْنُ الْحَالِ وَالصِّفَةُ.

١- قَالَ زَمِيلِي: اِلْتَقَيْتُ بِطَالِبٍ كَرِيمٍ أَمْسٍ.

٢- وَجَدْتُ مُعْجَمًا سَاعَدَنِي فِي تَرْجَمَةِ النُّصُوصِ الصَّعْبَةِ.

٣- قَالَتِ الْبِنْتَانِ الْفَرِحَتَانِ: رَجَعْنَا مِنْ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ الْكَبِيرَةِ مَسْرُورَتَيْنِ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

■ تَرْجِمِ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْحَالَ وَصَاحِبَهَا.

١- مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْفَظَ أَسْنَانَهُ سَلِيمَةً فَعَلَيْهِ أَنْ لَا يَأْكُلَ الطَّعَامَ **سَاخِنًا** وَلَا يَشْرَبَ الْمَاءَ بَارِدًا.

٢- مَشَيْنَا فِي الْبُسَاتِينِ مَسْرُورِينَ وَ هِيَ مَمْلُوءَةٌ بِالشَّمَارِ؛ ثُمَّ أَكَلْنَا مِنْهَا **نَاضِجَةً**.

٣- ذَهَبَ اللَّاعِبُونَ إِلَى الْمَلْعَبِ وَ هُمْ مَسْرُورُونَ؛ وَلَكِنَّهُمْ رَجَعُوا مَحْزُونِينَ.

٤- رَأَيْتُ التَّلْمِيذَةَ **تُطَالِعُ** كِتَابَ الْجُغَرافِيَا.

٥- يَجِبُ أَنْ تُقَلِّمَ **أَطَافِيرَكَ** طَوِيلَةً.

٦- رَأَيْتُ الْمُدِيرَ يَمْشِي بِوَقَارٍ.

٧- شَاهَدْنَاكَ وَأَنْتَ بَيْنَ شَجَرَتَيْنِ.

الَسَاخِنُ: داغ، جوش ≠ البَّارِدُ النَّاضِجُ: رسيده (صفت ميوه) طَالَعُ: مطالعه كرد قَلَمُ الظُّفْرِ: ناخن گرفت
الظُّفْرُ: ناخن «جمع: أَظْفَار، جمع الجمع: أَظَافِير»

التَّامِرِينَ السَّادِسُ:

■ مَيِّزِ الْحَالَ الْمُفْرَدَةَ مِنَ الْجُمْلَةِ.

١- ﴿... إِذَا جَاءَ كُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ...﴾ (الْمُمْتَحَنَةُ: ١٠)

٢- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ...﴾ (الْمَائِدَةُ: ٩٥)

٣- ﴿... وَجَاوُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ﴾ (يُوسُف: ١٦)

٤- ذَهَبَ الْعُمَالُ إِلَى الْمَصْنَعِ نَشِيطِينَ.

٥- رَجَعَ الْعَامِلُ مِنْ عَمَلِهِ وَهُوَ تَعَبَانٌ.

٦- نَظَرْتُ إِلَى الْوُرْدَةِ مُتَفَتِّحَةً.

إِمْتَحَنَ: آزمود الْحُرْمُ: در احرام الْعِشَاءُ: شب



الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

لِلتَّذْكَارِ، لِلتَّرْجَمَةِ.

۱- کُتِبَ: نوشت

| | |
|---------------------------|--------------------------------|
| قَدْ كُتِبَ التَّمَرِينُ: | لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرَسَكَ؟ |
| | |
| لَمْ تَكْتُبِي شَيْئًا: | لَا يَكْتُبُ عَلَى الشَّجَرِ: |
| | |

۲- تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد

| | |
|----------------------------|---------------------------|
| الْصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: | رَجَاءً، تَكَاتَبَا: |
| | |
| تَكَاتَبَ الزَّمِيلَانِ: | أَنْتُمَا تَكَاتَبْتُمَا: |
| | |

۳- مَنَعَ: بازداشت، منع کرد

| | |
|--|-----------------------------------|
| مُنِعْتُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ: | لَا تَمْنَعُنَا عَنِ الْخُرُوجِ: |
| | |
| إِمْنَعُوا حَمَلَ الْجَوَالِ: | شَاهَدْنَا مَانِعًا بِالطَّرِيقِ: |
| | |

۴- اِمْتَنَعَ: خودداری کرد

| | |
|--|----------------------------------|
| كَانَ الْحَارِسُ قَدْ اِمْتَنَعَ عَنِ النَّوْمِ: | لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ: |
| | |
| لَنْ نَمْتَنَعَ عَنِ الْخُرُوجِ: | لَيْتَنَا اِمْتَنَعْنَا عَنْهُ! |
| | |

۵- عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد

| | |
|---------------------------------------|--------------------------------|
| لِمَ مَا عَمِلْتُمْ يَوَاجِبَاتِكُمْ؟ | أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ |
| | |
| الْعُمَّالُ مَشْغُولُونَ بِالْعَمَلِ: | لَيْسَ الْمَعْمَلُ مَفْتُوحًا: |
| | |

۶- عَامَلَ: رفتار کرد

| | |
|-----------------------------------|--|
| إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ: | إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ: |
| | |
| كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا: | مُعَلِّمُنَا جَيِّدُ الْمُعَامَلَةِ مَعَنَا: |
| | |

۷- ذَكَرَ: یاد کرد

| | |
|----------------------------------|---|
| قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: | قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقُدَمَاةَ: |
| | |
| ذُكِرَتْ بِالْخَيْرِ: | لَيْتَ أَحَبَّتِي يَذْكُرُونَنِي! |
| | |

۸- تَذَكَّرَ: به یاد آورد

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي: | رَجَاءً، تَذَكَّرَا زُمَلَاءَنَا: |
| | |
| لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي: | سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدَرِّسُ: |
| | |

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي «التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ» وَ «الْمَحَلِّ الإِغْرَابِيِّ» لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ.
{الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ تَحَدَّثَ مَعَ جَمِيعِ الطُّلَابِ فِي الْمَدْرَسَةِ}
{تَذْهَبُ الْمُعَلِّمَةُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ}.

—١—

—٢—

—٣—

—٤—

—٥—

—٦—

—٧—

—٨—

—٩—

| | | |
|----------------|---|--|
| الرَّجُلُ | أ. إِسْمٌ جَامِدٌ، مُفْرَدٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، مُعَرَّبٌ، مُنْصَرَفٌ | مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ بِإِعْرَابٍ ظَاهِرِيٍّ |
| | ب. إِسْمٌ، مُصَدَّرٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الضَّمِّ | مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ تَقْدِيرًا وَ الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ |
| الْعَلَامَةُ | أ. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ، مُؤَنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِالْعَلَمِيَّةِ، مُعَرَّبٌ | مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ |
| | ب. إِسْمٌ مُبَالَغَةٌ، مُفْرَدٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، مُعَرَّبٌ | صِفَةٌ وَ مَرْفُوعَةٌ بِالتَّبْعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا |
| تَحَدَّثَ | أ. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ، مُتَعَدٍّ، مُعَرَّبٌ | مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ |
| | ب. فِعْلٌ مَاضٍ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ مِنْ بَابِ تَفْعُلٍ، مَعْلُومٌ، لَازِمٌ | خَبَرٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا |
| الطُّلَابُ | أ. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ سَالِمٌ، مَبْنِيٌّ، مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ | مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِحَرْفِ جَرٍّ |
| | ب. إِسْمٌ فَاعِلٍ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ وَ مُفْرَدُهُ «الطَّالِبُ»، مُعَرَّبٌ، مَعْرِفَةٌ | مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ |
| الْمَدْرَسَةُ | أ. إِسْمٌ مَكَانٍ، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَعْرِفَةٌ، مُعَرَّبٌ | مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْمَدْرَسَةِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) |
| | ب. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ، مُفْرَدٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، مَبْنِيٌّ، مُنْصَرَفٌ | صِفَةٌ وَ مَجْرُورَةٌ بِالتَّبْعِيَّةِ لِمَوْصُوفِهَا |
| تَذْهَبُ | أ. فِعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مَعْلُومٌ، مُعَرَّبٌ، لَازِمٌ | مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ وَ الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ. |
| | ب. فِعْلٌ مَجْهُولٌ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ، مَبْنِيٌّ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ | فِعْلٌ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ |
| الْمُعَلِّمَةُ | أ. إِسْمٌ مَفْعُولٌ، مُعَرَّفٌ بِالْعَلَمِيَّةِ، مَبْنِيٌّ، مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ | مَفْعُولٌ وَمَنْصُوبٌ وَالْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ. |
| | ب. إِسْمٌ مُشْتَقٌّ (إِسْمٌ فَاعِلٍ)، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، مُعَرَّبٌ | فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ. |
| أَلْ | أ. حَرْفٌ تَعْرِيفِيٌّ، عَامِلٌ جَرٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ | |
| | ب. حَرْفٌ تَعْرِيفِيٌّ، غَيْرُ عَامِلٍ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | |
| الْمَكْتَبَةُ | أ. إِسْمٌ مَكَانٍ، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ | مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (إِلَى الْمَكْتَبَةِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ) |
| | ب. إِسْمٌ تَفْضِيلِيٌّ، مُفْرَدٌ، مَعْرِفَةٌ، مُعَرَّبٌ | مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ تَقْدِيرًا |

۸

الدَّرْسُ الثَّامِنُ



﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ الْكَهْف: ۳۰

بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند [بدانند که

ما] پاداشِ کسی را که نیکوکاری کرده است تباہ نمی‌کنیم.

أَلَوْجُهُ النَّافِعُ، وَ أَلَوْجُهُ الْمَضِرُّ
الْجَلْسَةُ الثَّامِنَةُ وَالْعِشْرُونَ

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ الْكَهْف: ٣٠
 فِي عَامِ أَلْفٍ وَ ثَمَانِمِئَةٍ وَ ثَلَاثَةٍ وَ ثَلَاثِينَ وُلِدَ فِي مَمْلَكَةِ «السُّوَيْدِ» صَبِيٌّ سُمِّيَ
 «أَلْفِرِدْ نَوِيلَ». كَانَ وَالِدُهُ قَدْ أَقَامَ مَصْنَعًا لِصِنَاعَةِ مَادَّةِ «النِّيتْرُوغليسرينِ» السَّائِلِ
 السَّرِيعِ الْإِنْفِجَارِ، وَلَوْ بِالْحَرَارَةِ الْقَلِيلَةِ.



إِهْتَمَّ أَلْفِرِدْ مِنْذُ صَغَرِهِ بِهَذِهِ الْمَادَّةِ، وَ عَمِلَ عَلَى تَطْوِيرِهَا مُجِدًّا، لِيَمْنَعَ انفِجَارَهَا.
 بَنَى مُخْتَبَرًا صَغِيرًا لِيُجْرِيَ فِيهِ تَجَارِبَهُ، وَلَكِنْ مَعَ الْأَسْفِ انفَجَرَ الْمُخْتَبَرُ وَ انْهَدَمَ
 عَلَى رَأْسِ أَخِيهِ الْأَصْغَرِ وَ قَتَلَهُ. هَذِهِ الْحَادِثَةُ لَمْ تُضْعِفْ عَزَمَهُ، فَقَدْ وَاصَلَ عَمَلَهُ
 دَوُوبًا، حَتَّى اسْتَطَاعَ أَنْ يَخْتَرِعَ مَادَّةَ «الدِّينَامِيَتِ» الَّتِي لَا تَنْفَجِرُ إِلَّا بِإِرَادَةِ الْإِنْسَانِ.
 بَعْدَ أَنْ اخْتَرَعَ الدِّينَامِيَتَ، أَقْبَلَ عَلَى شِرَائِهِ رُؤَسَاءُ شَرِكَاتِ الْبِنَاءِ وَ الْمَنَاجِمِ وَ الْقُوَّاتِ
 الْمُسَلَّحَةِ وَ هُمْ مُشْتَاقُونَ لِاسْتِخْدَامِهِ، فَانْتَشَرَ الدِّينَامِيَتُ فِي جَمِيعِ أَنْحَاءِ الْعَالَمِ.

قَامَ الْفِرْدُ بِإِنْشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصَانِعِ وَالْمَعَامِلِ فِي عِشْرِينَ دَوْلَةً، وَكَسَبَ مِنْ ذَلِكَ ثَرَوَةً كَبِيرَةً جِدًّا حَتَّى أَصْبَحَ مِنْ أَغْنِيَاءِ الْعَالَمِ.

فَقَدْ اسْتَفَادَ الْإِنْسَانُ مِنْ هَذِهِ الْمَادَّةِ، وَسَهَّلَتْ أَعْمَالُهُ الصَّعْبَةَ فِي حَفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقَنْوَاتِ وَ إِنْشَاءِ الطَّرِيقِ وَ حَفْرِ الْمَنَاجِمِ وَ تَحْوِيلِ الْجِبَالِ وَ التَّلَالِ إِلَى سُهُولٍ صَالِحَةٍ لِلزَّرَاعَةِ.



وَمِنَ الْأَعْمَالِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي تَمَّتْ بِوَاسِطَةِ هَذِهِ الْمَادَّةِ تَفْجِيرُ الْأَرْضِ فِي قَنَآةِ «بَنَمَا» بِمِقْدَارٍ مِنَ الدِّينَامِيْتِ بَلَغَ أَرْبَعِينَ طُنًّا.

وَبَعْدَ أَنْ اخْتَرَعَ نَوْبِلُ الدِّينَامِيْتِ، إِزْدَادَتِ الْحُرُوبُ وَ كَثُرَتْ أَدَوَاتُ الْقَتْلِ وَ التَّخْرِيبِ بِهَذِهِ الْمَادَّةِ، وَإِنْ كَانَ غَرَضُهُ مِنْ اخْتِرَاعِهِ مُسَاعَدَةُ الْإِنْسَانِ فِي مَجَالِ الْأَعْمَارِ وَ الْبِنَاءِ.



نَشَرْتُ إِحْدَى الصُّحُفِ الْفَرَنْسِيَّةِ عِنْدَ مَوْتِ أَخِيهِ الْآخِرِ عُنْوَانًا خَطَأً:
«مَاتَ أَلْفَرْد نوبل تاجرُ المَوْتِ الَّذِي أَصْبَحَ غَنِيًّا مِنْ خِلَالِ إِيجَادِ طَرِيقٍ لِقَتْلِ الْمَزِيدِ
مِنَ النَّاسِ».



شَعَرَ نوبلُ بِالدُّنْبِ وَبِخَبِيَّةِ الْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْعُنْوَانِ، وَبَقِيَ حَزِينًا وَخَافَ أَنْ يَذْكُرَهُ
النَّاسُ بِالسَّوَاءِ بَعْدَ مَوْتِهِ. لِذَلِكَ فَقَدْ بَنَى مُؤَسَّسَةً لِمَنْحِ الْجَوَائِزِ الشَّهِيرَةِ بِاسْمِ
«جَائِزَةِ نوبل». وَ مَنَحَ ثَرَوَتَهُ لِشِرَاءِ الْجَوَائِزِ الذَّهَبِيَّةِ لِكَي يُصَحَّحَ خَطَأُهُ.
تُمنَحُ هَذِهِ الْجَائِزَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ فِي مَجَالَاتٍ حَدَدَهَا، وَ
هِيَ مَجَالَاتُ السَّلَامِ وَ الْكِيمِيَاءِ وَ الْفِيزِيَاءِ وَ الطَّبِّ وَ الْأَدَبِ وَ
وَلَكِنْ هَلْ تُعْطَى الْجَوَائِزُ الْيَوْمَ لِمَنْ هُوَ أَهْلٌ لِذَلِكَ؟!



لِكُلِّ اخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَابْتِكَارٍ فِي التَّقْنِيَّةِ وَجِهَانِ:
وَجْهٌ نَافِعٌ، وَوَجْهٌ مُضِرٌّ.
وَ عَلَى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ يَسْتَفِيدَ مِنَ الْوَجْهِ النَّافِعِ.

أَجْرِي: اجرا کرد (مضارع: يُجْرِي)

«لِيُجْرِي: تا اجرا کند»

أَضْعَفَ: ضعیف کرد

أَعْمَارَ: آباد کردن (أَعْمَرَ، يُعْمِرُ)

أَفَادَ: سود رساند (مضارع: يُفِيدُ)

أَقْبَلَ عَلَيَّ: به ... روی آورد

الْأَنْحَاءَ: سمت‌ها، سوها

«مفرد: النَّحْوُ»

الْأَنْفَاقَ: تونل‌ها «مفرد: النَّفَقُ»

إِنْهَدَمَ: ویران شد

إِهْتَمَّ: اهتمام ورزید (مضارع: يَهْتَمُّ)

يَهْتَمُّ

الْأَهْلَ: شایسته

التَّحْوِيلَ: دگرگونی

التَّنْطُورَ: بهینه‌سازی

التَّقْنِيَّةَ: فنّآوری (تکنیک)

التَّلَالَ: تپه‌ها «مفرد: التَّلَّ»

تَمَّ -: انجام شد، کامل شد

(مضارع: يَتِمُّ)

جُلْبُ شَعِيرَةٍ: پوست جویی

حَدَّدَ: مشخص کرد

خَبِيَّةُ الْأَمَلِ: ناامیدی ≠ الرِّجَاءُ

الدَّوُوبَ: با پشتکار

السُّوَيْدَ: سوئد

سَهَّلَ: آسان کرد ≠ صَعَّبَ

السُّهولَ: دشت‌ها «مفرد: السَّهْلُ»

الشَّعِيرَ: جو

الشَّقَّ: شکافتن (شَقَّ، يَشُقُّ)

الصَّالِحَةُ لِلزَّرَاعَةِ: قابل کشت

الصَّبِيَّ: کودک، پسر

«جمع: الصَّبِيَّانَ»

صَحَّحَ: تصحیح کرد

الطَّنَ: تَنْ «جمع: الْأَطْنَانُ»

الْفَرَنْسِيَّةَ: زبان فرانسوی

الفيزياء: فیزیک

قَنَاةً بَنَمَا: کانال پاناما

الْقَنَوَاتَ: کانال‌ها «مفرد: الْقَنَاةُ»

كَسَبَ -: به دست آورد

الْمَجَالَ: زمینه «جمع: الْمَجَالَاتُ»

الْمَنَاجِمَ: معادن «مفرد: الْمَنْجَمُ»

نَشَرَ -: پخش کرد



حَوْلَ النَّصِّ

أ. ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- بَعْدَ اخْتِرَاعِ الدِّيْنَامِيْتِ، إِزْدَادَتْ وَ كَثُرَتْ وَسَائِلُ الْقَتْلِ وَ التَّخْرِيبِ بِهَذِهِ الْمَادَّةِ.
- ٢- أَقْبَلَ عَلَى شِرَاءِ الدِّيْنَامِيْتِ رُؤَسَاءُ شَرِكَاتِ الْبِنَاءِ وَ وَ الْقَوَاتِ الْمُسَلَّحَةِ.
- ٣- كَانَ نُوْبِلَ قَدْ أَقَامَ مَصْنَعًا لِصِنَاعَةِ مَادَّةِ «النِّيْتروغليسرين».
- ٤- بَنَى نُوْبِلَ مُخْتَبَرًا وَلَكِنَّهُ انْفَجَرَ وَ انْهَدَمَ، وَ تَسَبَّبَ بِمَقْتَلِ
- ٥- تُمنَحُ جَائِزَةُ نُوْبِلِ فِي كُلِّ إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ فِي مَجَالَاتٍ مُحَدَّدَةٍ.
- ٦- قَامَ الْفِرْدُ بِإِنْشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصْنَعِ وَ الْمَعَامِلِ فِي دَوْلَةٍ.

ب. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- لَمْ يَكُنْ لِاخْتِرَاعِ الدِّيْنَامِيْتِ تَأْثِيرٌ فِي تَسْهِيلِ الْأَعْمَالِ الصَّعْبَةِ كَحَفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقَنَوَاتِ.
- ٢- خَافَ نُوْبِلُ أَنْ يَذْكُرَهُ النَّاسُ بِالسَّوْءِ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ لِذَلِكَ فَقَدْ بَنَى مُؤَسَّسَةً «جَائِزَةُ نُوْبِلِ».
- ٣- الَّذِينَ حَصَلُوا عَلَى جَوَائِزِ نُوْبِلَ خِلَالَ السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ كَانُوا كُلُّهُمْ أَهْلًا لِذَلِكَ.
- ٤- لِكُلِّ اخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَ ابْتِكَارٍ فِي التَّقْنِيَّةِ وَجْهٌ نَافِعٌ، وَ وَجْهٌ مُضِرٌّ.
- ٥- إِنَّ الْمُخْتَرَعَاتِ الْحَدِيثَةَ سَاعَدَتْ الْبَشَرَ لِتَسْهِيلِ أُمُورِ الْحَيَاةِ.
- ٦- كَانَ غَرَضُ نُوْبِلِ مِنْ اخْتِرَاعِ الدِّيْنَامِيْتِ إِشَاعَةُ الْحُرُوبِ.

التَّمْيِيزُ الْجَلْسَةُ التَّاسِعَةُ وَالْعِشْرُونَ

ما هُوَ التَّمْيِيزُ؟

التَّمْيِيزُ اسْمٌ نَكْرَةٌ وَ جَامِدٌ وَ مَنْصُوبٌ يَرْفَعُ إِبْهَامَ مَا جَاءَ قَبْلَهُ؛ مِنْ جُمْلَةٍ أَوْ اسْمٍ مُفْرَدٍ؛ وَ هُوَ نَوْعَانِ؛ نَحْوُ:

۱- «تَمْيِيزُ نِسْتَةٍ»؛ نَحْوُ:

طَابَ الرَّجُلُ نَفْسًا. (روانِ مرد پاک شد.) وَ اِمْتَلَأَ قَلْبُ الْأُمِّ حَنَانًا. (دلِ مادر از مهر پر شد).

۲- «تَمْيِيزُ ذَاتٍ»؛ نَحْوُ:

شَرِبْتُ فَنَجَانًا قَهْوَةً. (فنجانی قهوه نوشیدم.) وَ اشْتَرَيْتُ زُجَاجَةً عَسَلًا. (شیشه‌ای عسل خریدم).

★ لِ «تَمْيِيزِ النَّسَبَةِ» اسْمٌ آخَرٌ وَ هُوَ «تَمْيِيزُ الْجُمْلَةِ»؛ وَلِ «تَمْيِيزِ الذَّاتِ» اسْمٌ آخَرٌ وَ هُوَ «تَمْيِيزُ الْمُفْرَدِ». ★

«تَمْيِيزُ الذَّاتِ» يَأْتِي بَعْدَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ:

۱- أَسْمَاءُ الْوُزْنِ نَحْوُ: اشْتَرَيْتُ كِيلَوَيْنِ رُمَانًا.

۲- أَسْمَاءُ الْمَكِيلَاتِ نَحْوُ: شَرِبْتُ كُوبًا شَايَاً.

۳- أَسْمَاءُ الْمِسَاحَةِ نَحْوُ: بَعْتُ مِثْرًا قُمَاشًا.

۴- أَسْمَاءُ الْعَدَدِ مِنْ ۱۱ إِلَى ۹۹ نَحْوُ: عَلَى الْمِنْصَدَةِ أَحَدَعَشَرَ قَلَمًا.

✓ إِنَّ تَمْيِيزَ الْوُزْنِ وَ الْكَيْلِ وَ الْمِسَاحَةِ يَجُوزُ جَرُّهُ بِ «مِنْ»، وَ حِينَئِذٍ يُعْرَبُ جَارًا وَ مَجْرورًا؛ نَحْوُ:

اشْتَرَيْتُ كِيلَوَيْنِ مِنَ الرُّمَانِ. شَرِبْتُ كُوبًا مِنَ الشَّايِ. اشْتَرَيْتُ مِثْرًا مِنَ الْقُمَاشِ.

✓ وَ يَأْتِي «تَمْيِيزُ النَّسَبَةِ» بَعْدَ «اسْمِ التَّفْضِيلِ» كَثِيرًا؛ نَحْوُ:

«أَخْتِي أَحْسَنُ مِنِّي أَخْلَاقًا».

«كَمْ» وَ تَمْيِيزُهَا:

«كَمْ» عَلَى قِسْمَيْنِ: اسْتِفْهَامِيَّةٌ وَ خَبَرِيَّةٌ.

✓ «كَمْ» الْاسْتِفْهَامِيَّةُ مَا يُسْتَفْهَمُ بِهَا عَنْ عَدَدٍ مُبْهِمٍ يُرَادُ تَعْيِينُهُ؛ نَحْوُ:

«كَمْ مُسَافِرًا فِي هَذَا الْفُنْدُقِ؟»^۱ وَ تَمْيِيزُهَا مُفْرَدٌ مَنْصُوبٌ.

۱- چند مسافر در این هتل هستند؟

✓ «كَمْ» الْخَبَرِيَّةُ تَكُونُ بِمَعْنَى «كَثِيرٍ» وَ تُخْبِرُ عَنْ عَدَدٍ كَثِيرٍ مُبْهَمِ الْكَمِّيَّةِ وَ تَمَيِّزُهَا يَقَعُ مُضَافًا إِلَيْهِ أَوْ مَجْرُورًا بِـ «مِنْ» ؛ نَحْوُ:

«كَمْ مُسَافِرٍ شَاهَدْتُ فِي هَذَا الْفُنْدُقِ!» أَوْ «كَمْ مِنْ مُسَافِرٍ شَاهَدْتُ فِي هَذَا الْفُنْدُقِ!»^١

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

■ عَيِّنِ التَّمْيِيزَ وَبَيِّنْ نَوْعَهُ.

١- قَرَأْتُ اثْنَيْ عَشَرَ كِتَابًا صَغِيرًا خِلَالَ شَهْرٍ.

٢- لِأُسْرَتِي هِكْتَارٌ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ.

٣- أَنَا أَكْثَرُ الطُّلَابِ نَشَاطًا.

٤- أَنْفَقْتُ مَنًا قَمَحًا أَمْسٍ.

٥- كَمْ رِسَالَةً كَتَبْتُ؟

٦- كَمْ كِتَابٍ قَرَأْتُ!

التَّمْرِينُ الثَّانِي:

■ مَيِّزِ الْحَالَ وَالتَّمْيِيزَ وَ الْمَفَاعِيلَ وَأَنْوَعَهَا:

١- بَعْضُ الْعُمَالِ يَذْهَبُونَ إِلَى عَمَلِهِمْ لَيْلًا، وَ يَرْجِعُونَ إِلَى بُيُوتِهِمْ صَبَاحًا.

٢- تَخْتَلِفُ السَّنَةُ الشَّمْسِيَّةُ عَنِ الْقَمَرِيَّةِ بِأَحَدَ عَشَرَ يَوْمًا.

٣- أَوْصَيْتُ الصَّائِغَ^٢ أَنْ يَصُوغَ^٣ لِي خَاتَمًا فِضَّةً.

٤- يُكْرِمُ الْمُسْلِمُونَ ضُيُوفَهُمْ إِكْرَامًا بِالْغَا.

٥- لَا تَقُمْ إِلَى الصَّلَاةِ مُتَكَاسِلًا.

١- چه بسیار مسافر را در این هتل دیدم. ٢- الصَّائِغُ: زرگر ٣- صَاعٌ: به قالب ریخت، ساخت

ما هو الاستثناء؟

الِاسْتِثْنَاءُ هُوَ إِخْرَاجُ مَا بَعْدَ أَدَاةِ الْإِسْتِثْنَاءِ مِنْ حُكْمِ مَا قَبْلَهَا؛ نَحْوُ: «جَاءَ التَّلَامِيذُ إِلَّا قَاسِمًا»
وَيُسَمَّى الْمُخْرَجُ «مُسْتَثْنًى» وَ الْمُخْرَجُ مِنْهُ «مُسْتَثْنًى مِنْهُ». وَ تُسَمَّى كَلِمَةُ إِلَّا «أَدَاةَ الْإِسْتِثْنَاءِ»؛ نَحْوُ:

«رَجَعَ التَّلَامِيذُ إِلَّا جَعْفَرًا»
↓ ↓ ↓
الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ أَدَاةُ الْإِسْتِثْنَاءِ الْمُسْتَثْنَى

أَدَوَاتُ الْإِسْتِثْنَاءِ هِيَ: («إِلَّا» حَرْفٌ) وَ («غَيْرُ» وَ «سِوَى» إِسْمَانِ)

★ («ما عدا» وَ «ما خلا» فِعْلَانِ). ★

الِاسْتِثْنَاءُ ثَلَاثَةُ أَقْسَامٍ:

- ١- الْمُتَّصِلُ: وَ هُوَ مَا كَانَ فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْ جِنْسِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ؛ نَحْوُ: جَاءَ التَّلَامِيذُ إِلَّا أَخَاكَ.
- ٢- الْمُنْقَطِعُ: وَ هُوَ مَا كَانَ فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْ غَيْرِ جِنْسِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ وَ لَا يَكُونُ الْمُسْتَثْنَى فِيهِ إِلَّا مَنْصُوبًا؛ نَحْوُ: حَضَرَ الطُّلُبُ قَاعَةَ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا كُتُبُهُمْ. وَ صَلَّى الْمُسَافِرُونَ إِلَى الْمَطَارِ إِلَّا حَقَائِبَهُمْ.
- ٣- الْمَفْرَعُ: وَ هُوَ مَا يُحَدِّثُ فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ وَ يُفِيدُ الْحَصَرَ وَ الْإِخْتِصَاصَ؛ نَحْوُ: مَا جَاءَ إِلَّا أَخُوكَ.

✓ يَجِبُ نَصْبُ الْمُسْتَثْنَى بِـ «إِلَّا» مَتَى كَانَتِ الْجُمْلَةُ قَبْلَهَا تَامَّةً الْمَعْنَى وَ مُثَبَّتَةً (أَيَّ غَيْرِ مَنْفِيَّةٍ)؛ نَحْوُ:

يَعِيشُ النَّاسُ بِرَاحَةٍ إِلَّا الْكِسْلَانَ.
↓ ↓
جُمْلَةٌ تَامَةٌ مُثَبَّتَةٌ مُسْتَثْنَى بِإِلَّا مَنْصُوبٌ وَجُوبًا

✓ وَ أَمَّا إِذَا كَانَتِ الْجُمْلَةُ التَّامَّةُ فِي الْإِسْتِثْنَاءِ الْمُتَّصِلِ مَنْفِيَّةً، فَيَجُوزُ فِيهَا الْوُجْهَانِ:

إِمَّا النَّصْبُ وَ إِمَّا إِنْبَاعُ^١ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ فِي الْإِعْرَابِ؛ نَحْوُ:

مَا نَجَحَ الطُّلُبُ إِلَّا إِسْمَاعِيلُ.
النَّصْبُ جُمْلَةٌ تَامَةٌ مَنْفِيَّةٌ مُسْتَثْنَى بِإِلَّا

مَا نَجَحَ الطُّلُبُ إِلَّا إِسْمَاعِيلُ.

الْإِنْبَاعُ جُمْلَةٌ تَامَةٌ مَنْفِيَّةٌ تَابِعُ الطُّلُبِ فِي الْإِعْرَابِ.

١- الْإِنْبَاعُ هُوَ أَنْ يُحَرِّكَ الْمُسْتَثْنَى بِمِثْلِ حَرَكَةِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ.

الْمُسْتَنْتَى الْمَفْرَعُ (الْحَصَرُ)

مَا هُوَ حُكْمُ الْمُسْتَنْتَى فِي الْإِسْتِثْنَاءِ الْمَفْرَعِ؟

يُعْرَبُ الْمُسْتَنْتَى حَسَبَ الْعَوَامِلِ الَّتِي قَبْلَهُ وَ يُشْتَرَطُ فِيهِ أَنْ تَكُونَ الْجُمْلَةُ بَعْدَ نَفْيٍ أَوْ شَبْهِهِ^١.

فقط هاشم آمد. (کسی جز هاشم نیامد).

ما جاءَ إِلَّا (أَدَاهُ حَصَرٌ) هَاشِمٌ. (فَاعِلٌ)

فقط هاشم را دیدم. (کسی جز هاشم را ندیدم).

ما رَأَيْتُ إِلَّا (أَدَاهُ حَصَرٌ) هَاشِمًا. (مَفْعُولٌ بِهِ)

لَا أُسَلِّمُ إِلَّا (أَدَاهُ حَصَرٌ) عَلَى هَاشِمٍ. (مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ) فقط به هاشم سلام می‌کنم. (به کسی جز هاشم سلام نمی‌کنم).

آیا کسی جز هاشم تلاشگر است؟

هَلْ مُجِدٌّ (خَبَرٌ) إِلَّا هَاشِمٌ؟ (مُبْتَدَأٌ)

درس هایت را جز با جدیت دوره نکن.

لَا تَرَاوِجُ دُرُوسَكَ إِلَّا مُجِدًّا. (حَالٌ)

✓ يُعْرَبُ الْمُسْتَنْتَى بِـ «غَيْرِ» مَجْرُورًا بِالإِضَافَةِ. وَ تُعْرَبُ كَلِمَةُ «غَيْرِ» مِثْلَ الْإِسْمِ الْوَاقِعِ بَعْدَ «إِلَّا»؛ نَحْوُ:

نَجَحَ التَّلَامِيذُ غَيْرَ الْكَسْلَانِ.



نَجَحَ التَّلَامِيذُ إِلَّا الْكَسْلَانِ.

مُضَافٌ إِلَيْهِ

فَاعِلٌ

فَاعِلٌ

(مُسْتَنْتَى، مَنْصُوبٌ)

أُعْرِبْتُ إِعْرَابَ الْمُسْتَنْتَى بِإِلَّا.

مَا رَسَبَ التَّلَامِيذُ غَيْرَ الْكَسْلَانِ.



مَا رَسَبَ التَّلَامِيذُ إِلَّا الْكَسْلَانِ.

مُضَافٌ إِلَيْهِ

فَاعِلٌ

فَاعِلٌ

مُسْتَنْتَى مَنْصُوبٌ

أُعْرِبْتُ إِعْرَابَ الْمُسْتَنْتَى بِإِلَّا.

مَا رَسَبَ التَّلَامِيذُ غَيْرَ الْكَسْلَانِ.



مَا رَسَبَ التَّلَامِيذُ إِلَّا الْكَسْلَانِ.

مُضَافٌ إِلَيْهِ

فَاعِلٌ

فَاعِلٌ

تَابِعُ إِعْرَابِ الْفَاعِلِ

أُعْرِبْتُ إِعْرَابَ الْمُسْتَنْتَى بِإِلَّا.

✓ كَلِمَةُ «سَوَى» مِثْلَ كَلِمَةِ «غَيْرِ»، لَا تَفْتَرِقُ عَنْهَا شَيْئًا؛ إِلَّا أَنَّهَا تُعْرَبُ تَقْدِيرًا؛ لِأَنَّهَا مَقْصُورَةٌ.

١- شَبْهُ النَّفْيِ يَشْمَلُ النَّهْيَ وَ الْإِسْتِفْهَامَ.

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

■ تَرْجِمْ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنِ الْمُسْتَثْنَى وَإِعْرَابَهُ، وَالْمُسْتَثْنَى مِنْهُ.

۱- ﴿...كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...﴾ الْقَصَص: ۸۸

۲- ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ ص: ۷۳ و ۷۴

۳- كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ: عَيْنُ سَهْرَتٍ^۱ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَيْنُ غُصَّتٍ^۲ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنُ فَاصَّتٍ^۳ مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- كُلُّ وَعَاءٍ^۴ يَضِيقُ^۵ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ^۶ بِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ



۵- كُلُّ شَيْءٍ يَرْخُصُ^۷ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَثُرَ غَلَا^۸. مَثَلُ عَرَبِيٍّ

۶- مَا نَجَحَ غَيْرُ الْمُجْتَهِدِ.

۱- سَهْرَتٌ: بیدار ماند ۲- غَصَّ عَيْنُهُ: چشم بر هم نهاد ۳- فَاصَّتْ: لبریز شد ۴- الْخَشْيَةُ: پروا ۵- الْوَعَاءُ: ظرف ۶- ضَاقَ: تنگ شد ۷- اتَّسَعَ: فراخ شد ۸- رَخَصَ: ارزان شد ۹- غَلَا: گران شد

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

■ تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ، ثُمَّ مَيِّزِ الْإِسْتِثْنَاءَ الْمُفَرَّغَ وَاعْرِبْ مَا بَعْدَ «إِلَّا».

١- ﴿... لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٨٣

٢- ﴿... وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٩٩

٣- ﴿... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ...﴾ الْأَنْعَام: ٣٢

٤- ﴿... لَا يَبْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يُوسُف: ٨٧

٥- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...﴾ الْأَعْرُف: ٢ و ٣

٦- ﴿وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ ...﴾ النَّسَاء: ٦٦

٧- ﴿... قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي ... فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٤٩

الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

■ صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً صَحِيحَةً؛ ثُمَّ مَيِّزِ الْإِسْتِثْنَاءَ الْمُفَرَّغَ.

- ١- ذَهَبَ الزُّمْلَاءُ إِلَى السَّفَرَةِ غَيْرَ
☐ سَعِيدٌ ☐ سَعِيداً ☐ سَعِيدٍ
- ٢- خَرَجَ التَّلَامِيذَةُ مِنَ الصَّلَاةِ إِلَّا
☐ مَحْمُودٌ ☐ مَحْمُوداً ☐ مَحْمُودٍ
- ٣- يُمَارِسُ الطُّلَّابُ الرِّيَاضَةَ الْمَرِيضُ.
☐ غَيْرُ ☐ غَيْرَ ☐ غَيْرِ
- ٤- مَا فَازَ فِي الْمُبَارَاةِ إِلَّا
☐ حَامِدٌ ☐ حَامِداً ☐ حَامِداً
- ٥- لَا أَمْرٌ إِلَّا بِ
☐ سَلِيمٌ ☐ سَلِيماً ☐ سَلِيمٍ
- ٦- لَمْ يَنْجَحْ إِلَّا
☐ الْمُجْتَهِدُ ☐ الْمُجْتَهِدَ ☐ الْمُجْتَهِدِ



الإضافة الحادية والثلاثون

ما هي الإضافة؟

الإضافة هي نِسْبَةُ اسْمٍ إِلَى اسْمٍ آخَرَ؛ نَحْوُ: «حَقِيبَةُ الطَّالِبِ». نَسَبْنَا «الحَقِيبَةَ» إِلَى «الطَّالِبِ». وَ يُسَمَّى الْأَوَّلُ مُضَافًا وَ الثَّانِي مُضَافًا إِلَيْهِ.

* كَمْ نَوْعًا لِلإِضَافَةِ؟ الإِضَافَةُ نَوْعَانِ: مَعْنَوِيَّةٌ وَ لَفْظِيَّةٌ.

ما هي الإضافة المعنوية؟

الإِضَافَةُ الْمَعْنَوِيَّةُ هِيَ نِسْبَةُ اسْمٍ إِلَى اسْمٍ آخَرَ عَلَى تَقْدِيرِ مَعْنَى أَحَدِ حُرُوفِ الْجَرِّ «لِ، مِنْ، فِي» بَيْنَهُمَا لِتَعْرِيفِ الْمُضَافِ إِذَا كَانَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ مَعْرِفَةً أَوْ لِتَخْصِيصِهِ إِذَا كَانَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ نَكْرَةً؛ نَحْوُ: (بَيْتٌ مَسْعُودٍ. أَيُّ بَيْتٍ لِمَسْعُودٍ) (خَاتَمٌ ذَهَبٍ. أَيُّ خَاتَمٍ مِنْ ذَهَبٍ). (صَلَاةُ الظُّهْرِ. أَيُّ صَلَاةٍ فِي الظُّهْرِ).^١

ما هو سَبَبُ تَسْمِيَةِ الإِضَافَةِ مَعْنَوِيَّةً؟

سُمِّيَتْ مَعْنَوِيَّةً لِأَنَّهَا تَتَضَمَّنُ مَعْنَى حَرْفٍ مِنْ أَحْرِفِ الْجَرِّ الثَّلَاثَةِ: «لِ، مِنْ، فِي». *

ما هو حُكْمُ الْمُضَافِ فِي الإِضَافَةِ؟

حُكْمُ الْمُضَافِ أَنْ يُجَرَّدَ مِنْ «أَل» وَ «التَّنوين» وَ «نَوْنِي التَّنْيَةِ وَ الْجَمْعِ»؛ نَحْوُ:

| صَحِيحٌ ✓ | خَطَأٌ ✗ | صَحِيحٌ ✓ | خَطَأٌ ✗ | صَحِيحٌ ✓ | خَطَأٌ ✗ | خَطَأٌ ✗ |
|-------------------------|----------------------------|-------------------------|--------------------------|-------------------------|-------------------------|----------------------------|
| مُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ | الْمُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ | مُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ | مُعَلِّمُو الْمَدْرَسَةِ | مُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ | مُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ | مُعَلِّمَانِ الْمَدْرَسَةِ |

الْمُضَافُ إِلَيْهِ مَجْرُورٌ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ كَمَا رَأَيْتَ.

* ما هي الإضافة اللفظية؟

الإِضَافَةُ اللَّفْظِيَّةُ هِيَ إِضَافَةُ الصِّفَةِ إِلَى مَوْصُوفِهَا؛ نَحْوُ:

«مَكْسُورُ الرَّجُلِ» وَ «حَسَنُ الْمُعَامَلَةِ». *

١- تَكُونُ الإِضَافَةُ الْمَعْنَوِيَّةُ بِمَعْنَى «مِنْ» مَتَى كَانَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ جِنْسًا لِلْمُضَافِ؛ نَحْوُ: سَوَاحُ فِضَّةٍ. أَيُّ: سَوَاحٌ مِنْ فِضَّةٍ. وَ تَكُونُ بِمَعْنَى «فِي» مَتَى كَانَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ ظَرْفًا لِلْمُضَافِ؛ نَحْوُ: اسْتِرَاحَةُ الْمَسَاءِ. أَيُّ: اسْتِرَاحَةٌ فِي الْمَسَاءِ. وَ تَكُونُ بِمَعْنَى «لِ» مَتَى كَانَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ مَالِكًا لِلْمُضَافِ؛ نَحْوُ: جَائِزَةُ صَدِيقِكَ. أَيُّ: جَائِزَةٌ لِصَدِيقِكَ.

★ ما هو حُكْمُ الْمُضَافِ فِي الْإِضَافَةِ اللَّفْظِيَّةِ؟

إِنَّ الْمُضَافَ فِي الْإِضَافَةِ اللَّفْظِيَّةِ نَكِرَةٌ عَلَى الرَّغْمِ مِنْ أَنَّ الْمُضَافَ إِلَيْهِ فِيهَا مَعْرِفَةٌ؛ لِذَلِكَ يَجُوزُ أَنْ يَفْتَرِنَ بِـ «أَل» بِشَرْطِ أَنْ يَكُونَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ مُقْتَرِنًا بِـ «أَل» أَيْضًا؛ نَحْوُ:

«مَكْسُورُ الرَّجُلِ» أَوْ «الْمَكْسُورُ الرَّجُلِ» وَ «حَسَنُ الْمُعَامَلَةِ» أَوْ «الْحَسَنُ الْمُعَامَلَةِ». ★

الْأَسْمَاءُ الْمُلَازِمَةُ لِلْإِضَافَةِ^١

أَهْمُ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا تَنْفَكُ عَنِ الْإِضَافَةِ هِيَ:

كُلٌّ وَ بَعْضٌ وَ جَمِيعٌ وَ مِثْلٌ وَ شَبْهُ وَ غَيْرٌ وَ سَوَى وَ كِلَا وَ سُبْحَانَ وَ مَعَادٌ وَ ذُو وَ ذَاتٌ وَ ذَوَاتٌ وَ أُولُو وَ بَيْنٌ وَ لَدَى وَ لَدُنْ وَ عِنْدَ وَ أَيْ وَ خَلْفٌ وَ أَمَامٌ وَ فَوْقَ وَ تَحْتَ وَ يَمِينٌ وَ شِمَالٌ وَ كِلَا وَ كِلْتَا ...

فَكُلُّ اسْمٍ يَقَعُ بَعْدَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ يَكُونُ مَجْرُورًا بِالْإِضَافَةِ؛ نَحْوُ: كُلُّ طَالِبٍ وَ بَعْضُ الطُّلَابِ وَ جَمِيعُ الطُّلَبَةِ.

★ قَدْ حُذِفَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ لِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ؛ فَتَنَوَّنُ؛ نَحْوُ:

نَجَحُوا جَمِيعًا. أَيْ نَجَحُوا جَمِيعَهُمْ. وَ رَجَعُوا مَعًا. أَيْ رَجَعُوا مَعَ بَعْضِهِمْ.

إِنَّ الْجِهَاتِ السَّتَّ وَ هِيَ «خَلْفٌ وَ أَمَامٌ وَ فَوْقَ وَ تَحْتَ وَ يَمِينٌ وَ شِمَالٌ» وَ مَا جَرَى مَجْرَاهَا كَ «دُونَ وَ قَبْلَ وَ بَعْدَ» إِذَا حُذِفَ مَا تُضَافُ إِلَيْهِ، جَازَ:

أَنْ تُسْتَعْمَلَ مَنُونَةٌ كَبَقَايِ النَّكَرَاتِ الْمُعَرَّبَةِ؛ نَحْوُ: «قَدْ وَصَلَ صَدِيقِي إِلَيَّ قَبْلًا».

وَ أَنَّ تُبْنَى عَلَى الضَّمِّ؛ نَحْوُ: ﴿... لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ ...﴾ (الرَّوم: ٤) أَوْ «جَاءَ قَبْلُ».

إِنَّ بَعْضَ الظُّرُوفِ يُلْزَمُ إِضَافَتُهَا إِلَى الْجُمْلَةِ الْخَبَرِيَّةِ مِثْلُ: «حَيْثُ وَ إِذْ وَ لَمَّا وَ إِذَا»؛ نَحْوُ:

«نَزَلْتُ مِنَ الْفَرَسِ حَيْثُ الْيَنَابِيعُ جَارِيَةٌ». (از اسب فرود آمدم؛ جایی که چشمه‌ها روان‌اند).

وَ تُعَرَّبُ الْجُمْلَةُ حِينَئِذٍ مُضَافًا إِلَيْهِ مَجْرُورًا مَحَلًّا. ★

١- الْأَسْمَاءُ الْمُلَازِمَةُ لِلْإِضَافَةِ: اسم‌های دائم‌الاضافه

التَّمرينُ الأوَّلُ:

■ عَيِّنِ الإِضَافَةَ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ.

- ١- قَدْ تَلَجَّأَ بَعْضُ الطُّيُورِ إِلَى حَيْلٍ لِيُطْرِدَ مُفْتَرِسِيهَا عَنْ أَعْشَاشِهَا.
- ٢- مَنَحَ نَوِيلٌ ثَرَوَتَهُ لِشِرَاءِ الْجَوَائِزِ الذَّهَبِيَّةِ.
- ٣- مُؤَلِّفُ هَذَا الْمُعْجَمِ أَسْتَاذُ الْمُؤَلِّفِينَ.
- ٤- تَعَرَّفْتُ عَلَى شَخْصٍ مَحْمُودِ الْخِصَالِ.
- ٥- مُصَلِّحُ السَّيَّارَاتِ مَشْغُولٌ بِالْعَمَلِ.
- ٦- هَذَا الرَّجُلُ صَاحِبُ الْمَنَجَرِ.

التَّمرينُ الثَّانِي:

■ صَعِّ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ.

- ١- أَ تَعْلَمُ أَنَّ مَدْرَسَتِنَا فِي السَّاحَةِ؟! ☐ مُعَلِّمِينَ ☐ مُعَلِّمِي
- ٢- جَمِيعُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ. ☐ الطُّلَّابِ ☐ الطُّلَّابِ
- ٣- سُبْحَانَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. ☐ اللّٰهُ ☐ اللّٰهُ
- ٤- الطُّلَّابُ يُحِبُّونَ التَّارِيخِ. ☐ كِتَابَ ☐ الْكِتَابِ
- ٥- إِنَّ الْمَصْنَعِ قَوِيَّانِ. ☐ حَارِسِينَ ☐ حَارِسِي
- ٦- أَنْتُمَا الْعَزِيزَانِ. ☐ صَاحِبَايَ ☐ صَاحِبَانِي
- ٧- آفَةُ التُّسَيَّانِ. ☐ الْعِلْمُ ☐ الْعِلْمِ

۹

الدَّرْسُ التَّاسِعُ



«الْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ»

فَ «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش شکار است و نوشتن بند؛ پس دانش را با نوشتن به بند آورید.

عَنْ كِتَابِ «أَنَا» لِعَبَّاسِ مَحْمُودِ الْعَقَّادِ، بِتَصَرُّفٍ

إِنَّ الْكَتُبَ طَعَامُ الْفِكْرِ، وَ لِكُلِّ فِكْرٍ طَعَامٌ، كَمَا تَوْجَدُ أَطْعَمَةٌ لِكُلِّ جِسْمٍ. وَ مِنْ مَزَايَا الْجِسْمِ الْقَوِيُّ أَنَّهُ يَجْذِبُ غِذَاءً مُنَاسِبًا لِنَفْسِهِ، وَ كَذَلِكَ الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضُوعٍ، وَ إِنَّ التَّحْدِيدَ فِي اخْتِيَارِ الْكَتُبِ كَالْتَّحْدِيدِ فِي اخْتِيَارِ الطَّعَامِ، كِلَاهُمَا لَا يَكُونُ إِلَّا لِطِفْلِ أَوْ مَرِيضٍ. إِذَا كَانَ لَكَ فِكْرٌ قَادِرٌ تَسْتَطِيعُ بِهِ أَنْ تَفْهَمَ مَا تَقْرَأُ؛ فَافْرَأْ مَا تُحِبُّ مِنَ الْكَتُبِ؛ فَالْتَّجَارِبُ لَا تُغْنِينَا عَنِ الْكَتُبِ؛ لِأَنَّ الْكَتُبَ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرِّ آلَافِ السِّنِينَ، وَ لَا يُمَكِّنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجْرِبَةُ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَاتِ السِّنِينَ.



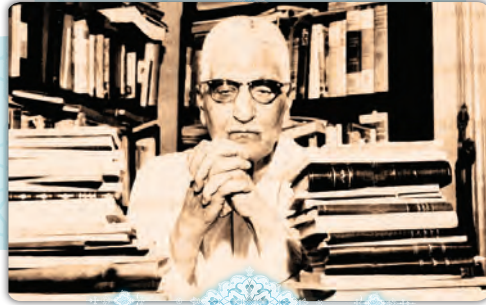
و لَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مُكَرَّرَةً؛ لِأَنِّي أَعْتَقِدُ أَنَّ الْفِكْرَةَ الْوَاحِدَةَ إِذَا طَرَحَهَا أَلْفُ كَاتِبٍ، أَصْبَحَتْ أَلْفُ فِكْرَةٍ. وَ لِهَذَا أُرِيدُ أَنْ أَقْرَأَ فِي الْمَوْضُوعِ الْوَاحِدِ آراءَ عِدَّةِ كُتَّابٍ؛ لِأَنَّ هَذَا الْعَمَلَ أَمْتَعُ وَ أَنْفَعُ مِنْ قِرَاءَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ، فَمَثَلًا أَقْرَأُ فِي حَيَاةِ «نَابِلْيُون» آراءَ ثَلَاثِينَ كَاتِبًا، وَ أَنَا وَاثِقٌ أَنَّ كُلَّ كَاتِبٍ قَدْ وَصَفَ نَابِلْيُونَ بِأَوْصَافٍ لَا تُشَبِّهُ أَوْصَافَ الْكُتَّابِ الْآخَرِينَ.

فَرُبَّ كِتَابٍ يَجْتَهِدُ الْقَارِئُ فِي قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا يَخْرُجُ مِنْهُ بِفَائِدَةٍ، وَ رَبَّ كِتَابٍ يَتَصَفَّحُهُ قَارِئُهُ؛ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأْثِيرًا عَمِيقًا يَظْهَرُ فِي آرَائِهِ. أَمَّا الْكِتَابُ الْمُفِيدُ فَهُوَ الَّذِي يَزِيدُ مَعْرِفَتَكَ فِي الْحَيَاةِ وَ قُوَّتَكَ عَلَى الْفَهْمِ وَ الْعَمَلِ، فَإِذَا وَجَدْتَ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ، كَانَ جَدِيرًا بِالْعِنَايَةِ وَ التَّقْدِيرِ.

الْعَقَّادُ أَدِيبٌ وَ صَحْفِيُّ وَ مُفَكِّرٌ وَ شَاعِرٌ مِصْرِيٌّ؛ أُمُّهُ مِنْ أَصْلِ كُرْدِيٍّ. فَكَانَ الْعَقَّادُ لَا يَرَى الْجَمَالَ إِلَّا الْحُرِّيَّةَ؛ وَ لِهَذَا لَا نُشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النَّشَاطَ عَلَى رَغَمِ ظُرُوفِهِ الْقَاسِيَةِ.



يُقَالُ إِنَّهُ قَرَأَ آلَافَ الْكُتُبِ. وَ هُوَ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَّابِ فِي مِصْرَ. فَقَدْ أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ.



ما دَرَسَ الْعَقَادُ إِلَّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ، لِعَدَمِ وُجُودِ مَدْرَسَةٍ ثَانَوِيَّةٍ فِي مُحَافَظَةِ
 أَسْوَانَ الَّتِي وُلِدَ وَ نَشَأَ فِيهَا. وَ مَا اسْتَطَاعَتْ أُسْرَتُهُ أَنْ تُرْسَلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ
 دِرَاسَتِهِ. فَمَا اعْتَمَدَ الْعَقَادُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ. فَقَدْ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَاحِ الَّذِينَ
 كَانُوا يَأْتُونَ إِلَى مِصْرَ لِمِزْيَارَةِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.



أَضَافَ : افزود (مضارع: يُضِيفُ/

مصدر: إضافة)

أَعْنَى : بی نیاز گردانید

(مضارع: يُعْنِي/ مصدر: إغناء)

أَغْنَاهُ عَنْهُ: او را از آن بی نیاز کرد.

الْأَمْتَع : لذت بخش تر

الْتَحَدِيد : محدود کردن (ماضی:

حَدَّد/ مضارع: يُحَدِّدُ)

تَصَفَّحَ : ورق زد ، سریع مطالعه کرد

الْثَانَوِيَّة : دبیرستان

الْجَدِير : شایسته

الْصَحْفِي : روزنامه نگار

الْظُرُوف : شرایط «مفرد: الظَرْف»

الْقَاسِي : سخت و دشوار

الْكُتَّاب : نویسندگان «مفرد:

الْكَاتِب»

الْمَجَالَات : زمینه ها «مفرد:

الْمَجَال»

الْمَقَرَّ : اندیشمند

نَشَأَ : پرورش یافت

الْوَاتِق : مطمئن

هَنَّاكَ : وجود دارد ، آنجا

يُقَالُ : گفته می شود «مجهول يَقُولُ»



حَوَّلِ النَّصَّ

✓ x

عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ اَلْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- دَرَسَ الْعَقَّادُ فِي جَامِعَةٍ أَنْقَرَةَ وَ حَصَلَ عَلَى دُكْتوراه فَخَرِيَّةٍ مِنْهَا.

٢- رُبَّ كِتَابٍ تَجْتَهِدُ فِي قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا تَحْصُلُ عَلَى فَائِدَةٍ مِنْهُ.

٣- أَلَكْتُبُ تَجَارِبُ آلَافِ الْعُلَمَاءِ عَلَى مَرِّ السِّنِينَ.

٤- تَحْدِيدُ قِرَاءَةِ الْكُتُبِ نَافِعٌ فِي رَأْيِ الْكَاتِبِ.

٥- يَعْتَقِدُ الْعَقَّادُ أَنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْحُرِّيَّةِ.

٦- لَا طَعَامَ لِفِكْرِ الْإِنْسَانِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- لِمَاذَا لَمْ يُوَاصِلِ الْعَقَّادُ دِرَاسَتَهُ فِي الْمَدْرَسَةِ الثَّانَوِيَّةِ؟

٢- بِأَيِّ شَيْءٍ شَبَّهَ الْعَقَّادُ التَّحْدِيدَ فِي اخْتِيَارِ الْكُتُبِ؟

٣- كَمْ كِتَابًا أَضَافَ الْعَقَّادُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

٤- مِمَّنْ تَعَلَّمَ الْعَقَّادُ اللُّغَةَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ؟

٥- مَا هُوَ مِقْيَاسُ الْكُتُبِ الْمُفِيدَةِ؟

٦- مَا هِيَ مَزَايَا الْجِسْمِ الْقَوِيِّ؟

التَّوَابِعُ الْجَلْسَةُ الثَّالِثَةُ وَ الثَّلَاثُونَ

ما التَّوَابِعُ؟

التَّوَابِعُ أَلْفَاظٌ تَتَّبَعُ إِعْرَابَ مَا قَبْلَهَا وَ تَنْقَسِمُ إِلَى أَرْبَعَةِ أَقْسَامٍ؛ وَهِيَ: النَّعْتُ (الصِّفَةُ) وَ الْبَدَلُ وَ التَّوَكِيدُ وَ الْعَطْفُ.

■ النَّعْتُ:

ما هُوَ النَّعْتُ؟

النَّعْتُ تَابِعٌ يَبِينُ صِفَةَ اسْمٍ قَبْلَهُ، وَ الْإِسْمُ الَّذِي قَبْلَهُ يُسَمَّى مَنُوعَةً؛ نَحْوُ:

جاءَ التِّلْمِيذُ الْمُجْتَهِدُ.

مَنُوعَةٌ
نَعْتُ تَابِعٌ لِمَنُوعَتِهِ فِي الْإِعْرَابِ
فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ

رَأَيْتُ التِّلْمِيذَ الْمُجْتَهِدَ.

مَنُوعَةٌ
نَعْتُ تَابِعٌ لِمَنُوعَتِهِ فِي الْإِعْرَابِ
مَفْعُولٌ بِهِ، مَنُصُوبٌ

سَلَّمْتُ عَلَى التِّلْمِيذِ الْمُجْتَهِدِ.

مَنُوعَةٌ
نَعْتُ تَابِعٌ لِمَنُوعَتِهِ فِي الْإِعْرَابِ
مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ

١- النَّعْتُ الْحَقِيقِيُّ يَتَّبَعُ مَنُوعَتَهُ: (وَ قَدْ قَرَأْنَاهُ سَابِقاً)

■ فِي التَّعْرِيفِ وَ التَّنْكِيرِ؛ نَحْوُ: **السَّجَرَةُ الْمُثْمِرَةُ**. سَجَرَةٌ مُثْمِرَةٌ.

■ فِي التَّذْكِيرِ وَ التَّأْنِيثِ؛ نَحْوُ: طَالِبٌ ذَكِيٌّ. طَالِبَةٌ ذَكِيَّةٌ.

■ فِي الْإِفْرَادِ وَ التَّثْنِيَةِ وَ الْجَمْعِ؛ نَحْوُ: مُدَرِّسٌ عَالِمٌ. مُدَرِّسَانِ عَالِمَانِ. مُدَرِّسُونَ عَالِمُونَ. مُدَرِّسَاتٌ عَالِمَاتٌ.

■ فِي الْإِعْرَابِ؛ نَحْوُ: مُهَنْدِسٌ مَاهِرٌ. مُهَنْدِسًا مَاهِرًا. مُهَنْدِسٍ مَاهِرٍ. مُهَنْدِسِينَ مَاهِرِينَ. مُهَنْدِسَاتٍ مَاهِرَاتٍ.

التَّحْرِيكُ الْأَوَّلُ:

■ مَبْزُ النَّعْتِ مِنَ الْخَبَرِ وَالْحَالِ.

- ١- هَذِهِ زُجَاجَةٌ مَكْسُورَةٌ.
- ٢- أُولَئِكَ رِجَالٌ صَادِقُونَ حَقًّا.
- ٣- جَاءَ هَؤُلَاءِ الْمُزَارِعُونَ نَشِيطِينَ.
- ٤- تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْقَادِرِ الْمُتَعَالِي.
- ٥- الرُّؤَاوُا وَقِفُونَ جَنْبَ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ.
- ٦- الْمُزَارِعُونَ يُطْعَمُونَ مَوَاشِيَهُمْ^١ جَائِعَةً^٢.

■ الْعَطْفُ:

كَمْ نَوْعًا الْعَطْفُ؟ الْعَطْفُ نَوْعَانِ: عَطْفُ الْبَيَانِ وَ عَطْفُ النَّسْقِ.

ما هو عَطْفُ النَّسْقِ؟

عَطْفُ النَّسْقِ هُوَ إِتْبَاعُ لَفْظٍ لِلْفَظِ آخَرَ فِي الْإِعْرَابِ بِوَاسِطَةِ حَرْفٍ مِنْ حُرُوفِ الْعَطْفِ. فَيُسَمَّى الثَّانِي مَعْطُوفًا وَالْأَوَّلُ مَعْطُوفًا عَلَيْهِ؛ نَحْوُ:

اِشْتَرَيْتُ مِنَ السُّوقِ سِرْوَالًا وَقَمِيصًا.

↓ ↓
 مَعْطُوفٌ عَلَيْهِ مَعْطُوفٌ

ما هِيَ حُرُوفُ الْعَطْفِ؟

حُرُوفُ الْعَطْفِ هِيَ: (وَ، فَ، ثُمَّ، أَوْ، أَمْ، لَا، بَلْ، حَتَّى، لَكِنْ)؛ نَحْوُ:

شَاهَدْتُ كَاطِمًا **وَ** بَاقِرًا. قَامَ الرَّجُلُ **وَ** تَكَلَّمَ مَعَ النَّاسِ.

يَقُومُ الرَّجُلُ **وَ** يَتَكَلَّمَ مَعَ النَّاسِ. فُمْ يَا رَجُلُ **وَ** تَكَلَّمَ مَعَ النَّاسِ.

التَّحْرِيكُ الثَّانِي:

■ مَيْزُ وَائِ الْعَطْفِ وَالْوَاوِ الْحَالِيَّةِ وَالْوَاوِ الْقَسَمِ.

١- ﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ الْعَصْر: ٢٠١

٢- مِنْ آيَاتِ اللَّهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ.

٣- رَأَيْتُ الطُّفْلَ وَهُوَ يَلْعَبُ.

٣٤ ما هُوَ عَطْفُ الْبَيَانِ؟ الْجَلْسَةُ الرَّابِعَةُ وَالْثَلَاثُونَ

عَطْفُ الْبَيَانِ هُوَ تَابِعٌ جَامِدٌ أَشْهَرُ مِنْ مَتْبوعِهِ، يُشَبِّهُ النَّعْتَ الْحَقِيقِيَّ فِي أَحْكَامِهِ؛ نَحْوُ: «جَاءَ صَاحِبُكَ فُؤَادٌ».

كَلِمَةُ «فُؤَادٌ» أَوْضَحَتْ مَتْبوعَهَا، وَبَيَّنَتْ مَنْ هُوَ «صَاحِبُكَ».

أَهَمُّ مَوَاضِعِ عَطْفِ الْبَيَانِ هِيَ:

١- اِسْمٌ جَامِدٌ مَعْرُوفٌ بِأَلٍ بَعْدَ اِسْمِ الْإِشَارَةِ؛ نَحْوُ:

﴿... أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ ...﴾ الْأَنْعَامُ: ١٩

٢- «ابْنٌ» وَ «بِنْتُ» بَيْنَ عِلْمَيْنِ؛ نَحْوُ:

حُسَيْنٌ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ﴿... وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٨٧

٣- اِسْمٌ جَامِدٌ مَعْرُوفٌ بِأَلٍ بَعْدَ «أَيُّهَا» وَ «أَيَّتُهَا»؛ نَحْوُ:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ ...﴾ لُقْمَانُ: ٣٣

✓ اِلِاسْمُ الْمَعْرُوفُ بِـ «أَلٍ» بَعْدَ «أَيُّهَا» وَ «أَيَّتُهَا» يُعَدُّ عَطْفَ بَيَانٍ إِذَا كَانَ جَامِداً، وَ نَعْتاً إِذَا كَانَ مُشْتَقّاً؛ نَحْوُ:

يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ، إِحْدَرِ السَّيَّارَةَ. الرَّجُلُ عَطْفُ الْبَيَانِ؛ لِأَنَّهُ اِسْمٌ جَامِدٌ.

يَا أَيُّهَا الْكَرِيمُ، سَاعِدْنَا. الْكَرِيمُ نَعْتٌ؛ لِأَنَّهُ اِسْمٌ مُشْتَقٌّ.

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ:

■ عَيْنُ عَطَفِ الْبَيَانِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

- ١- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...﴾ الإسراء: ٩
- ٢- ﴿...إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ...﴾ النساء: ١٧١
- ٣- ﴿...فَمَا لَهُوْلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾ النساء: ٧٨
- ٤- ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾ الفجر: ٢٧ و ٢٨

■ الَّتَوْكِيدُ: مَا هُوَ التَّوَكِيدُ؟

الَّتَوْكِيدُ تَابِعٌ يَأْتِي لِرَفْعِ تَوْهُمِ الْكَلَامِ؛ نَحْوُ: جَاءَ جَعْفَرٌ **نَفْسُهُ**. جَاءَ الطُّلَابُ **كُلُّهُمْ**.
 كَمْ نَوْعًا التَّوَكِيدُ؟ التَّوَكِيدُ نَوْعَانِ: لَفْظِيٌّ وَمَعْنَوِيٌّ.
 ✓ إِذَا أَرَدْنَا التَّوَكِيدَ اللَّفْظِيَّ، عَلَيْنَا بِتَكَرُّارِ اللَّفْظِ، وَيَكُونُ ذَلِكَ:

- ١- بَيْنَ الْأَسْمَاءِ: نَحْوُ: أَحْضَرْتُ الْمَاءَ **الْمَاءَ**.
- ٢- بَيْنَ الْأَفْعَالِ: نَحْوُ: أَحْضَرْتُ **أَحْضَرْتُ** الْمَاءَ.
- ٣- بَيْنَ الْحُرُوفِ: نَحْوُ: نَعَمْ **نَعَمْ**.
- ٤- بَيْنَ الْجُمَلِ: نَحْوُ: طَلَعَ النَّهَارُ، **طَلَعَ النَّهَارُ**.
- ٥- الضَّمِيرُ الْمُنْفَصِلُ بَعْدَ الضَّمِيرِ الْمُتَّصِلِ: نَحْوُ: ذَهَبْنَا **نَحْنُ**.

✓ إذا أَرَدْنَا التَّوَكُّيدَ الْمَعْنَوِيَّ اسْتَعْمَلْنَا أَحَدَ الْأَلْفَاظِ التَّالِيَةِ، مُضَافَةً إِلَى صَمِيرِ الْمُؤَكَّدِ؛
نَحْوُ: نَفْسٌ ، عَيْنٌ ، كِلَا ، كِلْتَا ، كُلٌّ ، جَمِيعٌ



جَاءَ الْمَلِكُ عَيْنُهُ. رَأَيْتُ الْفِرْقَةَ كُلَّهَا.
مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

الْعُمَّالُ أَنْفُسُهُمْ يَقُومُونَ بِتَشْغِيلِ الْمَصْنَعِ.
مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

الْعَامِلَانِ أَنْفُسُهُمَا يَقُومَانِ بِتَشْغِيلِ الْمَصْنَعِ.
مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

✓ تُجْمَعُ كَلِمَتَا «نَفْسٌ» وَ «عَيْنٌ» بِصُورَةِ «أَنْفُسٌ» وَ «أَعْيُنٌ» لِتَأْكِيدِ الْمُثْنَى وَ الْجَمْعِ؛
كَمَا رَأَيْتَ.

★ ✓ تَخْتَصُّ «كِلَا» وَ «كِلْتَا» بِتَوَكُّيدِ الْمُثْنَى ؛ نَحْوُ:

وَالِدَاكَ كِلَاهُمَا مُشْتَاقَانِ إِلَيْكَ.

أَكْرَمَ وَالِدَيْكَ كِلَيْهِمَا.

يَدَاكَ كِلْتَاهُمَا قَوِيَّتَانِ.

اغْسِلْ يَدَيْكَ كِلْتَيْهِمَا.★

★ ١- أَجْمَعَ وَ أَجْمَعُونَ وَ أَجْمَعِينَ تَأْتِي بَعْدَ التَّأْكِيدِ بِـ «كُلٌّ» وَ لَا يَتَّصِلُ بِهَا الصَّمِيرُ؛ نَحْوُ: فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ
كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ.★

التَّمرينُ الرَّابِعُ:

■ عَيِّنِ الْمُؤَكَّدَ وَإِعْرَابَهُ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

١- ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ الْوَاقِعَةُ: ١٠ و ١١

٢- الْأَمْهَاتُ الْمُتَنَوِّرَاتُ أَنْفُسُهُنَّ يَصْنَعْنَ مُسْتَقْبَلَ الْبِلَادِ.

٣- بَحَثْتُ عَنْ بَطَارِيَةِ لِحْوَالي فِي أَسْوَاقِ الْمَدِينَةِ كُلِّهَا.

٤- نَظَّفَ التَّلَامِذَةُ أَنْفُسَهُمْ حُجَرَاتِ الْمَدْرَسَةِ كُلِّهَا.

٥- رَأَيْتُ زُمَلَائِي جَمِيعَهُمْ فِي الْحَدِيقَةِ.

٦- قَضَيْتُ السَّنَةَ كُلِّهَا فِي مَدِينَةِ كَرْجٍ.

٧- نَعَمْ، نَعَمْ، الْقِرَاءَةُ مُفِيدَةٌ.

٨- فَازَ الْمُتَسَابِقَانِ أَنْفُسُهُمَا.

٩- إِيَّاكَ، إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ!

الْبَدَلُ: الْجَلْسَةُ الْخَامِسَةُ وَ الثَّلَاثُونَ

ما هو الْبَدَلُ؟

الْبَدَلُ اسْمٌ تَأْتِي قَبْلَهُ اسْمٌ آخَرُ تَمْهيداً (به عنوان مقدمه)؛ بَيْنَمَا الْمَقْصُودُ الْأَصْلِيُّ هُوَ الْبَدَلُ.

نَحْوُ: «جَاءَ إِبْرَاهِيمُ أَخُوكَ.»



الْبَدَلُ فِي أُسْلُوبِ الْإِسْتِثْنَاءِ:

إِذَا كَانَ الْإِسْتِثْنَاءُ تَامًا مَنفِيًّا، يَجُوزُ إِتْبَاعُ الْمُسْتَثْنَى لِلْمُسْتَثْنَى مِنْهُ فِي الْإِعْرَابِ كَمَا رَأَيْتَ سَابِقًا، وَ يُعْرَبُ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ بَدَلًا؛ مِثْلُ: مَا حَصَرَ الْمَدْعُوعُونَ إِلَّا **حَامِدٌ**.

بَدَلٌ

الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ:

■ مَيِّزَ الْبَدَلِ وَ اكْتُبْ نَوْعَهُ.

١- ﴿هُدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...﴾ الْفَاتِحَةُ: ٦ و ٧

٢- الْمَلِكُ كُورْشُ مُؤَسَّسُ الْإِمْبِرَاطُورِيَّةِ الْإِخْمِينِيَّةِ^١.

٣- شَاهَدْتُ التَّاجِرَ خَلِيلًا.

٤- فَازَتْ اللَّاعِبَةُ شَهْرزَادُ.

٥- كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ **عَلَيْهِ السَّلَامُ** عَادِلًا.

٦- ذَهَبْتُ عِنْدَ الطَّبِيبَةِ لَيْلَى.

١- الْإِخْمِينِيَّةُ: هَخَامَنْشِي

التمارين

التمرين الأول:

اكتب كلمة مناسبة للتوضيحات التالية من كلمات المعجم.

- ١- جَعَلَهُ غَنِيًّا لَا حَاجَةَ لَهُ.
- ٢- شَخْصٌ يَكْتُبُ مَقَالَاتٍ فِي الصُّحُفِ.
- ٣- الْمَرْحَلَةُ الدَّرَاسِيَّةُ بَعْدَ الْإِبْتِدَائِيَّةِ.
- ٤- الْعَالِمُ الَّذِي لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَ حَدِيثَةٌ.
- ٥- الْأَوْضَاعُ وَالْأَحْوَالُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا.

التمرين الثاني:

ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية.



- ١- سَعَرَ الْعَنْبَ في نهاية الصيف بسبب وفوره في السوق.
(يَعْلُو ☐ يَرْخُصُ ☐ يَكْثُرُ ☐ يَعْضُ ☐)
- ٢- أَعْطَى الْمُدِيرُ مَسْئُولِيَّةَ الْمَكْتَبَةِ لِزَمِيلِي وَ هُوَ بِهَا.
(جَدِيرٌ ☐ شَلَّالٌ ☐ تَلْفَازٌ ☐ طُرُوفٌ ☐)
- ٣- دَهَبْنَا إِلَى الْبُسْتَانِ وَ الثَّقَاحَاتِ وَ الرُّمَانَاتِ.
(طَبَعْنَا ☐ تَصَفَّحْنَا ☐ رَكَبْنَا ☐ أَكَلْنَا ☐)
- ٤- صَنَعْتُ جَمِيلًا مِنْ خَشَبِ شَجَرَةِ الْجَوْزِ.
(وَعَاءٌ ☐ زُجَاجًا ☐ حَدِيدًا ☐ نُحَاسًا ☐)
- ٥- حَارِسُ الْفُنْدُقِ كُلَّ اللَّيْلِ مَعَ زَمِيلِهِ.
(يُخَفِّضُ ☐ يُمَرِّرُ ☐ يَقْدِفُ ☐ يَسْهَرُ ☐)



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: لِلتَّذْكَارِ

ضَعْ خَطًّا تَحْتَ الْمُفْرَدِ وَ جَمْعِهِ.

١. الصَّاحِبِ ، الْأَصْحَابِ
٢. الصَّحْفِي ، الصُّحُفِ
٣. الْمِيزَانِ ، الْمَوَازِينِ
٤. الْحِجَارَةِ ، الْأَحْجَارِ
٥. الْحَارِسِ ، الْحُرَاسِ
٦. الثَّرَى ، الثَّرَوَاتِ
٧. السُّوقِ ، الْأَسْوَاقِ
٨. الْعَمِيلِ ، الْعُمَالِ
٩. الْكِتَابَةِ ، الْكُتُبِ
١٠. الْفَنَاءِ ، الْفَنَوَاتِ
١١. الذَّنْبِ ، الْأَذْنَابِ
١٢. الْمَوْتِ ، الْمَمُوتِ
١٣. النِّفَاقِ ، الْأَنْفَاقِ
١٤. السَّنَةِ ، الْأَسْنَانِ
١٥. الشُّهُورِ ، الْأَشْهُرِ
١٦. الصَّوْمِ ، الصِّيَامِ
١٧. الْحَيِّ ، الْأَحْيَاءِ
١٨. الرَّجُلِ ، الرِّجَالِ
١٩. الْكَبِيرِ ، الْأَكَابِرِ
٢٠. الْفَتَى ، الْفَتَيَةِ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: لِلتَّذْكَارِ

ضَعْ عِلَامَةً مُنَاسِبَةً بَيْنَ الْكَلِمَتَيْنِ. (= ≠)

١. الْعُرْلُ الْمُسْلَحُونَ
٢. الْعَالِي الرَّخِيسِ
٣. الثِّيَابِ الْمَلَابِسِ
٤. الْقِتَالِ الْمَعْرَكَةِ
٥. الضِّيَاءِ الظُّلْمَةِ
٦. الْقِلَّةِ الْكَثْرَةِ
٧. الْبُكَاءِ الضَّحِكِ
٨. الْحَرْبِ السُّلْمِ
٩. الْخَصْمِ الْعَدُوِّ
١٠. الْيَمِينِ الْيَسَارِ
١١. الصَّبِيِّ الْوَلَدِ
١٢. يَخْتَارُ يَنْتَخِبُ
١٣. أَحَسَّ شَعَرَ
١٤. أُقْعِدُ اجْلِسْ
١٥. آتَى أُعْطِيَ
١٦. صَارَ أَصْبَحَ
١٧. يَضُرُّ يَنْفَعُ
١٨. رَاحَ ذَهَبَ
١٩. جَاعَ شَبِعَ
٢٠. جَاءَ أَتَى

أَلْبَحَثُ الْعِلْمِيّ

إِنِحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَوَّلَ حَيَاةِ أَحَدِ الْأَنْبِيَاءِ أَوْ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ثُمَّ تَرْجِمُ سَطْرَيْنِ مِنْهَا.



الدَّرْسُ العَاشِرُ

۱۰



يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمَتْهُ؛ يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ؛
يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَائِلُهُ؛ يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ؛
يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ ...

دُعَاءُ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ: ۵۸

ای آنکه بزرگی‌اش در آسمان است؛ ای آنکه نشانه‌هایش در زمین است؛
ای آنکه راهنماهای [وجودش] در هر چیزی است؛ ای آنکه شگفتی‌هایش در دریاهاست؛
ای آنکه گنجینه‌هایش در کوه‌هاست ...

السَّلَاحِفُ الْبَحْرِيَّةُ

السَّلَحْفَاءُ الْبَحْرِيَّةُ أَشْبَهُ بِالسَّلَحْفَاءِ الْبَرِّيَّةِ شَكْلًا. وَ قَدْ يَبْلُغُ طَوْلُ بَعْضِ السَّلَاحِفِ الْبَحْرِيَّةِ مِثْرَيْنِ، وَ يَبْلُغُ وَزْنُهَا حَوَالِي خَمْسِمِئَةِ كِيلُوغَرَامٍ تَقْرِيبًا.



السَّرَطَانُ

يَخْتَفِي السَّرَطَانُ بَيْنَ الْحِجَارَةِ. لِلْسَّرَطَانِ خَمْسَةُ أَزْوَاجٍ مِنَ الْأَرْجُلِ يَتَحَرَّكُ جَانِبِيًّا عَلَى أَرْبَعَةِ أَزْوَاجٍ مِنْهَا. أَمَّا الزَّوْجُ الْأَمَامِيُّ ذُو الْكَلاَبَتَيْنِ، فَيَسْتَعْمِلُهُمَا لِلْعَضِّ.



قَنْدِيلُ الْبَحْرِ

إِنَّهُ حَيَوَانٌ مَائِيٌّ يُشَبِّهُ الْمِظْلَةَ وَ هُوَ مِنْ أَقْدَمِ الْمَوْجُودَاتِ عَلَى الْأَرْضِ.
وَلَسَعَتُهُ مُؤَلِمَةٌ لِلْإِنْسَانِ. وَ قَدْ تَكُونُ قَاتِلَةً فِي بَعْضِ الْحَالَاتِ.



سَمَكَةُ التِّيْلَابِيَا

سَمَكَةُ التِّيْلَابِيَا أَغْرَبُ الْأَسْمَاكِ حِمَايَةً لِيَصْغَارِهَا. إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شَمَالِ إِفْرِيقِيَا.
وَهَذِهِ السَّمَكَةُ تَبْتَلِعُ صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطَرِ؛ ثُمَّ تُخْرِجُهَا بَعْدَ زَوَالِ الْخَطَرِ.



الأخطبوط

كَلِمَةُ يُونَانِيَّةُ الْأَصْلِ وَ تَعْنِي «ثَمَانِي أَرْجُلٍ»، لَهُ ثَلَاثَةُ قُلُوبٍ. وَ بَعْضُ أَنْوَاعِهِ يُغَيِّرُ لَوْنَهُ بِسُرْعَةٍ وَفَقًّا لِلْبَيْئَةِ الَّتِي يَصِلُ إِلَيْهَا.



سَمَكَةُ السَّهْمِ

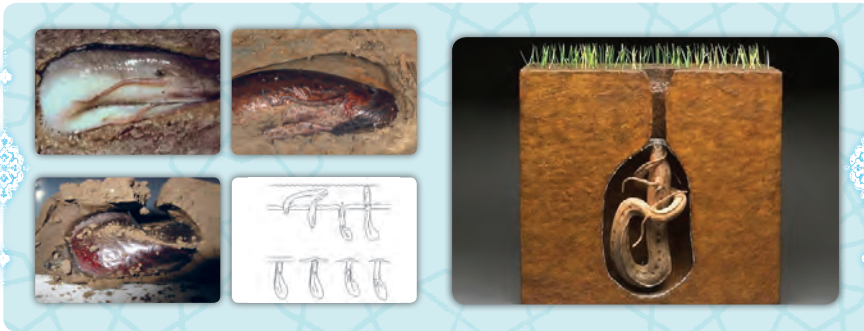
سَمَكَةُ السَّهْمِ أَعْجَبُ الْأَسْمَاكِ صَيْدًا. إِنَّهَا تُطْلِقُ قَطَرَاتِ الْمَاءِ مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ بِقُوَّةٍ تُشَبِّهُ إِطْلَاقَ السَّهْمِ وَ تُطْلِقُ هَذَا السَّهْمَ الْمَائِيَّ فِي اتِّجَاهِ الْحَشَرَاتِ فَوْقَ الْمَاءِ، وَ عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشَرَةُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ تَبْلَعُهَا.

هُوَ أَهْوَاةُ الزَّيْنَةِ مُعْجَبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ، وَلَكِنَّ تَغْذِيَّتَهَا صَعْبَةٌ عَلَيْهِمْ؛ لِأَنَّهَا تَفْضُلُ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ.



السَّمَكُ الْمَدْفُونُ

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنَ السَّمَكِ فِي إِفْرِيقِيَا يَسْتُرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَّةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ، وَ يَدْفِنُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ، ثُمَّ يَنَامُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ، وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْمَاءِ وَ الطَّعَامِ وَ الْهَوَاءِ؛ وَ يَعِيشُ دَاخِلَ حُفْرَةٍ صَغِيرَةٍ فِي انْتِظَارِ نُزُولِ الْمَطَرِ، حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْغِلَافِ. أَمَّا الصَّيَّادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ فَيَذْهَبُونَ إِلَى مَكَانِ اخْتِفَائِهِ قَبْلَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ يَحْفِرُونَ التُّرَابَ الْجَفَّ لِيَصِيدَهُ.



الْفَرَائِسُ : شكارها «مفرد: الْفَرِيْسَة»

فَضْلٌ : برتری داد ، ترجیح داد

الْفَمُ : دهان

قَنْدِيلُ الْبَحْرِ : عروس دریایی

الْلَسْعَةُ : نیش زدن (ماضی: لَسَعَ -)

الْمِظْلَةُ : چتر

الْمَوْلِمُ : دردناک

الْهُوَاةُ : علاقه‌مندان «مفرد: الْهَواي»

الْجَفَافُ : خشکسالی

ذُو الْكَلَابَتَيْنِ : دارای دو چنگک

(الْكَلَابَةُ: چنگک)

السَّرَطَانُ : خرچنگ

السَّلَاحِفُ : لاک پشت‌ها

«مفرد: السُّلْحَفَة»

سَمَكَةُ السَّهْمِ : ماهی تیرانداز

الْعَضُ : گاز گرفتن

عَنِ - : معنا داد (مضارع: يَعْنِي)

الْغِلَافُ : پوشش

اِبْتَلَعَ : بلعید

اِخْتَفَى : پنهان شد

(مضارع: يَحْتَفِي)

الْأُخْطَبُوطُ (الْأُخْطَبُوطُ) : هشت‌پا

أَشْبَهَ : شبیه بود

أَطْلَقَ : رها کرد

الْأَقْدَمُ : کهن‌تر ، کهن‌ترین

بَلَغَ - : بلعید

أَلْبَيْتَةُ : محیط زیست

الْجَافُ : خشک

حَوْلَ النَّصِّ

اُكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِمَ يُشَبِّهُ قَنْدِيلُ الْبَحْرِ؟

۲- أَيْنَ يَدْفِنُ السَّمَكُ الْإِفْرِيقِيُّ نَفْسَهُ؟

۳- مَاذَا يَعْنِي الْأُخْطَبُوطُ بِاللُّغَةِ الْيُونَانِيَّةِ؟

۴- كَيْفَ تُرَاقِبُ سَمَكَةُ التَّيْلَابِيَا صِغَارَهَا مِنْ الْعَدُوِّ؟

۵- لِأَيِّ عَمَلٍ يَسْتَعِمِلُ السَّرَطَانُ رِجْلَيْهِ الْأَمَامِيَّتَيْنِ؟

۶- كَمْ مِترًا يَبْلُغُ طَوْلُ بَعْضِ السَّلَاحِفِ الْبَحْرِيَّةِ؟

۷- أَيُّ سَمَكَةٍ تُطْلَقُ قَطَرَاتُ الْمَاءِ مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ لِلصَّيْدِ؟

تَمَارِينُ عَامَّةٌ

التَّمرينُ الأوَّلُ:

■ اخْتَرِ الإجابةَ الصَّحيحةَ.

١. حَيَوَانٌ بَحْرِيٌّ فِي رَأْسِهِ ثَمَانِي أَرْجُلٍ قَوِيَّةٍ.

□ الأخطبوط □ سَمَكَةُ السَّهَم □ قِنْدِيلُ الْبَحْرِ □

٢. لِهَذِهِ الظَّاهِرَةِ عِدَّةُ أَسْبَابٍ أَهْمُهَا قِلَّةُ الْأَمْطَارِ.

□ الْجَفَاف □ الإِعْصَار □ الظُّرُوف □

٣. حَيَوَانٌ بَرِّيٌّ وَ مَائِيٌّ يَخْتَفِي فِي صَدْفِهِ.

□ السَّرَّطَان □ الْفَرَّائِس □ السَّلْحَفَاة □

٤. الْأَدَاةُ الَّتِي يَحْمِلُهَا الْإِنْسَانُ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ.

□ الشَّعِير □ الْكَلَابَةِ □ الْمِظْلَّة □

٥. الْمَكَانُ الَّذِي تَعِيشُ فِيهِ الْكَائِنَاتُ الْحَيَّةُ.

□ الْمَجَال □ الْبَيِّئَةُ □ التَّقْنِيَّة □

٦. الْمُحِبُّونَ وَ الْمُشْجَعُونَ فِي الْمُبَارَاةِ.

□ الْقُضَاة □ الْمُشَاة □ الْهُوَاة □

٧. غِشَاءٌ يَدْخُلُ فِيهِ شَيْءٌ كَالسَّيْفِ.

□ الْغِلَاف □ النَّفَق □ الْعَلَم □

١. عَرَفَ: شناخت ← كَانَ يَعْرِفُ: كَانَ قَدْ عَرَفَ:
٢. يَيْسَ: ناامید شد ← لَنْ يَيْأَسَ: لَمَّا يَيْأَسَ:
٣. أَخَذَ: گرفت ← قَدْ أَخَذَ: قَدْ يَأْخُذُ:
٤. نَادَى: صدا زد ← مَا نَادَى: لَمْ يُنَادِ:
٥. وَصَلَ: رسید ← سَوْفَ يَصِلُ: سَيَصِلُ:
٦. كَتَبَ: نوشت ← أَكْتُبُ: لَا تَكْتُبُ:
٧. رَفَعَ: بالا بُرد ← لَيَرْفَعُ: لَا يَرْفَعُ:
٨. خَلَقَ: آفرید ← خُلِقَ: يَخْلُقُ:
٩. قَالَ: گفت ← قِيلَ: يُقَالُ:
١٠. تَلَا: خواند ← تُلِي: يُتْلَى:

التَّعْمِيرُ الثَّالِثُ:

■ اِقْرَأِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١. قَدْ ذَهَبَتْ مَرِيَمٌ وَ زَهْرَاءُ وَ فَاطِمَةُ إِلَى حَدِيقَةِ الْمَدِينَةِ. (اسماً مُؤَنَّثاً مَعْنَوِيّاً، وَ إِعْرَابُهُ)

٢. الْمَاشِي الَّذِي يَمْشِي عَلَى الشَّارِعِ، فِي خَطَرٍ التَّصَادُمِ. (اسماً مَنْقُوصاً، وَ اسماً مَوْصُولاً)

٣. الْمُعَلِّمَةُ فِي الصَّفِّ، وَ التَّلْمِيذَاتُ يَسْتَمِعْنَ إِلَيْهَا. (نَوْعَ الْخَبَرَيْنِ، وَ اسماً مُشْتَقّاً وَ نَوْعُهُ)

٤. هَؤُلَاءِ زُمَلَائِي. رَأَيْتُهُمْ فِي الْمَلْعَبِ. هُمْ فَائِزُونَ. (ضَمِيراً مُنْفَصِلاً مَرْفُوعاً، وَ ضَمِيراً مُتَّصِلاً مَرْفُوعاً)

٥. لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا؛ يَا أَسْتَادَنَا الْغَالِي. (إِعْرَابَ كَلِمَةِ «عِلْمٌ»، وَ نَوْعَ كَلِمَةِ «مَا»)

٦. عِنْدِي حَقِيبَةٌ سَوْدَاءُ اشْتَرَيْتُهَا مِنَ السُّوقِ. (خَبَرًا وَ نَوْعُهُ، وَ اسماً مَمْنُوعاً مِنَ الصَّرْفِ)

٧. مَنْ يَكْسُلُ فِي وَاجِبِهِ؟ مَنْ يَكْسُلُ يَخْسِرُ. (نَوْعَ «مَنْ» فِي الْجُمْلَتَيْنِ، وَ إِعْرَابَهُمَا)

٨. كَانَ الْفَتَى أَعْمَى وَ كَانَتِ الْفَتَاةُ عَمِيَاءَ. (اسماً مَمْدُوداً، وَ اسماً مَقْصُوراً)

٩. قَعَدْنَا فِي تِلْكَ الصَّالَةِ قَعْدَةً. (نَوْعَ كَلِمَتَي «قَعْدَةً»، وَ «تِلْكَ»)

١٠. جِلْسَةُ الْوَقُورِ جَذَابَةٌ. (نَوْعَ كَلِمَتَي «جِلْسَةٌ» وَ «جَذَابَةٌ»)

التَّمرينُ الرَّابِعُ:

■ مَيِّزِ «النَّعْتِ» وَ «الْمَعْطُوفَ» وَ «الْحَالَ» وَ «عَطْفَ الْبَيَانِ» وَ «التَّوَكِيدَ» وَ «الْبَدَلَ».

١. اِشْتَرَيْتُ أَنَا فُسْتَانًا جَمِيلًا لِأُخْتِي الْكُبْرَى.

٢. الْعَمَلُ الْمُجِدِّدُ أَنْفُسُهُمْ يَنْنَوْنَ جِسْرًا.

٣. رَأَيْتُ ثَعْلَبًا وَ سِنَجَابًا فِي هَذِهِ الْغَابَةِ.

٤. طَلَعَتِ الشَّمْسُ، طَلَعَتِ الشَّمْسُ.

٥. وَصَلَ زَمِيلِي إِلَى الصَّفِّ مُتَأَخِّرًا.

٦. أَخُوكَ إِبْرَاهِيمُ صَدِيقِي الْعَزِيزُ.

٧. تَصَفَّحْتُ هَذَا الْكِتَابَ الْعَالِي.

■ أَعْرَبْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

١. وَجَدَ الْأُسْتَاذُ طُلَّابَهُ مُجِدِّينَ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ عِنْدَ بَدَايَةِ الْإِمْتِحَانَاتِ.

٢. كَادَ الْفَرِيقُ يَخْسِرُ فِي الْمُبَارَاةِ يَوْمَ السَّبْتِ؛ إِنَّهُ لَعَبَ ضَعِيفاً.

٣. اجْتَهِدْنَا لِلنَّجَاحِ فِي هَدَفِنَا اجْتِهَاداً بِالِغَا وَنَحْنُ فَرِحُونَ.

٤. الطَّالِبُ الْعَاقِلُ لَا يَتَكَلَّمُ أَمَامَ مُعَلِّمِهِ احْتِرَاماً لَهُ.

٥. يَا أَيُّهَا الْمُتَفَرِّجُونَ، حَافِظُوا عَلَى نَظَافَةِ الْبَيْئَةِ.

٦. إِشْتَرَيْتُ كِيلُوا رُمَاناً وَ شَرَبْتُ كُوباً عَصِيراً.

٧. يَذْرُسُ الطُّلَّابُ مَسْرُورِينَ إِلَّا الْكَسْلَانَ.

٨. مَا أَكْثَرَ عِلْمَ أُسْتَاذِي! حَفِظَهُ اللَّهُ!

٩. يَا جَعْفَرُ، كُنْ مُعِينَ الضُّعَفَاءِ.

١٠. بِئْسَ الشَّيْمَةُ الْبُخْلُ.

التَّامِرِينَ السَّادِسُ:

■ عَيْنِ الْأَسْمَاءِ الْمُشْتَقَّةِ؛ وَكُتِبَ نَوْعُهَا، وَتَرَجَمَتَهَا.

١. ﴿... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ ...﴾ يُونُسُ: ٥٣

٢. ﴿... وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ: ٤٠

٣. ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ ...﴾ الْمُلْكُ: ٥

٤. ﴿... إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ الْأَعْرَافُ: ٥٦

٥. ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ...﴾ التَّوْبَةُ: ١٨

٦. أَلْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

التَّمَرُّنُ السَّابِعُ:

■ عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

١. لَيْسَتْ أَدَاةُ الْإِسْتِثْنَاءِ:

٢. لَيْسَ مِنَ الظُّرُوفِ:

٣. مَوْصُولٌ مُشْتَرَكٌ:

٤. فِعْلٌ رُبَاعِيٌّ مُضَاعَفٌ:

٥. لَيْسَ مِنْ أَفْعَالِ الْمُقَارَبَةِ:

٦. اِسْمٌ مُؤَنَّثٌ مَعْنَوِيٌّ:

٧. مَصْدَرٌ صِنَاعِيٌّ:

٨. فِعْلٌ مُعْتَلٌّ نَاقِصٌ:

٩. مَصْدَرُ الْمَرَّةِ:

١٠. مَصْدَرٌ مِيمِيٌّ:

١١. صَحِيحُ الْآخِرِ:

١٢. اِسْمٌ فَاعِلٍ:

١٣. فِعْلٌ لَازِمٌ:

١٤. لَيْسَ مِنَ التَّوَابِعِ:

١٥. صَمِيرٌ مُنْفَصِلٌ مَنْصُوبٌ:

١٦. لَيْسَ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ تَعَجُّبٌ:

١٧. نَوْعُ الْمُنَادَى فِي «يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ»: شَبِيهٌ بِالْمُضَافِ □ مُضَافٌ □ عَلَمٌ مُفْرَدٌ □ نَكِرَةٌ غَيْرُ مُقْصُودَةٍ □

١٨. نَوْعُ الْمُنَادَى فِي «يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ»: □ شَبِيهٌ بِالْمُضَافِ □ نَكِرَةٌ مُقْصُودَةٌ □ مُضَافٌ □

١٩. لَيْسَ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْمُلَازِمَةِ لِلْإِضَافَةِ: □ عَلَى، إِلَى، فِي □ كُلُّ، ذُو، أَيُّ □ مِثْلُ، غَيْرُ □ سَوَى □ مَعَ، ذَاتُ، بَيْنَ □

٢٠. تَمَوْذَجٌ يَدُلُّ عَلَى الْإِغْرَاءِ: □ الْكَذِبُ، الْكَذِبُ! □ الْإِخْلَاصُ! □ إِيَّاكَ وَ الْكَذِبُ! □ الْيَأْسُ! □

إِلَّا □ غَيْرُ □ أَلَا □ سِوَى □

لَدَى □ تَحْتَ □ أَمَامَ □ مِنْ □

مَنْ □ الَّذِي □ الَّتِي □ الَّذِينَ □

تَرْجَمَ □ تَزَلَزَلَ □ أَنْزَلَ □ زَلَزَلَ □

كَادَ □ أَصْبَحَ □ أَوْشَكَ □ عَسَى □

أَعْظَمَ □ أَسْوَدَ □ غَضَبَانَ □ عَيْنَ □

غَايَةَ □ صِنَاعَةَ □ رَاضِيَةً □ إِنْسَانِيَّةً □

إِهْدِنَا □ هَبْ لِي □ قُلِ الْحَقُّ □ قَرَأَهُ □

قِرَاءَةً □ اِبْتِسَامَةً □ إِشَارَةً □ اِسْتِفَادَةً □

مَرَحَمَةً □ مِيثَاقَ □ مُحَاوَلَةً □ مُجِيبَ □

هَادِي (هَادٍ) □ إِعْطَاءَ □ أَغْلَى □ جَوُزَ □

مُحَاكَمَةً □ مُكَاتَبَةً □ مُجَاهِدَةً □ مُجَالَسَةً □

هَزَمْتُهُ □ هَرَبَ مِنْهُ □ وَعَدَنِي □ سَاعِدُوهُمْ □

الَنْعَتَ □ الْبَدَلَ □ صَمِيرُ الْفُضْلِ □ اَلْعَطْفُ □

سَتَ (دَافَعْتَ) □ لَكَ (دَعَاكَ) □ إِيَّاكَ تَعْبُدُ □ أَنْتَ الرَّحِيمُ □

مَا أَبْرَدَ الشِّتَاءَ □ إِيَّاكَ وَالشَّرَّ □ لِلَّهِ دَرُهُ □ كَمْ هُوَ قَوِيٌّ □

□ عَلَمٌ مُفْرَدٌ □ شَبِيهٌ بِالْمُضَافِ □ مُضَافٌ □ عَلَمٌ مُفْرَدٌ □ نَكِرَةٌ غَيْرُ مُقْصُودَةٍ □

□ شَبِيهٌ بِالْمُضَافِ □ نَكِرَةٌ مُقْصُودَةٌ □ مُضَافٌ □

□ عَلَى، إِلَى، فِي □ كُلُّ، ذُو، أَيُّ □ مِثْلُ، غَيْرُ □ سَوَى □ مَعَ، ذَاتُ، بَيْنَ □

□ الْكَذِبُ، الْكَذِبُ! □ الْإِخْلَاصُ! □ إِيَّاكَ وَ الْكَذِبُ! □ الْيَأْسُ! □

الْمُلَحَقَاتُ

نَمَازِجُ لِلتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْإِعْرَابِ

جَدْوَلٌ لِتَصْرِيفِ الْأَفْعَالِ

الْمُعْجَمُ

﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ الْفَاتِحَةُ: ٦ و ٧

| الْكَلِمَةُ | التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ | الْإِعْرَابُ |
|----------------|--|---|
| إِهْدِ | فِعْلٌ أَمْرٌ ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ ، مُعْتَلٌّ وَ نَاقِصٌ ، مُتَعَدٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى حَذْفِ حَرْفِ الْعِلَّةِ | فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ أَنْتَ الْمُسْتَسْتَرُّ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ |
| نَا | إِسْمٌ ، ضَمِيرٌ مُتَّصِلٌ لِلنَّصْبِ أَوْ لِلْجَرِّ ، مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا |
| أَلْ | حَرْفٌ تَعْرِيفٍ ، غَيْرٌ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| الصِّرَاطَ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَعْرَفٌ بِأَلْ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | مَفْعُولٌ بِهِ ثَانٍ وَ مَنْصُوبٌ |
| الْمُسْتَقِيمَ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، مُشْتَقٌّ وَ اسْمُ فَاعِلٍ مِنْ بَابِ اسْتِفْعَالٍ ، مَعْرَفٌ بِأَلْ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | نَعَتْ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِمَنْعُوتهِ «الصِّرَاطَ» |
| صِرَاطَ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَعْرَفٌ بِالإِضَافَةِ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | بَدَلٌ مِنَ الصِّرَاطِ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبَعِيَّةِ |
| الَّذِينَ | إِسْمٌ ، مَوْصُولٌ خَاصٌّ ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ | مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ مَحَلًّا |
| أَنْعَمْتَ | فِعْلٌ مَاضٍ ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ، مُتَعَدٌّ ، مَعْلُومٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «تَ» الْبَارِزُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ ، وَ صَلَةٌ |
| عَلَى | حَرْفٌ ، عَامِلٌ جَرٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| هُمْ | إِسْمٌ ، ضَمِيرٌ مُتَّصِلٌ لِلنَّصْبِ أَوْ لِلْجَرِّ ، جَمْعٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِحَرْفِ الْجَرِّ (عَلَيْهِمْ: جَارٌّ وَ مَجْرُورٌ) |

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ التَّوْبَةُ: ٧٣

| الْكَلِمَةُ | التَّخْلِيلُ الصَّرْفِيُّ | الْإِعْرَابُ |
|-----------------|--|--|
| يا | حَرْفُ نِدَاءٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| أَيُّ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، نَكِرَةٌ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ | مُنَادَى نَكِرَةٌ مَقْصُودَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الضَّمِّ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا |
| ها | حَرْفُ تَنْبِيهِ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| أَل | حَرْفُ تَعْرِيفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| النَّبِيُّ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ ، مُشْتَقٌّ وَ صِفَةٌ مُشَبَّهَةٌ ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | نَعْتُ وَ مَرْفُوعٌ بِالتَّبْعِيَّةِ لِلْفِطْرِ «أَيُّ» |
| جاهِد | فِعْلٌ أَمْرٌ ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، ثَلَاثِيٌّ زَيْدٌ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ مُفَاعَلَةٍ ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ، مُتَعَدٍّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ لِدَفْعِ التَّقَاءِ السَّاكِنَيْنِ | فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «أَنْتَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ |
| الْكُفَّارَ | إِسْمٌ ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ (مُفْرَدُهُ «كَافِرٌ» وَهُوَ مُذَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ) ، مُشْتَقٌّ ، إِسْمٌ فَاعِلٍ ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ |
| وَ | حَرْفُ عَطْفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ | --- |
| الْمُنَافِقِينَ | إِسْمٌ ، جَمْعٌ الْمَذَكَّرِ السَّالِمِ ، مُذَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ ، مُشْتَقٌّ ، إِسْمٌ فَاعِلٍ ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | مَعْطُوفٌ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبْعِيَّةِ لِلْمَعْطُوفِ عَلَيْهِ «الْكُفَّارَ» |

إِصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ صَبْرًا جَمِيلًا.

| الْكَلِمَةُ | التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ | الإِعْرَابُ |
|-------------|---|---|
| إِصْبِرْ | فِعْلٌ أَمْرٌ ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ صَمِيرٌ «أَنْتَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ |
| عَلَى | حَرْفٌ ، عَامِلٌ جَرٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| مَا | إِسْمٌ ، مَوْصُولٌ عَامٌّ أَوْ مُشْتَرَكٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ مَحَلًّا (عَلَى مَا: جَارٌّ وَ مَجْرُورٌ) |
| أَصَابَ | فِعْلٌ مَاضٍ ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ ، مُعْتَلٌّ وَ أَجُوفٌ ، مَعْلُومٌ ، مُتَعَدٍّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ | فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ صَمِيرٌ «هُوَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ |
| كَ | إِسْمٌ ، صَمِيرٌ مُتَّصِلٌ لِلنَّصْبِ أَوْ لِلْجَرِّ ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ | مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا |
| صَبْرًا | إِسْمٌ ، مَصْدَرُ الْمُجَرَّدِ الثَّلَاثِيِّ مِنْ صَبَرَ - ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، نَكِرَةٌ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحٌ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | مَفْعُولٌ مُطْلَقٌ نَوْعِيٌّ وَ مَنْصُوبٌ |
| جَمِيلًا | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، مُشْتَقٌّ ، صِفَةٌ مُشَبَّهَةٌ مِنْ مَصْدَرِ جَمَالٍ ، نَكِرَةٌ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحٌ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | نَعَتْ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبْعِيَّةِ لِمَنْعُوتهِ «صَبْرًا» |

«كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ».

| الْكَلِمَةُ | التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ | الْإِعْرَابُ |
|--------------|--|--|
| كُلُّ | إِسْمٌ ، نَكِرَةٌ ، مُعَرَّبٌ | مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ ، وَ الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ |
| شَيْءٍ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، نَكِرَةٌ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ | مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ |
| يَنْقُصُ | فِعْلٌ مُضَارِعٌ ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ غَائِبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ ، صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ ، مُعَرَّبٌ | فِعْلٌ مَرْفُوعٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «هُوَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ ، وَ خَبَرٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا |
| عَلَى | حَرْفٌ ، عَامِلٌ جَرٌّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| أَلْ | حَرْفٌ تَعْرِيفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| الْإِنْفَاقِ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ | مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ (عَلَى الْإِنْفَاقِ: جَارٌّ وَ مَجْرُورٌ) |
| إِلَّا | حَرْفٌ مِنْ أَدَوَاتِ الْإِسْتِثْنَاءِ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| الْعِلْمُ | إِسْمٌ ، مُصَدَّرُ الْمُجَرَّدِ الثَّلَاثِيِّ مِنْ عِلْمٍ - ، مُفْرَدٌ ، مُدَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ | مُسْتَتَيٌّ وَ مَنْصُوبٌ |

«أَقْلُ النَّاسِ مُرَوَّةٌ مَنْ كَانَ كَاذِبًا».

| الْكَلِمَةُ | التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ | الإِعْرَابُ |
|-----------------------|---|---|
| أَقْلُ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ ، مُسْتَقٌّ ، إِسْمٌ تَفْضِيلٌ مِنْ مَصْدَرٍ قَلَّةٍ ، مُعَرَّفٌ بِالْإِضَافَةِ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، غَيْرُ مُنْصَرِفٍ | مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ ، وَ الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ |
| أَل | حَرْفٌ تَعْرِيفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| النَّاسِ | إِسْمٌ ، إِسْمٌ جَمْعٍ ، جَامِدٌ ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ |
| مُرَوَّةٌ (مُرَوَّةٌ) | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُؤَنَّثٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَصْدَرٌ ، نَكِرَةٌ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، غَيْرُ مُنْصَرِفٍ | تَمْيِيزٌ وَ مَنْصُوبٌ |
| مَنْ | إِسْمٌ ، مَوْصُولٌ عَامٌّ أَوْ مُشْتَرَكٌ ، مَعْرِفَةٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | خَبَرٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا |
| كَانَ | فِعْلٌ مَاضٍ ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ مِنْ مَصْدَرٍ «كَوْنٌ» ، مُعْتَلٌّ وَ أَجُوفٌ ، لَازِمٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | فِعْلٌ مِنَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَ اسْمُهُ ضَمِيرٌ «هُوَ» الْمُسْتَتِرُ |
| كَاذِبًا | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ ، مُسْتَقٌّ ، إِسْمٌ فَاعِلٌ مِنْ مَصْدَرٍ كَذَبَ - ، نَكِرَةٌ ، مُعْرَبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | خَبَرٌ «كَانَ» وَ مَنْصُوبٌ |

«ما أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَ الْجَفَاءِ عِنْدَ الْغِنَى!»

| الكَلِمَةُ | التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ | الإِعْرَابُ |
|------------|---|---|
| ما | إِسْمٌ ، لِلتَّعَجُّبِ ، نَكْرَةً ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | مُبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا ، وَ الْجُمْلَةُ أَسْمِيَّةٌ |
| أَقْبَحَ | فِعْلٌ لِلتَّعَجُّبِ ، جَامِدٌ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «هُوَ» الْمُسْتَتِرُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ ، وَ خَبَرٌ وَ مَرْفُوعٌ مَحَلًّا |
| أَلْ | حَرْفٌ تَعْرِيفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | --- |
| الْخُضُوعَ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَصْدَرُ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | مُتَعَجَّبٌ مِنْهُ وَ مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ |
| عِنْدَ | إِسْمٌ ، مُعَرَّفٌ بِالْإِضَافَةِ ، مُعَرَّبٌ | ظَرْفٌ أَوْ مَفْعُولٌ فِيهِ وَ مَنْصُوبٌ |
| أَلْ | كَمَا مَرَّ | --- |
| الْحَاجَةِ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُؤَنَّثٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرِفٌ | مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ |
| وَ | حَرْفٌ عَاطِفٌ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ | --- |
| الْجَفَاءَ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَصْدَرُ الثَّلَاثِيِّ الْمَجْرَدِ مِنْ جَفَا - ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ ، مُعَرَّبٌ ، مَمْدُودٌ ، مُنْصَرِفٌ | مَعْطُوفٌ وَ مَنْصُوبٌ بِالتَّبَعِيَّةِ لِلْمَعْطُوفِ عَلَيْهِ «الْخُضُوعَ» |
| عِنْدَ | كَمَا مَرَّ | --- |
| الْغِنَى | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَصْدَرُ الثَّلَاثِيِّ الْمَجْرَدِ مِنْ غَنَى - ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ ، مُعَرَّبٌ ، مَقْصُورٌ ، مُنْصَرِفٌ | مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ تَقْدِيرًا |

﴿وَإِذْ نَادَىٰ مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الأعراف: ١٤٢

| الكلمة | التحليل الصرفي | الإعراب |
|----------------|---|---|
| وَ | حَرْفُ عَطْفٍ ، غَيْرُ عَامِلٍ ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ | --- |
| وَإِذْ نَادَىٰ | فِعْلٌ مَاضٍ ، مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ بَابِ «مُفَاعَلَةٍ» ، مُعْتَلٌّ وَ مِثَالٌ وَآوِيٌّ ، مُتَعَدٍّ ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ | فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ صَمِيرٌ «نَا» الْبَارِزُ وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ |
| مُوسَىٰ | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُذَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ ، جَامِدٌ ، مَعْرِفَةٌ (عَلَمٌ) ، مُعَرَّبٌ ، مَقْصُورٌ ، مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ | مَفْعُولٌ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ تَقْدِيرًا |
| ثَلَاثِينَ | إِسْمٌ مِنْ أَعْدَادِ الْعُقُودِ ، مُلْحَقٌ بِجَمْعِ السَّالِمِ الْمَذَكَّرِ ، نَكِرَةٌ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ | مَفْعُولٌ فِيهِ وَ مَنْصُوبٌ بِإِلْيَاءٍ وَ إِعْرَابُهُ قَرَعِيٌّ |
| لَيْلَةً | إِسْمٌ ، مُفْرَدٌ ، مُؤَنَّثٌ مَجَازِيٌّ ، جَامِدٌ ، نَكِرَةٌ ، مُعَرَّبٌ ، صَحِيحُ الْآخِرِ ، مُنْصَرَفٌ | تَمْيِيزُ عَدَدٍ وَ مَنْصُوبٌ |

جَدْوْلُ لِتَصْرِيفِ الْأَفْعَالِ

| الصَّبِيحَةُ | الْمَاضِي | الْمَضَارِعُ | الْأَمْرُ | الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ | الْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ |
|---------------------------------------|-------------|--------------|------------|---------------------------|---------------------------|
| الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ | فَعَلَ | يَفْعَلُ | | لَمْ يَفْعَلْ | لَنْ يَفْعَلَ |
| الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ | فَعَلَا | يَفْعَلَانِ | | لَمْ يَفْعَلَا | لَنْ يَفْعَلَا |
| الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ | فَعَلُوا | يَفْعَلُونَ | | لَمْ يَفْعَلُوا | لَنْ يَفْعَلُوا |
| الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ | فَعَلَتْ | تَفْعَلُ | | لَمْ تَفْعَلْ | لَنْ تَفْعَلَ |
| الْمُثَنَّى الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ | فَعَلْتَا | تَفْعَلَانِ | | لَمْ تَفْعَلَا | لَنْ تَفْعَلَا |
| الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ | فَعَلْنَ | يَفْعَلْنَ | | لَمْ يَفْعَلْنَ | لَنْ يَفْعَلْنَ |
| الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ | فَعَلْتَ | تَفْعَلُ | إِفْعَلْ | لَمْ تَفْعَلْ | لَنْ تَفْعَلَ |
| الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ | فَعَلْتُمَا | تَفْعَلَانِ | إِفْعَلَا | لَمْ تَفْعَلَا | لَنْ تَفْعَلَا |
| الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ | فَعَلْتُمْ | تَفْعَلُونَ | إِفْعَلُوا | لَمْ تَفْعَلُوا | لَنْ تَفْعَلُوا |
| الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ | فَعَلْتِ | تَفْعَلِينَ | إِفْعَلِي | لَمْ تَفْعَلِي | لَنْ تَفْعَلِي |
| الْمُثَنَّى الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ | فَعَلْتُمَا | تَفْعَلَانِ | إِفْعَلَا | لَمْ تَفْعَلَا | لَنْ تَفْعَلَا |
| الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ | فَعَلْتُنَّ | تَفْعَلْنَ | إِفْعَلْنَ | لَمْ تَفْعَلْنَ | لَنْ تَفْعَلْنَ |
| الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ | فَعَلْتُ | أَفْعَلُ | | لَمْ أَفْعَلْ | لَنْ أَفْعَلَ |
| الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ | فَعَلْنَا | نَفْعَلُ | | لَمْ نَفْعَلْ | لَنْ نَفْعَلَ |

مُعَادِلُ أَنْوَاعِ الْأَفْعَالِ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ

- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْبَسِيطِ = فَعَلَ: انْجَام دَاد
- مُعَادِلُ الْمَاضِي النَّقْلِيِّ = قَدْ فَعَلَ: انْجَام دَادِه اسْت
- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْبَعِيدِ = كَانَ فَعَلَ وَ كَانَ قَدْ فَعَلَ: انْجَام دَادِه بُوْد
- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْاسْتِمْرَارِيِّ = كَانَ يَفْعَلُ: انْجَام مِي دَاد
- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْمُسْتَمِرِّ = كَانَ يَفْعَلُ: دَاشْت انْجَام مِي دَاد
- مُعَادِلُ الْمَاضِي الْإِلْتِزَامِيِّ = رُبَّمَا فَعَلَ وَ لَعَلَّهُ فَعَلَ: شَايِد انْجَام دَادِه بَاشْد
- مُعَادِلُ الْمُضَارِعِ الْإِخْبَارِيِّ = يَفْعَلُ: انْجَام مِي دِهْد
- مُعَادِلُ الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ = رُبَّمَا يَفْعَلُ وَ لَعَلَّهُ يَفْعَلُ: شَايِد انْجَام بَدِهْد وَ لِيَفْعَلُ: بَايِد انْجَام بَدِهْد
- مُعَادِلُ الْمُضَارِعِ الْمُسْتَمِرِّ = يَفْعَلُ: دَارْد انْجَام مِي دِهْد
- مُعَادِلُ الْمُسْتَقْبَلِ = سَيَفْعَلُ وَ سَوْفَ يَفْعَلُ: انْجَام خَوَاهْد دَاد
- مُعَادِلُ الْمُسْتَقْبَلِ الْمُنْفِيِّ = لَنْ يَفْعَلَ: انْجَام نَخَوَاهْد دَاد

أَيُّهَا الْأَحِبَّاءُ،
نَسْتَدْعُكُمْ اللَّهَ،
وَنَرْجُو لَكُمْ حَيَاةً مَلِيَّةً بِالنَّجَاحِ
مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه‌دستی مّلی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلّمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهمّ دنبال می‌کند. برای تحقّق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه‌ی تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلّمان درباره‌ی کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اوّلین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلّمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه‌ی راهبری دروس و مدیر محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه‌ی نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود:

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۳) - کد ۱۱۲۲۰۸

| ردیف | نام و نام خانوادگی | استان محلّ خدمت | ردیف | نام و نام خانوادگی | استان محلّ خدمت |
|------|----------------------|-------------------|------|--------------------|-----------------|
| ۱ | خدیدجه حسینی | سمنان | ۲۰ | مهديه مرتضوی‌فر | کرمان |
| ۲ | فاطمه‌زهرا گندم‌کار | خراسان رضوی | ۲۱ | حدیثه متوّلی | سمنان |
| ۳ | علیرضا صحیحی | اصفهان | ۲۲ | علی میرزایی | کرمانشاه |
| ۴ | زهرا علی‌آبادی | خراسان جنوبی | ۲۳ | فاطمه نظری | گلستان |
| ۵ | یعقوب‌علی آقاعلی‌پور | آذربایجان شرقی | ۲۴ | محمّدرضا سلمانی | زنجان |
| ۶ | معصومه حسن‌زاده | شهر تهران | ۲۵ | مرضیه رضایی | البرز |
| ۷ | آذر فیلی | ایلام | ۲۶ | زهرا فصیحی | اصفهان |
| ۸ | سحر تمهیدی | شهرستان‌های تهران | ۲۷ | محسن شبستانی | همدان |
| ۹ | باقر جبریلی | مازندران | ۲۸ | زهره اشرفی‌زاده | خوزستان |
| ۱۰ | سیدرضا موسوی‌نژاد | خراسان جنوبی | ۲۹ | کمال فلاّحی | فارس |
| ۱۱ | محمّد طایفه‌خانی | شهرستان‌های تهران | ۳۰ | بهجت نانکلی | همدان |
| ۱۲ | ابوبکر یوسفی لاجی | خراسان رضوی | ۳۱ | ملیحه صالح قمری | خراسان شمالی |
| ۱۳ | پانته‌آ امیرپاشایی | شهر تهران | ۳۲ | رضا شیروانی | فارس |
| ۱۴ | فهیمه ورزدار | البرز | ۳۳ | زهرا قموشی‌فرد | قزوین |
| ۱۵ | مهدی شفایی | آذربایجان شرقی | ۳۴ | قیس خزاعل | خرمشهر |
| ۱۶ | رضا نیرآبادی | خراسان رضوی | ۳۵ | مجید بیگلری | مازندران |
| ۱۷ | آمنه آقایی نعمتی | شهر تهران | ۳۶ | آیدا فردوس مقدّم | ایلام |
| ۱۸ | احسان نیک‌ورز | کرمان | ۳۷ | غلامرضا یرشی | بوشهر |
| ۱۹ | فرزانه جتّاری | کرمانشاه | | | |